



دیدگاه

پیام اجلاس همسایگان افغانستان ترجیح همکاری بر رقابت بود



سیر تحولت افغانستان با دقت از سوی مجامع سیاسی و بین‌المللی دنبال می‌شود. با گذشت چند ماه از تسلط گروه طالبان بر بخش وسیعی از این کشور اما همچنان نظام سیاسی افغانستان فاقد یک دولت فراگیر است. دیپروز کشورهای همسایه افغانستان در تهران، نشستی را برگزار کردند تا برای ایجاد صلیح پایدار در این کشور تشریک مساعی کنند. حسین فرجادامین، کارشناس مسائل افغانستان در گفت‌وگو با جام‌جم با اشاره به برگزاری چند نشست مشابه با محوریت همین موضوع خاطرنشان کرد: اجلاس دیپروز، دومین اجلاس از نوع نشست وزیران خارجه کشورهای همسایه افغانستان بود که برگزار شد. نشست اول به ابتکار پاکستان و به صورت مجازی برگزار شد. پیش از اجلاس دیپروز هم نشست مسکو البته با محتوای جداگانه‌ای اتفاق افتاد.

وی درباره حاصل دستاوردهای برگزاری چنین نشست‌هایی گفت: کشورهای همسایه به جای رقابت در موضوع افغانستان در پی همکاری و مشارکت هستند و از توان و امکانات خود برای خارج کردن این کشور از پلاتکلیفی استفاده‌کنند. به گفته این تحلیلگر مسائل سیاسی خارجی، بزرگ‌ترین مشکل، افغانستان را به رسمیت نشناختن در مجامع سیاسی و بین‌المللی است و تفاوت آن با دوره قبلی حاکمیت طالبان این بود که در آن زمان عربستان، امارات و پاکستان این گروه را به رسمیت شناختند.

فرجادامین گفت: یکی از مهم‌ترین کمک‌های کشورهای همسایه این است که تکلیف این کشور از لحاظ شناسایی مشخص شود. شناسایی هم منوط به این است که ابتدا جریان حاکم در افغانستان از سوی مردم به رسمیت شناخته شود. به همین علت کشورهای همسایه اصرار دارند یک حکومت همه مشمول و دولت فراگیر در افغانستان روی کار بیاید. با به رسمیت دولت در افغانستان، بخش عمده مشکلات این کشور حل می‌شود. از جمله بلوکه شدن دارایی‌های افغانستان. امروز مردم این کشور برای تأمین نیازهای اولیه به این دارایی‌ها نیاز دارند. این کارشناس مسائل افغانستان با اشاره به نقش نیروهای فرامنطقه‌ای در ایجاد بحران در این کشور خاطرنشان کرد: مشکل افغانستان نتیجه دخالت نیروهای فرامنطقه‌ای و فرامرزی در امور این کشور بود. دخالت‌هایی که آمریکا و مجموعه هم‌پیمانانش در ناتو طی ۲۰ سال گذشته در افغانستان انجام دادند به شورش اجتماعی افغانستان منجر شده و به همین واسطه طالبان به بهانه دخالت عنصر خارجی دست به تحرکات زد. اگر نبود این دخالت نیروهای فرامرزی، بهانه‌ای برای اقدامات خشونت‌طلبانه طالبان باقی نمی‌ماند، یکی از توجیهات این گروه برای تحرکات نظامی در افغانستان حضور نیروهای خارجی و وجود یک حکومت دست نشاندۀ در این کشور بود. اساساً حضور این نیروها زمینه‌ساز بحران در افغانستان شد. حضور نیروهای فرامنطقه‌ای هیچ‌گاه نمی‌تواند تسکین‌دهنده دردها و رفع‌کننده مشکلات مردم افغانستان باشد و بلکه تشدیدکننده بحران است.

وی درباره نقش کشورهای همسایه از جمله ایران در ایجاد ثبات در افغانستان و حل بحران این کشور تصریح کرد: به‌طور کلی همسایگان در شرایط کنونی بیشترین کمک را می‌توانند به افغانستان بکنند. به دلیل این‌که هم در مجاورت این کشور قرار دارند و از سویی دیگر، مشکلات افغانستان را مشکلات خودشان تلقی می‌کنند. چراکه اگر این مشکلات در افغانستان حل نشود سرریز و تبعات آن متوجه کشورهای همسایه می‌شود. همسایگان به خاطر موضوع امنیت و همچنین سرایت عواملی تروریستی که ممکن است افغانستان را محل تجمع خود قرار دهند، ضروری می‌بینند با دقت تحولات این کشور را دنبال کنند.

فرجادامین با اشاره به ابتکار ایران در برگزاری نشست گروه‌های افغانستانی تصریح کرد: این تجربه می‌توانست موفق باشد اما چون این گروه‌ها نتوانستند نظرات خود را به یکدیگر نزدیک کنند آن تلاش‌ها به نتیجه نرسید و نتیجه آن سختگیری‌ها و اصرار بر مواضع باعث شد گروه‌های افغانستانی نتوانند به یک راه‌حل مرضی‌الطرفین دست پیدا کنند و در نهایت شرایط برای این بحران فراهم شد.



عبدالعزيز کاملوف وزیر خارجه ازبکستان، شاه‌محمود قریشی وزیر خارجه پاکستان، رشید مردوف وزیر خارجه ترکمنستان و سراج‌الدین مهراالدین وزیر خارجه تاجیکستان در این نشست یک روزه حضور داشتند

عکس:

فارس

حل مشکلات ایران و عربستان اقدام مهمی است

دبیر شورای نگهبان با تأکید بر لزوم توسعه و ترویج وحدت میان مسلمین گفت:

اگر مشکلات بین ایران و عربستان حل شود، اقدامی مهم انجام گرفته است.

آیت‌ا... احمد جنتی در جلسه شورای نگهبان با تأکید بر این‌که وحدت میان مسلمین عبادت است و باید هرچه می‌توان آن را توسعه داد، به انتشار برخی



در دومین نشست وزرای خارجه همسایه افغانستان در ایران چه گذشت؟

تهران قلب‌تپنده صلح برای همسایه شرقی

🔗 روز گذشته تهران کانون حل و فصل مشکلات همسایه شرقی خود بود، نشست‌ی که نه‌تنها پای همسایگان دیگر را هم باز کرد، بلکه از روسیه تا چین و سازمان ملل هم میزبان شخصیت‌های بین‌المللی بود تا به عنوان مهم‌ترین همسایه افغانستان بتوانند به بهبود شرایط سیاسی و امنیتی در این کشور کمک‌کنند. حضور پرنرنگ تهران در این مناقشه که اتفاقاً از سوی کابل نیز پذیرفته‌شده، به این دلیل است که بدون شك مشکل افغانستان با بازیگری منطقه‌ای حل شدنی است و نه حضور آمریکا و ناتو. نقش‌آفرینی آنها در این سر دنیا فقط شرایط را بدتر می‌کند. درواقع یکی از موضوعات اصلی، اهمیت نقش‌آفرینی ایران است، چراکه نقش‌آفرینی پیش از این مبدع نشست بین‌الافغانی بوده و در عین حال نقطه اتصال کشورهای منطقه با افغانستان است. دقیقاً به همین دلیل پیام دبیرکل سازمان ملل به نشست تهران هم بسیار مهم بود و به این معناست که جمهوری اسلامی کانون دیپلماسی فعال در منطقه است که برای کمک به صلح و ثبات قدم برمی‌دارد.

رقابت، همه کشورهای همسایه افغانستان به دنبال مساعی و همکاری برای آینده افغانستان هستند. پیام آنتونیو گوتیش، دبیرکل سازمان ملل متحد در دومین نشست وزرای خارجه کشورهای همسایه افغانستان به صورت ویدئویی قرائت شد و دبیرکل سازمان ملل گفت که از موارد نقض حقوق بشر و حملات در این کشور از زمان تسلط طالبان به شدت نگران است و خواستار تلاش برای مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر شد.

🔗 مخبر:مردم افغانستان انتظار دارند کشوری امن داشته باشند

محمد مخبر، معاون اول رئیس جمهور ایران روز گذشته در آیین گشایش اجلاس وزیران خارجه کشورهای همسایه افغانستان با اشاره به تحولات پرشتاب افغانستان و سختی‌ها و بحران‌های به جا مانده از اشغالگری بیگانگان در این کشور گفت: «مردم افغانستان انتظار دارند کشوری امن، مستقل و روبه توسعه داشته باشند».

وی افزود: «کشورهای همسایه افغانستان دارای پیوندهای عمیق تاریخی و فرهنگی با این کشورند و از این منظر نوعی هم‌سرشتی و هم‌سرنوشتی میان افغانستان و همسایگانی وجود دارد که امنیت و ثبات و صلح را در مناطق آسیای مرکزی و جنوبی به هم گره می‌زند و گراف نیست که بگوییم امنیت و ثبات همسایگان افغانستان با امنیت افغانستان به هم پیوسته است. بر همین اساس ما از جمهوری اسلامی پاکستان برای برگزاری اولین دور نشست

اخبار درخصوص مذاکرات بین ایران و عربستان اشاره کرد و با استقبال از نزدیکی

و مذاکره این دو کشور مسلمان منطقه افزود: اگر مشکلات بین این دو کشور

مسلمان حل شود، اقدام مهمی صورت گرفته است.

دبیر شورای نگهبان یادآور شد: مشکلات دنیای اسلام تحمیلی و خواست

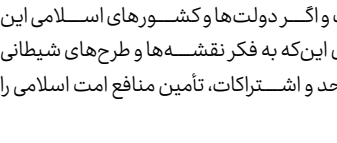
اسلامی ایران برای در اختیار گذاشتن تمامی امکانات خود به منظور پیشبرد مذاکرات بین‌الافغانستانی خیرداد و گفت: «جلسه امروز با هدف تمرکز و توجه بر موضوع شرایط جدید در افغانستان است.»

وزیر خارجه کشورمان افزود: «امیدواریم با صدایی واحد، پیامی مشترک را به جامعه جهانی کشورهای منطقه و داخل افغانستان مخابره کنیم. مسوولیت امنیت شهروندان افغان و مرزها با همسایگان با هیات حاکمه سرپرستی افغانستان است. برون‌رفت از بحران امروز در افغانستان به‌کارگیری همه ظرفیت‌هاست. همه همسایگان و جامعه جهانی توجه ویژه به وضعیت حقوق بشر و زنان در شرایط کنونی در افغانستان داشته باشند؛ آمریکا نیز باید مسوولیت خود را در قبال فجایعی که در افغانستان به‌بار آورده، بپذیرد.»

وی خاطرنشان کرد: «بحرانی که امروز همه ما را نگران کرده، میراث دخالت‌های نابه‌جای قدرت‌های زورگو در منطقه ماست. آمریکا ۲۰ سال پیش با دستاویز قرار دادن مبارزه با تروریسم، به افغانستان حمله کرد و با ادامه حضور نظامی خود موجب استمرار و بازتولید بی‌ثباتی، جنگ و ناامنی در آن کشور شد. واشنگتن بدون آن‌که افغانستان و مردمش را به پیش برده و توانمند سازد، به‌شکلی ناشایانه و غیرمسئولانه از صحنه گریخت و وضعیتی به وجود آورد که امروز همه ما با آن مواجه هستیم.» وزیر خارجه کشورمان اضافه کرد: «در ماه‌های اخیر شاهد گسترش فعالیت‌گروه‌های تروریستی به‌ویژه داعش در افغانستان بوده‌ایم. حملات تروریستی سبعانه این گروه به اجتماعات مذهبی ازجمله حمله به مساجد مسلمانان از جمله در قندوز و قندهار نمونه‌هایی از رفتارهایی است که تحت نام اسلام و در لباسی متفاوت، مردم افغانستان و افکار عمومی جهان را آزار می‌دهد. طی هفته‌های اخیر بر همه ما معلوم شده است که این گروه در افغانستان دارای جغرافیا و توان عملیاتی شده و طالبان نیز نتوانسته مانع عملیات این گروه در شهرهای مختلف شود. استمرار توسعه‌نیافتگی در افغانستان هیچ پیامیدی جز استمرار سربازگیری گروه‌های تروریستی و تبهکار از مردم افغانستان و به تبع آن گسترش تروریسم و تبهکاری در این کشور، کشورهای همسایه و کل منطقه آسیای جنوبی و مرکزی نخواهد داشت.

وی افزود: این‌جانب به نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران پیشنهادهایی را مطرح می‌کنم؛ نخست، وضعیت و توازن قدرت در افغانستان دچار تحول شده، اما این تحول زمانی تثبیت شده و استمرار خواهد یافت که اقتضانات اجتماعی افغانستان را درک نموده و همسو با آن عمل کند. بر این اساس، ضرورت تشکیل دولتی فراگیر و با حضور و مشارکت مؤثر و پایدار همه گروه‌های قومی و مذهبی افغانستان، از مسیر گفت‌وگوهای بین‌الافغانی با پشتیبانی و بدون مداخله بازیگران خارجی، مورد تأکید جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. از کشورهای همسایه انتظار می‌رود از تمام نفوذ خود روی رهبران طالبان و سایر طرف‌های افغان برای تشویق هم‌پذیری و مشارکت جمعی در تشکیل دولت، استفاده و این روند را تسهیل کنند.»

وی افزود: «دوم، گروه طالبان به‌عنوان جریان حاکم در افغانستان وظایف انکارناپذیری در تأمین امنیت و مبارزه با تروریسم، رعایت حقوق گروه‌های مختلف از جمله زنان، تأمین ضروریات زندگی برای شهروندان افغانستان، پایان دادن به تضعیع حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی، از میان بردن ریشه‌های بیجاشدگی و آوارگی و



قدرت‌های ضد اسلام است و اگر دولت‌ها و کشورهای اسلامی این حقیقت را متوجه باشند به جای این‌که به فکر نقشه‌ها و طرح‌های شیطانی مستکبران باشند، حول محور واحد و اشتراکات، تأمین منافع امت اسلامی را دنبال می‌کنند.

رعایت اصول بنیادین و پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل دارد که باید نسبت به آنها اهتمام داشته‌باشد.»

امیرعبداللهیان بیان کرد: «سوم، ضروری است طالبان ضمن اتخاذ رویکردی دوستانه نسبت به همسایگان خود، اقدامات لازم را به‌منظور اطمینان بخشیدن نسبت به این‌که از قلمرو افغانستان هیچ تهدیدی علیه همسایگان وجود نخواهد داشت، به عمل آورد.» وی گفت: «چهارم، مردم افغانستان نیازمند کمک‌های فوری بشردوستانه شامل، غذا، دارو و واکسن برای مقابله با کووید ۱۹ هستند. توجه به این نکته که توزیع کمک‌ها باید به‌گونه‌ای انجام شود که مردم به شکل منصفانه‌ای از آن بهره‌مند شوند، نیازمند سازوکاری منسجم است. با توجه به صیق وقت و فوریت اقدام، پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران فعال کردن «برنامه اگو برای حمایت از افغانستان» است.» وزیر خارجه ایران افزود: «پنجم، به‌منظور مبارزه با جرایم سازمان‌یافته و اقدامات تروریستی با منشأ افغانستان، پیشنهاد می‌شود سازوکار همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی میان کشورهای منطقه با جدیت بیشتر و در فواصل کوتاه‌تر به تبادل اطلاعات و انجام هماهنگی میان کشورهای منطقه ازجمله همسایگان افغانستان بپردازد.»

رئیس دستگاه دیپلماسی ایران بیان کرد: «ششم، با توجه به فراگیری چتر سازمان ملل، پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران، درخواست از دبیرکل آن سازمان در میانجیگری میان طرف‌های افغان برای رسیدن به توافق درخصوص ساختار سیاسی آینده در آن کشور است.»

🔗 پاکستان:هیأت حاکمه افغانستان توفعات جامعه بین‌المللی را ریز آورده‌کند

همچنین شاه‌محمود قریشی، وزیر خارجه پاکستان هم روز گذشته در نشست وزرای خارجه کشورهای همسایه افغانستان گفت: «باید جامعه جهانی به وضعیت اقتصادی مردم افغانستان توجه و از وقوع يك فاجعه انسانی در این کشور جلوگیری‌کند. معتقدیم باید پیول‌های افغانستان در خارج کشور آزاد شود.» وی ادامه داد: «در مدت اخیر تحولات مهمی در این کشور رخ داد و در ماه آگوست امسال يك انتقال قدرت بدون خونریزی در این کشور به وقوع پیوست و طالبان به قدرت رسید.د. وزیر خارجه اظهار کرد: «نخستین نشست کشورهای همسایه افغانستان در ماه سپتامبر برگزار شد و این نشست نیز در ادامه آن برگزار شده تا کشورهای همسایه در افغانستان به يك هماهنگی برسند تا چالش‌های به وجود آمده را به نوعی مدیریت کنند»

🔗 چین:امیدواریم بتوانیم به تحقق صلح و آرامش در افغانستان کمک کنیم

وانگ یی، وزیر خارجه چین هم دیپروز در دومین نشست وزرای خارجه همسایگان افغانستان اظهار کرد: «معتقدیم که دومین نشست وزرای خارجه کشورهای همسایه افغانستان، در زمان خوبی برگزار شده و این باعث می‌شود که کانال‌های دیپلماتیک ایجاد شده بین ما در این زمینه تقویت شود.»

وزیر خارجه چین خاطرنشان کرد: «چین همکاری‌های خود را با کشورهای مختلف درباره موضوع افغانستان ادامه می‌دهد تا وضعیت در این کشور بهبود یابد و مردم افغانستان بتوانند زندگی بهتری داشته باشند.»

🔗 لاوروف:موضع شرکت‌کنندگان در نشست تهران به هم نزدیک است

سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه هم در نشست وزرای خارجه کشورهای همسایه افغانستان به صورت آنلاین حاضر شد و گفت: «معتقدیم باید منافع همه گروه‌ها و قومیت‌ها در افغانستان رعایت شود و از ایجاد یک دولت کاملاً فراگیر در افغانستان حمایت می‌کنیم.» وی افزود: «باید حقوق زنان و مذاهب محترم شمرده شود و با قاچاق مواد مخدر و تروریسم در افغانستان و کشورهای اطراف آن مبارزه شود.»

وزیر خارجه روسیه خاطرنشان کرد: «از همسایگان افغانستان دعوت می‌کنیم تا با توجه به خروج ناتو و آمریکا از افغانستان، کشور خود را پایگاه آنها قرار ندهند.»

لاوروف افزود: «کنفرانس برای کنفرانس باید کنار گذاشته شود و کارها با محوریت سازمان ملل باید عملیاتی باشد. من چندی قبل در نشست مسکو سخنرانی کردم و امیدوارم نشست‌های افغانستان به جای موازی‌کاری به دنبال تکمیل هم باشند.»



نبض اقتصاد

کنترل سناریوی هک



پیش ازظهر سه‌شنبه ساعت۱۱فعالیت جایگاه‌های سوخت در کشور متوقف شد؛ موضوعی که پس ازمدتی ازسوی مقامات کشور اعلام شد که جایگاه‌های سوخت مورد حمله‌سایبری قرارگرفته وهمین موضوع باعث اختلال در سوختگیری شده است. تا سه‌شنبه تعداد زیادی از جایگاه‌های سوخت به‌صورت دستی(آقلاین) وارد شد اما پرسش اصلی اینجاست چه‌زمانی سوختگیری به‌شرایط عادی باز می‌گردد؟ مواردی که چارچوب اصلی این گزارش را تشکیل می‌دهد.

اکنون تعداد زیادی از جایگاه‌های سوخت کشور به‌صورت دستی(آقلاین) فعال هستند تا سوختگیری مشکلی نداشته باشد اما باید توجه داشت ادامه این روند احتمال دارد آسیب‌هایی را به دنبال داشته باشد. به این صورت‌که اگر میزان مصرف هر جایگاه مشخص نباشد احتمال افزایش قاچاق سوخت را بالا می‌برد و در این شرایط حساس اگر اقدامی در این زمینه صورت بگیرد ممکن است سوخت در جایگاه‌ها با کمبود مواجه شود. از این رو نهادهای امنیتی باید در این زمینه رصد لازم را داشته باشند تا سوخت به‌مصرف‌کننده‌نهایی برسد.دیروزاین نگرانی وجودداشت‌که سهمیه کارت‌های سوخت باطل خواهد شد اما علی‌فروزننده، مدیرکل روابطعمومی وزارت‌نفت دراین‌باره توضیح دادسهمیه‌کارت‌های سوخت باطل نمی‌شودو افراد برای بررسی این موضوع‌از حضور در جایگاه‌های عرضه سوخت خودداری کنند. یک روز پس از این اتفاقات ابراهیم رئیس، رئیس‌جمهور در جلسه هیات‌دولت اعلام کرد هدف از حمله‌سایبری به سیستم جایگاه‌های سوخت مختل‌کردن زندگی مردم است و ضروری است پیش‌بینی، پیشگیری وتجهیز مقابل حملات سایبری در نظر گرفته شود. رئیس‌جمهور افزود: دراین حمله‌سایبری نه‌تنها مسوولان دچار سردرگمی نشده بلکه بلافاصله شرایط را مدیریت کرده و مردم نیز آگاهی خود را در مواجهه با این مشکل نشان دادند و با هوشیاری اجازه ندادند کسی نتواند سوء‌استفاده وفرصت‌طلبی کند. پس از پایان جلسه‌هیات‌دولت،رئیس‌جمهوربه‌وزارت‌نفت رفت و از وضعیت جایگاه‌های سوخت پرسید و پس از آن از تعدادی جایگاه‌های سوخت در تهران بازدید میدانی کرد و با مردم به‌گفت‌وگو پرداخت. دیروز این موضوع مطرح شد که چطور جایگاه‌های هوشمند سوخت مورد حمله‌سایبری قرار گرفته که سازمان پدافند غیرعامل دیروز اعلام کردپیشتر موضوع ضعف امنیتی شبکه هوشمند جایگاه‌های سوخت را به شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی اطلاع داده‌بودیم. سازمان پدافندغیرعامل کشور ضمن تذکر مجدد به همه دستگاه‌ها و زیرساخت‌هایی‌که در آنهازمایش سایبری برگزار شده اعلام می‌دارد در صورت بروز هر نوع حادثه از محل آسیب‌پذیری‌های اعلام و ابلاغ‌شده‌این سازمان، موضوع اختلال در خدمات‌رسانی به مردم وخدشه‌به اعتبار سایبری کشوررا از طریق مراجع قانونی پیگیری خواهد کرد.

پس از کش‌وقوس‌های فراوان درباره چگونگی فعالیت‌های جایگاه‌های سوخت کشور جواد اوجی، وزیرنفت دراین‌باره توضیح داد دشمن قصد داشت با یک حمله‌سایبری به مردم ایران آسیب بزند ولی با همراهی و صبوری مردم تیرشان به سنگ خورد. اکنون بیش از ۳۰۰۰جایگاه سوخت در سراسر کشور فعال بوده و به مردم سوخت‌رسانی می‌کنند.پندم به‌عنوان وزیرنفت از مردم عزیز بابت صبوری تشکر می‌کنم و همچنین عذرخواهی می‌کنم، اگر در ساعات اولیه با معطلی مواجه شدند. وی همچنین تاکیدکرد مردم اطمینان داشته باشند که سهمیه‌کارت‌سوخت آنها محفوظ باقی‌مانده وبه‌محض این‌که تمام جایگاه‌های سوخت فعال شود، می‌توانند از این سهمیه استفاده کنند. ما شایعه افزایش قیمت بنزین را قویا تکذیب می‌کنیم و دولت هیچ برنامه‌ای برای افزایش قیمت بنزین ندارد. در سراسر کشور جایگاه‌ها فعال است ودر تلاشیم تا دوروز آینده‌کارت‌های هوشمند فعال شوند و مردم بتوانند از بنزین یارانه‌ای استفاده کنند.



چرا که این شیوه‌های نادرست درنهایت به تورم می‌انجامد و فشار آن بر زندگی و معیشت مردم وارد می‌شود.منظور اظهار کرد: مهم‌ترین ماموریت این دستگاه، وصول درآمدهای مالیاتی و تأمین بودجه کشور است و با تلاش مضاعف و کار جهادی باید زمینه رشد درآمدها و تعالی نظام‌مالیاتی را فراهم کنیم.

اتفاقات رقم بخورد، دولتی که مردم را از خودش نمی‌داند آیا استحقاقی جز این دارد؟ مردمی که نمی‌دانند چه خبر است باید از چه کسی پرسند؟

سعید موسی برنده این بازی بود، او به خوبی توانست مردم را در خیابان‌ها با خودش همراه کند، سعید موسی نمی‌توانست هیچ کاری برای مردم انجام بدهد جز این‌که در کنار آنها باشد، او تنها مردم را قانع کرد، کاری که بارو هیچ گاه برای انجام آن اقدام هم نکرد.

نکنه جالب‌تر این ماجرا این است که اصلا واقعیت ندارد، شما تنها با یک داستان مواجه بودید که در یک کشور واقعی و با آدم‌های واقعی نوشته شده اما وقایع اتفاق افتاده در آن هیچ کدام واقعی نبودند، اما اگر با دقت بخوانید می‌بینید که ما مثل کلاس آزمایشگاه شیمی تنها شرایطی آزمایشگاهی فراهم کردیم که بررسی کنیم اگر چند ماده با هم مخلوط شوند چه اتفاقی خواهد افتاد.

شما می‌توانید جای بیلیز هر کشور دیگرو جای موسی و بارو هر نام دیگری بگذارید، نتیجه همان است که بود، مردم صاحب واقعی کشور هستند و اگر دولتی نتواند مردم را قانع کند، اگر دولتی نتواند خودش را به مردم ااش ثابت کند و به آنها بفهماند که فاصله‌ای بین شان وجود ندارد، یک نفر دیگر از راه می‌رسدو روی بی‌اعتمادی مردم سوار می‌شود، حتی اگر حق باشما باشد. بیایید به سوال آخر دو بند قبل برگردیم، به همانجایی که پرسیدیم آیا به این فکر کرده اید که اتفاق آبان هزار و چهارصد چه تفاوتی با دیگر آبان‌ها دارد.

✂️ مردم صبور، مسؤولان جسور

بلافاصله بعد از اتفاقات خیابانی که در مورد بنزین افتاد صدا و سیما فعال شد، یکی سراغ مسوولین می‌رفت ویکی به خیابان می‌آمد، جالب این‌که مقایسه حرف‌های مسوولین و اتفاقات خیابان یکی از کارهای متداول رسانه‌ها بود.

مسوولین وزارت نفت که جلسات فوری تشکیل داده بودند می‌گفتند که در حال خارج کردن پمپ بنزین‌ها از شبکه هستند و مشکل در حال بررسی و رفع است، اما صدا و سیما و دیگر رسانه‌ها توی خیابان حرف‌های مردم را پوشش جدی می‌دادند. خیلی زود سر و کله رئیس‌جمهور در خیابان پیدا شد، رئیس‌جمهوری که جلسات را به کارشناسان سپرده بودو آمده بود تا وضعیت مردم را با حرف‌های مدیران اش مقایسه کند، رفت و در چند پمپ بنزین با مردم صحبت کرد و مشکل پمپ بنزین‌ها را از نزدیک دید.

شاید فکر کنید این کارها برای مردم بنزین نمی‌شود، کاملاً حق به شمامست، اما برای مردم اعصاب که می‌شودا هزاران باری را به خاطر بیابورید که در صف‌های طولانی عرضه اجناس دولتی، در شلوغی مترو یا در هر موقعیتی که بر اثر یک کمبود ایجاد شده عصبی شده‌اید، یقه چه کسی را گرفته‌اید؟ این خشم‌های فروخورده کجا تل انبار شده‌اند؟

اصلاً بیایید تصور کنیم در بدو هر بحرانی رئیس‌جمهور به میان مردم برود، منتهای اقدامات تروریستی چقدر احتمال می‌دهید رئیس‌جمهور از طرف خود مردم در خطر باشد؟ آیا مردمی که در همسایگی من و شما هستند دست به این کارهای می‌زنند؟ گاهی فکر می‌کنم چه کسی به مدیران مشورت می‌دهد که در همان بدو بحران به میان مردم نروند، درحالی‌که اگر همان ابتدا نرفتند دیگر نمی‌توانند در جمع مردم حاضر شوند؟ آیا مسوول نباید جسارت آن را داشته باشد که مسوولیت خود را بپذیرد؟ حالا آن پیک موتوری را تصور کنید که در این بی‌بنزینی از کار و زندگی افتاده و ناگهان در پمپ بنزین رئیس‌جمهور را می‌بیند و خود رئیس‌جمهور در اولین روز بحران به او توضیح می‌دهد خودش و همکارانش تمام تلاش خودشان را برای حل این مشکل می‌کنند، چقدر توی حال آدم تغییر ایجاد می‌شود وقتی که به خانه بر می‌گردد و مطمئن است یک نفر دارد کار او را پیگیری می‌کند؟ وقتی می‌داند رئیس‌جمهور هم وسط میدان است؟

دقت کنید، کنتراست پیک موتوری با رئیس‌جمهور اگر زیاد شده به خاطر اتفاقات این سال‌هاست و اگر ما با اشتیاق آن را تعریف می‌کنیم از کوتاهی مسوولان است. اتفاقاً ما عمداً نامی از رئیس‌جمهور نمی‌آوریم، چون فرقی نمی‌کند کار درست را چه کسی انجام بدهد. رئیس‌جمهوری که در بحران آرام بخواد رئیس خودش و قبیله خودش شاید باشد، اما رئیس‌جمهور نیست!

محسوب می‌شوند. معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی بیان کرد: در شرایطی که کشور از سایر منابع مالی همچون درآمدهای نفتی محروم است، مسوولیت این دستگاه در تأمین مالی دولت بسیار سنگین است؛ ضمن اینکه دولت سیزدهم به‌شدت از تأمین مالی از طریق سایر شیوه‌ها ازجمله چاپ پول و استقراض بانکی ابا دارد



درس‌هایی که از نحوه مدیریت بحران در موضوع اختلال جایگاه‌های سوخت می‌توان گرفت

از آن صبح جمعه تا این ظهر چهارشنبه

✂️ شاید کلمه بیلیز برای شما مفهومی نداشته باشد، اما نام یک کشور در محدوده آمریکای مرکزی است، کشوری در غرب اقیانوس اطلس که از شمال با مکزیک، از غرب با گواتمالا و از جنوب با هندوراس همسایه است و چهارصد و بیست هزار نفر جمعیت دارد. بیلیز یک کشور توریستی است که در زمینه بانکداری هم وضعیت مطلوبی دارد که طبیعتاً وقتی از این دودر کنار هم صحبت می‌کنیم می‌توان دریافت که مقصد کدام گردشگران خواهد بود. کشوری که بانکداری پیشرفته و مدرنی در نزدیکی مکزیک دارد و سواحل و جنگل‌های معروفی در آن قرار گرفته بهشتی برای تبهکاران آمریکایی است که درآمدهای سیاه خود را توی این منطقه انبار می‌کنند و بانک‌های مطمئن بلموین برای آنها یک جزیره امن ایجاد کرده‌اند. زبان رسمی بیلیز انگلیسی است و دلار بیلیز قدرت‌آنجمنی در مقابله با دلار ندارد، همه اینها را اضافه کنید به بعد مصافات و امنیت که باعث می‌شود یک گردشگر آمریکایی بیایید و پول هایش را در اینجا ذخیره و انبار کند. بله، استراحتگاه آرام بیلیز یک بهشت کوچک بود تا این‌که در سیزدهم اکتبر سال ۲۰۱۵، اتفاقی در آن رخ داد که این بهشت کوچک از روی محور همیشگی خود خارج شد. اتفاقی که زندگی مردم بیلیز را سالیان سال تحت تأثیر قرار داد.



مرتضی درخشان روزنامه‌نگار

✂️ چرا بنزین نمی‌سوزد

بنزین این روزها یک کلید واژه داغ است، مثل باروت شده و می‌تواند به سادگی از شکل سازنده و پیش برنده به شکل مخرب و بارزارنده تبدیل شود. ماجرا از این قرار است که بعد از چند روز که شایعه گران شدن بنزین بر سر زبان‌ها افتاده بود و بعضی‌ها طبق معمول همیشه از منابع خیلی موثقی که البته هیچ‌گاه نامشان فاش نمی‌شود اطلاع یافته بودند، صبح روز سه شنبه، وقتی مردم در سراسر کشور برای بنزین زدن به پمپ‌های بنزین مراجعه کردند متوجه شدند شبکه هوشمند سوخت از کار افتاده و کشور در آستانه بحرانی جدی قرار گرفت، بحرانی که هنوز هم به طور کامل از آن خارج نشده است.

مردم کلافه که فکر این اتفاق را نمی‌کردند با پاک‌هایی که داشت به سمت خالی شدن پیش می‌رفت سرگردان بودند که بلافاصله رسانه‌ها اعلام کردند که مشکلی در عرضه سوخت وجود دارد و امکان سوختگیری در هیچ جایگاهی وجود ندارد. از حوالی ظهر خارج کردن قریب به چهار هزار و هشتصد پمپ بنزین سراسر کشور از حالت آقلاین به حالت آقلاین آغاز شد و پمپ بنزین‌ها تقریباً به پیش از هوشمندسازی دوم بنزین تغییر وضعیت پیدا کردند. با این تفاوت که بنزین سهمیه‌ای وجود ندارد و سوخت در تمام کشور با قیمت آزاد یعنی سه هزار تومان عرضه می‌شد. صف‌های بلند پمپ بنزین خودش به کوکتل مولوتوفی تبدیل شده بود که خیلی‌ها احساس می‌کردند تنها نیاز به یک کبریت دارد، اما آن کبریت هیچ‌گاه زده نشد. آیا به این فکر کرده اید که اتفاق آبان هزار و چهارصد چه تفاوتی با دیگر آبان‌ها دارد؟

✂️ آخرین شنبه دل‌انگیز بیلیز

یک روز شبیه پاییز در منطقه استوایی بیلیز یک روز ایده‌آل است، یک ساحل دیدنی، مردمی با جمعیتی نامتراکم و شاد

یک فرمول خیلی ساده

علاوه بر این حرف‌ها بیایید کمی سرخ رسانه‌ها برویم؛ رسانه‌هایی که رفتار محافظه‌کارانه آنها را همیشه سه بر صفر مقابل رسانه‌های تا دندان مسلح روبه‌رو شکست خورده‌اند. ما گاهی فکر می‌کنیم در این مواقع باید چه کاری انجام داد تا بحران رسانه، ما را در خودش غرق نکند و همیشه پاسخ این سوال روبه‌روی مان ایستاده است، یک پاسخ خیلی خیلی ساده: «حضور در میدان!» کار خارق‌العاده‌ای هم نیست که نیاز به کارشناسان خبر رسانه‌ای داشته باشد. تمام استان‌ها خبرنگارها را به سطح شهر فرستادند تا مردم احساس کنند نیازی به بلندگویی از بیرون ندارند تا صدایشان به گوش مسوولان برسد. تصور کنید اگر به جای این‌که صداوسیما از صف‌های پمپ بنزین و انتظار صبورانه و نجیب مردم، تنها به گزارش‌های انتزاعی و مصاحبه با مدیران اکتفا می‌کرد، بعد همان موقع یک شبکه معاندی که پولش را از فلان پادشاهی می‌گیرد می‌آمد و مثلاً فیلم‌های دیگری را به عنوان فیلم چنین اتفاقی قالب می‌کرد چه اتفاقی می‌افتاد؟ شما کدام شبکه را نگاه می‌کردید؟ شبکه فعال یا شبکه منفعل؟

واقعیت این است مدیران توزیع سوخت در وزارت نفت، تمام یکی دو شب گذشته را بیدار بوده‌اند، برای آقلاین کردن جایگاه‌های عرضه سوخت تلاش کرده‌اند و کارشناسان دو روز طاقت‌فرسا را گذرانده‌اند. اما از دو نکته نمی‌توانیم بگذریم؛ صبوری و امید مردم به تلاش مدیران و حضور رسانه‌ها در میدان باعث شد افسار این بحران دوباره به دست بیفتد.

این بیماری بنزین آبان در سال ۱۴۰۰، یک واکسن خوب بود، یک آموزشگاه بزرگ یا یک مانور تمرینی برای مدیران و رسانه‌ها که اگر می‌خواهند مردم را کنار خود داشته باشند باید کنار مردم بایستند، نه این‌که منتظر آمدن مردم باشند. شاید اگر این اتفاق یک سال یا دو سال قبل‌تر از این افتاده بود و برخورد درستی با آن نمی‌شد در کتاب‌های تاریخ به عنوان یک جرقه بزرگ برای یک انفجار مهیب نام می‌گرفت.

فوتبال ایران

کفاشیان: در دوره من دآوری پولی نگرفته بود



علی کفاشیان رئیس سابق فدراسیون فوتبال در واکنش به افشاکاری‌ها درباره دآوری می‌گوید: «دوره ریاست بنده هیچ موردی از داوران پیدا نشد که بخواهیم محکوم‌شان کنیم.» در همان دوران اما بحث بر سر دخالت شرط‌بندی برای تعیین نتایج فوتبال مطرح شد. کفاشیان توضیح می‌دهد: «نه بحث شرط‌بندی داشتیم و نه این‌که دآوری از باشگاه یا فردی پول گرفته باشد. همیشه این‌طور شایعات بوده ولی به‌هر حال باید اثبات شود.» او در پاسخ به این سؤال که آیا هیچ‌کس به شما اطلاعاتی در این‌باره نداد، می‌گوید: «نه هیچ‌کس چیزی به من نگفت. اگر هم چیزی گفتند در حد گمانه‌زنی بود وگرنه بحث دیگری نبود. چیزی هم ثابت نشد که بخواهیم بگوئیم.»

او درباره موضوع داغ تبلیغات محیطی و واگذاری آن به باشگاه‌ها هم چنین نظری می‌دهد: «اصلا ممکن نیست، مثلا استقلال با اسپانسر قرارداد بسته، مگر تنها بازی می‌کند؟ تکلیف تیم حریف چیست؟ آنها نباید از بازی پول بگیرند. بنابراین من فکر نمی‌کنم که این خواسته اصلا به سرانجام برسد. بهترین راه همان است که پول‌ها به حساب سازمان لیگ برود و از آنجا بین تیم‌ها تقسیم‌شود. این‌که مبلغ کم است، بحث دیگری است و باید مذاکرات و گمانه‌زنی‌های بیشتری صورت بگیرد.»

میثاقیان: خدا خواست برگردم



اکبر میثاقیان به جای رضا مهاجری سرمربی پدیده شد. او دیروز گفت: «مهاجری بسیار زحمت کشید. سوءتفاهم‌هایی بین باشگاه و بازیکنان هست که باید رفع شود. به نظر من باید کمی خوشبین باشیم.» او اضافه کرد: «روزی که پدیده را به لیگ برتر آوردیم از این تیم رفتیم ولی گفتم روزی دوباره برمی‌گردم که خدا خواست و در این مقطع مجدد به تیم اضافه شدم.» میثاقیان درباره مشکلات مالی گفت: «ان شاء... حل می‌شود و اجازه نمی‌دهم تیم به اعصاب دوباره برود.»



دیاباته از استقلال رفت و ستاره شد!

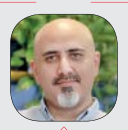
شیخ دیاباته که در استقلال فصل قبل فاجعه بود و تنها دو گل زد، بعد از حضور در قطر دوباره تبدیل به ستاره شده است. این بازیکن در ۵ بر صفر تیمش مقابل الخور برای الغرافه هت‌تریک کرد تا در لیگ قطر شش گلّه شود. او تنها سه گل از آقای گل فعلی کمتر زده است. شیخ از سوی رسانه‌های این کشور به‌عنوان بهترین بازیکن هفته هم انتخاب شد.

بازخوانی یک ناکامی بعد از ۲۸ سال

دوحه تلخ فوتبال ایران

بعضی تورنمنت‌ها و بعضی شکست‌ها هرگز از یاد آدم نمی‌رود. برای فوتبال ایران، به‌خصوص برای فوتبالی‌های دهه پنجاهی یکی از همین موارد تلخ، بازی‌های مرحله پایانی مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۴ است؛ جایی که قرار بود شش تیم ایران، عربستان، عراق، کره جنوبی، ژاپن و کره شمالی به‌صورت متمرکز در دوحه به مصاف هم بروند تا در پایان دو تیم مسافر جام جهانی بشوند. امروز ششم آبان است و این دقیقا همزمان است با بازی روز ششم آبان ایران- عربستان در روز آخر از آن پاییز کذایی سال ۱۳۷۲.

مرحوم حمیدرضا صدر در کتاب پسری روی سکو‌ها که به وقایع‌نگاری چهار دهه فوتبال ایران مربوط است، درباره آن بازی این چنین قلم زده: «امروز چاره‌ای جز کسب پیروزی مقابل عربستان ندارید. اعداد امروز هجوم می‌آورند، چرا که ۳-۰ مغلوب کره جنوبی شده‌اید (آغاز پس نومیذکننده). ژاپن را ۲-۰ شکست داده‌اید (کمی دلگرمی). از عراق ۲-۱ شکست خورده‌اید (تحت تدابیر شدید امنیتی). کره شمالی را هم ۲-۱ به زانو درآورده‌اید (تیم و امید). تا امروز دیدها را یکی در میان باخته و برده‌اید. حق داری نگران باشی. حق داری به این تیم دل نبندی. بهزاد غلامپور که در مرحله اول مقدماتی بیدار بود و شجاع، خواب زده شده و ترسو، مجید نامجموطلق شیخی شده ناشناخته، مدیرروستا در میدان پرسه می‌زند، زرنیچه به‌صورت وصف‌ناپذیری نزول کرده، حمید درخشان هم آماده نیست. گروه مربیگری هم (علی پروین، محمد مایلی‌کهن، ناصر ابراهیمی و امیر حاج‌رضایی) گروه دیگری نداشته جز اینها. عقربه به دقیقه ۳۰ نرسیده، با این وصف خود را ته چاه می‌یابی. دروازه غلامپور در دقیقه ۲۱ باز شده. زرنیچه در دقیقه ۲۵ تعویض شده و غلامپور در دقیقه ۲۷ گل دوم را هم خورده...» از اینجا به بعد انگار روی تردمیل راه رفتیم. چون هر چه زدید فاصله کم نشد و فقط اعصابمان خورد شد. مهدی فتونی زاده پیش از پایان نیمه اول با یک شوت سنگین یک گل به الدعایه می‌زند اما با شروع نیمه دوم باز گل می‌خوریم. ۳-۱. دوباره فتونی زاده، دوباره شوت و دوباره گل در دقیقه ۵۲. با این حال در دقیقه ۷۴ توپ از دست غلامپور رها می‌شود جلوی پای حریف. عربستان ۴-۱ ایران ۲. خیلی‌ها تلویزیون را خاموش کردند و گل سوم ما را ندیدند. گل جواد منافی را. آنقدر دیر زده شد که داور اصلا اجازه نداد توپ به وسط زمین برود و همان‌جا سوت پایان را زد. از اینجا به بعد دوباره با حمیدرضا صدر همراه می‌شویم: «اعداد باز می‌گردند و به تو نیش خواهند زد. رتبه پنجم بین شش تیم. پنجم با ۱۱ گل خورده. عربستان و کره جنوبی کنار ۱۳ تیم اروپایی، شش تیم آمریکایی و سه آفریقایی به میدان خواهند رفت. در جام جهانی که برای اولین بار ۳ امتیاز برای هر پیروزی حساب خواهد شد و داوانش جامه رنگی می‌پوشند. اما اینجا (در ایران) همه کنار کشیده‌اند. هر چهار عضو تیم مربیگری، علی پروین، محمد مایلی‌کهن، ناصر ابراهیمی و امیر حاج‌رضایی، نقطه روشن سفر، درخشش علی دایی بوده. با دریافت پیشنهادهایی از ژرمن‌ها، یک پیروزی شخصی برای او.» بعد از ۲۸ سال با امیر حاج‌رضایی، یکی از چهار عضو کادر فنی تیم ملی درباره آن بازی و آن تورنمنت حرف می‌زدیم تا از زوایای پنهان یک شکست و یک ناکامی بیشتر آگاه شویم.



رضا پورعالی

ورزش



امیر حاج‌رضایی

کارشناس فوتبال

تیم ملی ایران در دور مقدماتی انتخابی جام جهانی ۱۹۹۴ در تهران و دمشق عملکردی بسیار خوب داشت و به عنوان سرگروه به مرحله بعد صعود کرد که در قطر برگزار شد. داستان قطر برای شخص من داستانی است که هنوز بخش‌هایی از آن مبهم است. ماترینات خوبی داشتیم و بازی‌ها را به خوبی پشت سر گذاشته بودیم اما از زمانی که وارد دوحه شدیم شرایط به گونه دیگری رقم خورد و سوای این‌که می‌شود نقدهای فراوانی به تیم ملی وارد کرد، مسائل دیگری هم در ناکامی ما در رسیدن به جام جهانی آمریکا قطعاً دخیل بود.

بعد از این‌که مسابقات باتلخی برای ما به پایان رسید، نقدها و تحلیل‌های مختلفی مطرح شد که خود ما نیز بخشی از این تحلیل‌ها را پذیرفتیم؛ مثل این‌که در دمای بالای قطر نوع تمرینات ما بسیار سنگین بود یا این‌که ما در مقابل تیم‌های کره جنوبی و عربستان در سطح کیفی بالای خودمان نبودیم. بار دیگر تکرار می‌کنم به کادر فنی نقد وارد است و همان زمان نیز این نقدها شد و ما بخشی از آن شکست بودیم.

معضل دروازه‌بان

باید به این مساله اشاره‌ای داشته باشم که ما درون دروازه با مشکل روبه‌رو بودیم و دروازه‌بان اول ما که ستاره مسابقات تهران و دمشق بود، نتوانست در قطر در حد و اندازه‌های خودش ظاهر شود. از طرف دیگر، ضربه بسیار سختی که به تیم ملی وارد شد، مصدومیت شدید آقای عابدزاده بود. او در مسابقه

شاگرد ژاوی در تیررس مجیدی

استقلال بعد از جذب یامگا و توافق با رودی گستد، حالا در تلاش است تا یکی از بازیکنان السدر را جذب کند. یکی از رسانه‌های عربی مدعی شد فرهاد مجیدی به «تاباتا» شاگرد ژاوی در السد پیشنهاد داده تا به جمع آبی‌ها ملحق شود. سایت «السیبورت» نوشت، احتمال این انتقال وجود دارد. تاباتا ۴۰ ساله است و استقلال برای جذب او باید تنها ۱۵ هزار دلار به السد پرداخت کند.



افشاکاری حاج‌رضایی از شکست تلخ تیم ملی مقابل عربستان در سال ۷۲

داستان یک تیم پرابهام

فراوانی شد و حتی دلخوری دروازه‌بان ما یعنی آقای غلامپور را به همراه داشت.

مسائل مبهم

طی این ۲۸ سال حقیقت ماجرا بارها به تصویر کشیده‌شده و اگر قرار است کسی را به عنوان متهم ردیف اول معرفی کنیم، مطمئنا آن فرد آقای غلامپور نیست و تمام اتهامات اول از همه به سمت کادرفنی است اما پس از این همه سال برخی مسائل همچنان برای من ابهام دارد. من به وضوح دیدم تیم ملی در قطر به هیچ وجه آن تیم قدرتمند چند ماه قبل نیست و چرایی این موضوع می‌تواند مورد بحث باشد.

یک مورد شاید می‌تواند مربوط به این باشد که تمرینات ما لازم و استاندارد نبود. البته به آقای کماسی به عنوان مربی بدنساز آن تیم اعتقاد داشتم و همچنان هم دارم. سرمربی تیم ملی هم بسیار با تجربه و قدرتمند بود اما اتفاقی بود که با هر منطقی نمی‌توانم متوجه آن شوم. احساس می‌کنم موارد دیگری هم وجود داشت که تا امروز هم نمی‌توانم با قدرت و قطعیت در مورد آن اظهار نظر کنم. به هر حال شب بدی برای ما گذشت و در نهایت نیز عربستان و کره توانستند به جام جهانی صعود کنند و تیم ما ناکام از مسابقات برگشت.

در پایان برای چندمین بار تأکید می‌کنم کادر فنی می‌توانست مقصر اصلی باشد و بقیه موارد برای ثبت در تاریخ فوتبال ایران بیان شد و اصلا قصدم توجیه و تظہیرکردن نبود. این روزها که در حال صحبت در مورد آن ناکامی تلخ هستیم، تیم ملی در راه جام جهانی ۲۰۲۲ قطر است و امیدوارم بتواند برای سومین بار متوالی موفق به صعود به این بازی‌ها شود.

با حمیدرضا نداف درباره صعود ایران و شرایط این روزهای تیم ملی تنیس

با این صعود جواب محکمی به کارشکنی‌ها دادیم

بگیرد تا همه بازیکنان. وقتی همه همدل باشیم، این انرژی به همه منتقل می‌شود تا بهتر بازی کنند.

در دیویس کاپ با عراق، کامبوج و ... بازی کردید و تو به کشورهای زیادی سفر کردی. امکانات کشور مادر مقایسه با آنها چطور بود؟

ما در حال حاضر مشکل زمین تمرین داریم، تیم ملی زمین اختصاصی برای تمرین ندارد. فدراسیون ۱۰ سال زمین اختصاصی داشت ولی این چندساله از تنیس گرفته شد که این بی‌مهری بزرگی به فدراسیون تنیس بود. این یکی از پایه‌ترین امکاناتی است که ما نیاز داریم. امکانات ما بد نیست، مدیریت‌مان ضعیف است. من نمره پایینی به فدراسیون قبلی می‌دهم. ولی این فدراسیون نکات مثبت زیادی دارد که شامل حال من و همه ما شده است. دکتر عزیزی، رئیس فدراسیون ما را دعوت کردند، نظرات ما را پرسیدند و واقعا به ما احترام گذاشتند. الان فضای خیلی خوبی حاکم شده و کارها درست جلو می‌رود.

از این به بعد اخبار خوب بیشتری از تنیس ایران می‌شنویم؟

امیدوارم این همدلی اتفاق بیفتد چون هم تنیس ایران پتانسیل آن را دارد و هم تیم ملی بسیار جوان و خوبی داریم که البته نیاز به برنامه‌ریزی و مدیریت خوبی دارد تا بتوانیم به گروه دو یعنی گروه جهانی صعود کنیم.



چند روز قبل بود که تیم ملی تنیس ایران موفق شد با کسب چهار پیروزی به دسته سه رقابت‌های آسیا- اقیانوسیه صعود کند. حمیدرضا نداف، بازیکن تیم ملی تنیس ایران که موفق به شکست محمد ایزدید، بازیکن درخشان عراق و کیستانون فرقیز نستانی شد در گفت‌وگو با جام جم از شرایط این روزهای تیم ملی گفت؛ بازیکنی که درخشش او نقش بسزایی در صعود تیم ملی داشت.

در دیویس کاپ به دسته سوم آسیا صعود کردیم. شرایط چطور بود؟

تیم ما جوان و خیلی خوب بود. من چون در مسابقات مونته‌نگرو بودم در آخرین مرحله اردوی بچه‌ها در کیش به آنها ملحق شدم، شرایط بچه‌ها روز اول خوب بود. کادر فنی فضای خوبی را برای بچه‌ها درست کرده بود و آرامش داشتند. به نظر من تیم خیلی خیلی خوبی انتخاب شد و یکی از جوان‌ترین ترکیب‌ها را در دیویس‌کاپ داشتیم. ما اصلا نباید به دسته ۴ سقوط می‌کردیم ولی متأسفانه این اتفاق افتاده بود و به علت کرونا حدود دو سال دیویس‌کاپ عقب افتاد. من هم آمادگی خوبی داشتم و توانستم صعود کنیم.

میزبانی بحرین چطور بود؟



یگانه عساری

ورزش

نداف:

نداف:

در حال حاضر

مشکل زمین،

تمرین داریم،

تیم ملی زمین

اختصاصی برای

تمرین ندارد که

این بی‌مهری بزرگی

به فدراسیون

تنیس است



چه خبر؟

برنامه صبحگاهی رادیو سلامت با حال و هوای تازه

برنامه صبحگاهی رادیو سلامت به تهیه‌کنندگی مرتضی میلانی با حال و هوای تازه و با تغییر رویکرد به منظور آگاهی‌بخشی به مردم روانه آنتن می‌شود.

مرتضی میلانی تهیه‌کننده جدید ویژه برنامه صبحگاهی به زندگی سلام کن در این باره به جام جم توضیح می‌دهد: فصل جدید این برنامه با رویکرد آگاهی‌بخشی، اطلاع‌رسانی و امیدبخشی در گروه سلامت اجتماعی رادیو سلامت طراحی شده و با اجرای مسعود حسینی بخش می‌شود. هر روز کارشناس - مجریان در بخش تحلیل خبر به بررسی رویدادها می‌پردازند.

وی ادامه می‌دهد: شنیده‌ها دکتر حسین سامی، روزهای یکشنبه و سه‌شنبه زهرا حاجی‌زاده، دوشنبه‌ها و چهارشنبه‌ها لیلا علوی کارشناس - مجری برنامه هستند. برنامه صبحگاهی به زندگی سلام کن شنبه تا پنجشنبه ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه ۸ پخش می‌شود.

این تهیه‌کننده درباره آیت‌ها برنامه توضیح می‌دهد: آیت‌های مختلف طراحی شده‌است. در بخش ورزشی یک متخصص ورزشی حضور دارد و متناسب با مشکلات جسمی ورزش‌های درمانی ارائه می‌کنند. در بخش نگاه نو، دکتر مهرنوش دارین، روان‌شناس تکنیک‌هایی یاد می‌دهد و می‌گوید چطور یک روز خوب داشته‌باشیم. بخش مرز سلامت، طنزاست و به سلامت اجتماعی می‌پردازد. فاطمه شهبازی در بخش ۶۰ ثانیه با سلامت درباره اخبار حوزه سلامت می‌گوید. همچنین میز خبر هم او اجرا می‌کند. بخش زیر پوست شهر با اجرای سارا اکبری به مهربانی افرادی می‌پردازد که گارهای نیک انجام دادند اما کمتر دیده شدند.

میلانی در پایان می‌گوید: بخش با سلامت به عهده مرجان قندی است که به تحلیل نظام سلامت و کرونا اختصاص دارد. از سلامت چه خبر، هفته‌ای یک روز با اجرای آدین پیراسته پخش می‌شود. بسته صوتی درباره ترویج فرهنگ محیط‌زیست داریم. بخش پل هم با حضور امین قاسمی‌فر به بررسی آخرین دستاوردهای حوزه سلامت بین‌الملل می‌پردازد.



کارگردان سینما و تلویزیون با اعلام تازه‌ترین فعالیتش گفت: مشغول یک سریال ۳۰ قسمتی هستم که مضمونی تاریخی دارد که اواخر دوران قاجار اتفاق می‌افتد.

محمدعلی باشه‌آهنگر، نویسنده و کارگردان سینما و تلویزیون در گفت‌وگو با فارس گفت: نزدیک به یک‌سال است درگیر نگارش سریالی برای تلویزیون هستم.

وی ادامه داد: اگر شرایط طوری که می‌خواهم پیش برود، کارگردانی این سریال را نیز خودم به عهده می‌گیرم. این کارگردان افزود: هنوز اسم مشخصی برای این سریال انتخاب نکرده‌ایم، چون احتمال دارد نام آن تغییر کند. باشه‌آهنگر تا به حال سریال‌های تاصیع، پَس از آزادی و نیمه گمشده را برای تلویزیون کارگردانی کرده‌است.

مجموعه «گاندو» در شبکه‌تماشا

فصل اول از مجموعه «گاندو» که به موضوعات حساس سیاسی و اجتماعی می‌پردازد از ۶ آبان در شبکه تماشا پخش می‌شود.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی سیما؛ جواد افشار پس از ساخت مجموعه‌های پرطرفدار این بار هم با کارگردانی این اثر نشان داد ظرفیت‌های دراماتیک و سلیقه مخاطبان را به خوبی می‌شناسد. حضور بازیگرانی همچون وحید رهبانی، داریوش فرهنگ، کامبیز دبیرزاد و... یکی از مجموعه‌های جذاب در ژانر سیاسی و امنیتی را پدید آورده‌است. این مجموعه از ششم آبان هر شب ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه از شبکه تماشا پخش شده و بازپخش آن در ساعت‌های ۳ بامداد، ۹ صبح و ۱۳ روز بعد تقدیم مخاطبان می‌شود.

رخ به رخ با مسعود فراستی

مسعود فراستی، دومین مهمان برنامه «رخ به رخ» می‌شود. برنامه گفت‌وگومحور «رخ به رخ» در دومین قسمت خود که جمعه ۷ آبان از شبکه دو روانه آنتن می‌شود میزبان مسعود فراستی، منتقد فیلم و نویسنده سینمایی خواهد بود. به گزارش جام جم، در این قسمت از برنامه رخ به رخ، امیرعلی دانایی،



سرخط خبرها

با بروز اختلالی که دو روز پیش در سامانه سوخت کشور رخ داد و جایگاه‌های بنزین نتوانستند به مردم خدمت‌رسانی کنند، شبکه‌های مختلف صداوسیما از همان ساعات ابتدایی در بخش‌های مختلف وارد میدان شدند تا خبرهای دست اول از این رویداد را به مخاطبان برسانند. این عملکرد در اتفاقات مشابه سال‌های گذشته، کمتر یا تاخیر رخ می‌داد و همین موضوع گاه صدای منتقدان را نسبت به سرعت بخش‌های خبری‌های برای موضعگیری و پیگیری درباره چنین واقعه‌هایی بلند می‌کرد. در این دور روز گذشته تلویزیون و رادیو، به‌ویژه در بخش‌های خبری خود به گونه‌های مختلف از جمله گزارش میدانی، اعزام خبرنگار به صحنه و پوشش اعتراض و روایت مردم، گفت‌وگو با کارشناسان و مسوولان به صورت تلفنی، همچنین مصاحبه در گفت‌وگو و ویژه خبری به صورت حضوری و... به این موضوع پرداخت. تنها به پخش زیرنویس بسنده نکرد و نگاهی تحلیلی و فراتر از انتشار صرف داشت. به نظر می‌رسد رویکردی تازه را در بخش خبررسانی اتخاذ کرد که نظرات و تحلیل‌های متفاوتی نسبت به عملکرد آن از سوی مخاطبان و کارشناسان جلب شد.

یکی دیگر از اتفاق‌هایی که در روزهای اخیر رخ داد و با پوشش رسانه‌ملی همراه شد انتصاب حسین حدیری، داماد شهردار تهران به عنوان دستیار و مشاور او بود. این خبر و اساسا قانون منع به کارگیری نزدیکان هم خیلی زود در بخش‌های خبری از جمله خبر شبکه پنج سیما مورد بررسی قرار گرفت. تا جایی‌که مرجع بسیاری از رسانه‌های دیگر قرار گرفت و در شبکه‌های اجتماعی هم وایرال شد.

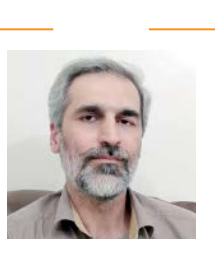
روایت‌هایی از دل تحریریه

بررسی چگونگی پوشش خبری صداوسیما در مورد اختلال سیستم پایگاه‌های سوخت می‌تواند با گفتن از حال و هوای بخش‌های خبری برای انتشار این اخبار از سراسر کشور آغاز شود.



دکتر فتحعلی فاختری، قائم‌مقام شبکه خبر هم ماجرای پرداختن به این موضوع را این‌گونه روایت می‌کند: یک وظیفه ذاتی شبکه خبر همین اطلاع‌رسانی به‌موقع است. به همین دلیل ما در بحران‌های گذشته هم همین‌گونه عمل کردیم. حالا بعضی مسائل از جمله بحران‌های امنیتی مثلا بحث ترور داعش در مجلس نیاز داشت مراجع امنیتی اجازه دهند که چه نوع خبرهایی را کار کنیم. اما درباره زلزله تهران در سال گذشته با همین شدت و حدت وارد شدیم و توانستیم داستان را جمع کنیم. در قضیه بنزین وقتی خبرنگارهای میدانی که در آفتیش‌های غیرمرتبط هم رفته بودند، متوجه می‌شوند وضعیت پمپ‌بنزین‌ها چگونه است. سوال هم می‌کنند و متوجه می‌شوند اتفاقاتی در جایگاه‌های بنزین رخ داد. ما بلافاصله چهار گروه را به مراکز پمپ‌بنزین‌های سطح شهر فرستادیم. اولین عکس‌العمل را حدود ساعت ۱۲ و ۳۹ دقیقه در زیرنویس با رنگ قرمز رفتیم. بعد از آن شروع کردیم برای گرفتن ارتباط که به هر دلیلی مسوولان جواب نمی‌دادند و نمی‌توانستیم با آنها ارتباط بگیریم. تا این‌که اولین بار ۱۲ و ۴۶ دقیقه آنتن را شکندیم و گوینده ما صحبت کرد. ساعت ۱۲ و ۴۹ دقیقه باز هم گوینده ما همین مطالب را دوباره تکرار کرد. ساعت ۱۲ و ۵۴ دقیقه اولین ارتباط را با سخنگوی جایگاه‌های سوخت داشتیم. ضمن این‌که گروه‌هایمان هم در جایگاه پمپ‌بنزین مستقر شده و در حال آمادگی برای ارتباط‌های زنده بودند. خبر ۱۳ که شروع شد برای خبر اول از خبر جایگاه‌های سوخت استفاده کردیم و ما بلافاصله در همان متن اول خبر بخشی از ارتباط ۱۲ و ۴۶ دقیقه استفاده کردیم و در ساعت ۱۳ و ۷ دقیقه اولین ارتباط زنده را از جایگاه پمپ‌بنزین ونلنج رفتیم. فرقی که خبر ۱۳ این بار نسبت به بحران‌های دیگر داشت این بود که چون ما معمولا این‌گونه اخبار مهم را در خبر اول استفاده می‌کنیم، دیگر چیزی نداشتیم‌ا دربارۀ خبر بنزین به‌صورت فرآیندی عمل کردیم. یعنی در ۱۰ دقیقه اول که خبر مهمی بود و به آن پرداختیم. بلافاصله گوینده در ساعت ۱۳ خبر را بازگو کرد و ما هر ۱۰ تا ۱۵ دقیقه در شبکه خبر یک ارتباط با جایگاه‌ها می‌گرفتیم. در کل هشت ارتباط بیرون داشتیم. یعنی آنتن شکاندیم.

حدود ۷ تا در خبر ۱۳ داشتیم و ۳ خبر در ارتباط ۲۰ داشتیم که حدودا ۱۸ تا ۲۰ ارتباط با مسوولان و خبرنگاران ذی‌ربط درخصوص این مساله داشتیم. در مورد زیرنویس هم تقریبا ۳۰ خبر زیرنویس تنظیم کردیم و رفتیم. آخرین ارتباط ما در «تیترا مشب» بود که آقای اوجی، وزیر نفت از یک جایگاه پمپ‌بنزین بازدید کرده بود که به‌صورت زنده رفتیم. در گفت‌وگوی ویژه ۳۰ و ۱۸ هم در کل به همین بحث اختصاص دادیم و از مسوولان دعوت کردیم. ضمن این‌که اولین بار در خبر ۲۰ شبکه خبر آقای فیروزی خبر سایبری را تایید کرد. این فضای کار ما در شبکه خبر بود. اصولا شعار ما در شبکه خبر سرعت است و همواره در اخبار اجتماعی به‌سرعت پوشش می‌دهیم اما در مورد مسائل امنیتی باید ندهادهای امنیتی به ما اجازه بدهند. به همین دلیل باید منتظر تایید آنها بناییم.



حجت احمدی، سردبیر خبری ساعت ۱۴ و ۲۱ که از جمله پخش‌هایی بود که به این ماجرا پرداخت کرد، لحظه‌ای که خبر به دستشان رسید تا زمان تنظیم، پخش و بعد از آن را این‌گونه روایت می‌کند.

روایت ساعت ۱۴: خبر خبر خیلی مهمی بود، اما از اول این اهمیت مشخص نبود. یعنی از ساعت حدودا ۱۱ که متوجه شدیم خیلی از شهرها درگیر این مشکل شدند، خبر را در جدول پخش گذاشتیم اما هنوز معلوم نبود که ماجرا چیست، ابعادش چقدر است. آیا مشکل سراسری است یا یک اتفاق موقتی. اطلاعات رسمی و مستند خیلی محدود و مبهم بود و ما قصد داشتیم در گفت‌وگو با شرکت پالایش و پخش، ماجرا را پیگیری کنیم. تقریبا یک ساعت بعد به جمع‌بندی رسیدیم که قضیه خیلی مهم است و موضوع اختلال در جایگاه‌های سوخت جزو خبرهای اصلی ما شد. خصوصا که آن ساعت، شائبه حمله سایبری هم قوت گرفته بود، ما خبر را جزو اخبار اصلی کنداکتور قرار دادیم. حدود نیم ساعت مانده بود به زمان پخش خبر نيمروز به جمع‌بندی رسیدیم این خبر باید در صدر جدول پخش قرار بگیرد. از آن طرف خبرگزاری هم خیلی خوب اقدام کرد و به ما اطلاع داد نبروهایش را برای گزارش میدانی فرستاده و این دست ما را پرتو و بازتری می‌کرد و یکباره پشتت سر هم ارتباط تلفنی و گزارش‌های میدانی به دست ما رسید. به هر حال خود خبر نشان می‌دهد کجای جدول پخش باید قرار بگیرد. یعنی خبر بنزین با آن وسعت و آن شائبه حمله سایبری قطعا باید در جدول پخش به عنوان خبر اصلی روز قرار می‌گرفت. روالی هم پیش از این بود. این‌که خبر مسوولان و سران قوا باید اوایل جدول پخش استفاده می‌شد. اما خبر بنزین خود به خود خودش را کاشاند و بالای آن نشست. خاطرم هست قائم‌مقام پخش هم با من تماس گرفت و نزدیک آنتن گفت بنزین خبر اول باشد. اما وقتی دیدیم شما خودتان خبر را اول قرار دادید دیگر حرفی نزنیم. نکته مهمی که باید مطرح کنم این است با تحولات دوره مدیریت جدید رسانه‌ملی و معاونت سیاسی، دست ما در چیدمان کنداکتور بازتر شده و این اتفاق خیلی خوبی است و راه‌ها را برای ما باز کرده است.

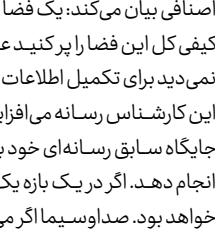
روایت ساعت ۲۱: بلافاصله بعد از پخش خبر نيمروز تایید شد حمله سایبری بوده، بنابراین طراحی ما برای این داستان شروع شد. ما خیلی دنبال این بودیم یکی از مسوولانی که بالاخره در پدافند غیرعامل یا در مرکز ملی فضای مجازی با افتامصاحبه کنیم و ببرسیم چه شد این اتفاق افتاد. تا این‌که آقای فیروزآبادی از مرکز ملی فضای مجازی با ما همراهی کرد و روی آنتن آمد و خیلی هم خوب شد. البته دوستان خبرگزاری باز هم زحمت کشیده و پیگیری کرده بود و گزارش جامعی از شهرهای مختلف هم جمع و ما استفاده کردیم. یک نکته هم درباره امنیت سایبری بود که به هر حال نیاز بود مردم یک‌سری اطلاعات دستشان بیاید. در این زمینه هم برنامه‌ریزی و اطلاعاتی آماده کرده بودیم که خبرگزاری پیشنهاد داد می‌توانند در این خصوص گزارشی آماده‌کنند. بنابراین خیلی پرتز و با اطلاعات دقیق‌تر کار ارائه شد. به دلیل این‌که در روز اول مواجهه با یک حمله سایبری، رسانه‌ملی توانست با این شفافیت و صراحت واکنش سریعی داشته باشد، دستاور مهمی است.

سرعت‌عمل در انعکاس واقعیت

سرعت‌عمل اخبار صداوسیما و حرکت‌کردن آنها بر مرز واقعیت موجود در جامعه، دو ویژگی عملکرد این سازمان در اتفاقات اخیر است که نظرها را به خود جلب‌کرده و خبر از تغییرات رویکرد در پوشش اخبار می‌دهد. چنین پوشش خبری از رسانه‌ملی را شاید پیش از این با اندکی تاخیر سراغ داشتیم یا اساسا از دست می‌رفت ولی حالا شبکه‌های سیما پرنرنگ‌تر از گذشته سعی دارند با پویایی در بخش خبر، اخبار موردتوجه مردم و آنچه در شبکه‌های اجتماعی نیز منتشر و موردبحث قرار می‌گیرد را بررسی و صحت و سقم آن را محل واکاوی خود قرار دهند.

محمدرضا اصنافی که دارای مدرک دکتر در مدیریت رسانه است درباره سرعت‌عمل و نوع پوشش خبری صداوسیما درباره حمله سایبری به جایگاه‌های سوخت‌رسانی و انتصاب داماد شهردار به‌عنوان مشاورش می‌گوید: ما هر چه مخاطب را در مصرف خبر تامین کنیم زمین بازی را از از رقیب رسانه‌ای و طرف مقابل گرفته‌ایم؛ اتفاقی که در روزهای گذشته و درباره حمله سایبری به جایگاه‌های سوخت رخ داد این بود که صداوسیما و بخش خبر هم از لحاظ زمانی اجازه هنرنمایی به رقبایش نداد و هم از لحاظ کیفی به‌صورت کامل این موضوع را پوشش داد.

او ادامه می‌دهد: سه‌شنبه روز پر خبری برای صداوسیما بود اما در هر دو موضوع هم حمله سایبری به جایگاه‌های سوخت و هم در موضوع انتصاب داماد شهردار به‌عنوان مشاور خود بخش‌های خبری صداوسیما با پوشش خوب و پرداخت درست اجازه خبررسانی را از رقبای خود گرفته و به نوعی منبع اصلی برای مخاطب بخش‌های خبری خود صداوسیما بود.



اصنافی بیان می‌کند: یک فضا دایره و میدانی هست که اگر شما آن را خالی بگذارید رقیب آن را آن‌گونه که خود می‌خواهد پر خواهد کرد. اگر شما از لحاظ زمانی و کیفی کل این فضا را پر کنید عملا به رقیب اجازه فعالیت را نخواهید داد. سه‌شنبه این فضا به‌طور کامل در اختیار سازمان صداوسیما بود و مخاطب احتیاجی نمی‌دید برای تکمیل اطلاعات خود سراغ رسانه دیگری برود.

این کارشناس رسانه می‌افزاید: مرجعیت خبر طی این دهه به دست می‌آید و درباره این خبر صداوسیما یک مرجعیت نسبی پیدا کرد و سازمان اگر می‌خواهد به جایگاه سابق رسانه‌ای خود بازگشت داشته باشد باید این نوع اطلاع‌رسانی را به‌صورت مداوم و در تمام حوزه‌هایی که نیاز با سوالی در جامعه ایجاد می‌شود، انجام دهد. اگر در یک بازه یک‌ساله یا دوساله در همه موضوعات مهم به این صورت عمل شود، رسانه‌ملی معتبرترین و در دسترس‌ترین رسانه برای مردم خواهد بود. صداوسیما اگر می‌خواهد با رسانه‌هایی که بوده و به‌وجود آمده‌اند رقابت کند و در این مسابقه جلو بیفتد که باید هم این اتفاق رخ دهد باید این رفتاری را که دیروز از خود نشان داد، ادامه دهد.

بی‌تعارف و صریح با خود واقعی افراد یکی از اهداف این برنامه است. در رخ به رخ، مهمانان برنامه در حوزه‌های مختلف فرهنگي، هنری، اجتماعی، سیاسی و... انتخاب شده‌اند و تمام بخش‌های برنامه با سلاواتی طراحی شده که هدف آن رویه‌رو شدن با احساسات مختلف آدمی است.



نحوه اطلاع‌رسانی صداوسیما در بازتاب‌های مثبت فراوانی بین

اطلاع‌رسانی در

فاطمه عودباشی نوشین مجلسی زینب علیپور طهرانی احمد رضا معراجی	رسانه	۶ پروژ اختلال در سامانه بنزین و پرداختن به یک انتصاب فامیلی در شهرداری تهران د دیگر در بخش‌های مختلف خبری همراه بود. به نظر می‌رسد با تغییراتی که در معاونت در اولویت‌بندی ارزش‌های خبری، توجه ویژه‌ای به دربرگیری و تازگی اخبار داشته باشند و صداوسیما که برخی منتقدان نسبت به جایگاه آن خرده می‌گرفتند را حفظ کنند. در این در بسته‌های خبری متفاوت به صورت میدانی، تلفنی و حضوری گزارش‌ها و گفت‌وگوها و اجتماعی آورده‌ایم و در گفت‌وگو با خبرنگاران و کارشناسان این حوزه، نگاهشان را نسبت
---	-------	--

مرجعیت خبر

اتفاقات اخیر و بازتاب آن در صداوسیما، این رسانه را بیش ازپیش در زمینه مرجعیت خبر قوت بخشید. برآیند آن را ابتدا می‌توان از انتشار گزارش‌های خبری تلویزیون در مورد ماجرای بنزین و انتصاب داماد زاکانی در شبکه‌های اجتماعی دید. با تلاش صداوسیما برای شفاف‌سازی در مورد دلایل اختلال ایجادشده در سامانه سوخت و همچنین انتصاب‌های مسوولان تازه‌کشوری می‌توان نظر به نزدیکی بیشتر این رسانه و خواست مخاطبان داد. خواستی که می‌توان رد آن را فضا‌های عمومی کشور و همچنین اتاق‌های مجازی گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی یافت.

تاب‌آوری+ پاسخگویی

اگر این عملکرد مناسب لازمه رسانه‌ای در ابعاد صداوسیما به‌عنوان ر تاب‌آوری مسوولان در شفاف‌سازی و پرسشگری است که باید پاسخ چرخه است که رسالت رسانه‌ملی به بار می‌نشیند و چنین گزارش‌های بن‌بست مواجه نمی‌شود و ایتز نمی‌ماند. نبود تاب‌آوری و طی کردن فضا خبرنگاران غالبا فعالان رسانه را برای تهیه گزارش با دشواری مواجه می‌ماجرای شهردار تهران درصدد گفت‌وگو با زاکانی بود؛ زهرا چخماقی، دراین باره روایت می‌کند: در خبرهای رادیو و تلویزیون به دلیل نبود زمان با مسوول مربوطه مصاحبه کنیم. توثیت دیروز من بر این مبنا بو



طرف موضوع است و مصاحبه با مقام و مسوول مربوطه هم یک ارزش افزوده برای گزارش است که امکان د است امروز آقای زاکانی مصاحبه‌کنند و توضیح دهند اما دیروز که ما به دنبال او بودیم تا در بخش‌های خبری م امکان میسر نشد. ما در سازمان صداوسیما با بچه‌های روابط عمومی و افراد دیگر تماس گرفتیم که جواب پیگیر بودیم که متاسفانه منجر به نتیجه نشد. ازجمله کارهایی که ما به‌عنوان خبرنگاران باید انجام دهیم مصا در برخی موارد مثل دیروز ممکن است حاصل نشود. درنهایت این نتیجه‌ای که باید حاصل شود ضربه می‌خ آقای زاکانی درباره موضوع استخدام داماد خود به‌عنوان مشاور شهردار با بخش‌های خبری تلویزیون گفت و زیادی می‌توانست در آرام‌کردن اذهان عمومی موفق باشد و مردم کمی آرام و قانع‌تر می‌شدند و برخورد‌ها این‌چا صورت نمی‌گرفت.

او ادامه می‌دهد: هر کدام از مسوولان اگر خودشان را در این چالش پاسخگویی قرار دهند درنهایت به نفع خو کرده که افکار عمومی با آن مسوولی که توضیح دهد و اشتباهش را بپذیرد با افکار عمومی و مخاطبان و قائل می‌شوند. اگر مسوولان ما روی خصلت پاسخگویی خود بیشتر کار کنند برای خود و کشور مثبت‌رتر م طرف خبرنگاران جدی گرفته شود روزی خواهد رسید که خود مسوولان و مدیران برای عقب‌نماندن از یکدیگر خواهند بود که درباره رفتاری عملکرد خود توضیح دهند. تصور این است که اگر این رویه ادامه پیدا کند قط توضیح‌کاری که انجام داده‌اند به دنبال رسانه خواهند گشت و برای توضیح به افکار عمومی از طریق رسانه با یکد



سیاست که در قالب مستند گزارشی به بررسی دلایل شهرت افراد و ماجراهای معروف می‌پردازد. در این برنامه لایلا علاقه‌مند به عنوان گزارشگر با طرح یک سوال به ماجراجویی می‌پردازد و گزارشی مستند از علت معروف شدن ماجرا تقدیم مخاطبان می‌کند.

در آمد. این روز از سال ۲۰۰۲ از سوی انجمن بین‌المللی انیمیشن (آسیفا)، هر سال جشن گرفته می‌شود. رادیو صبا به همین مناسبت در برنامه مستند ماجرا به بررسی دلایل موفقیت و بی‌بدیل شدن روایت مرتضی احمدی در مجموعه انیمیشنی شکرستان می‌پردازد. ماجرا عنوان یکی از برنامه‌های جدید رادیو

گرامیداشت روز جهانی انیمیشن در رادیو صبا

رادیو صبا در برنامه مستند «ماجرا» نقدو بررسی انیمیشن شکرستان به گرامیداشت روز جهانی انیمیشن می‌پردازد. به گزارش روابط عمومی رادیو صبا، ۲۸ اکتبر مصادف با ۷ آبان، روز جهانی انیمیشن نامگذاری شده‌است. اولین انیمیشن تاریخ در چنین روزی سال ۱۸۹۲ در پاریس و توسط امیل رینو به نمایش

رئیس رسانه ملی پای کار آمد



رسانه عرصه رساندن است، نه بازداشتن و پوشاندن.

علیرضا خدابخشی، معاون سیاسی صداوسیما با انتشار استوری در حساب اینستاگرامش از این گفت که رئیس رسانه ملی با بروز اختلال در سامانه کارت سوخت، به منظور پرداخت هرچه بهتر صداوسیما به این خبر خودش وارد عمل شده و برای ساعاتی هدایت بخش خبری به عهده گرفته است. خدابخشی نوشته است: «سه‌شنبه درپی اختلال در سامانه کارت سوخت، آقای دکتر جبلی شخصا به صورت مستقیم حدود دو ساعت هدایت بخش‌های خبری را برعهده داشتند. آنچه من انجام دادم، صرفا قطع برنامه‌های همه شبکه‌های رادیویی و پخش خبر فوری بود که البته به همکارانم خیلی فشار آوردم و امیدوارم من رادرك كنند.» چنین اقدامی از سوی رئیس رسانه ملی را می‌توان از تجربه او در زمینه خبر و تسلطش بر حوزه ارتباطات دانست که همین، ریشه اتفاقات تازه در پوشش اخبار صداوسیماست. با بروز چنین رخدادهایی در کشور که عموم را درگیر می‌کند و گاه جنبه امنیتی هم می‌یابد، هدایت مقام ارشد سازمان و سکانداری او، نشان از اهمیت خبررسانی شفاف و سریع برای سازمان دارد و می‌تواند کشتی خبر را با سلامت بیشتر به سر منزل مقصود برساند. دکتر جبلی توییتی که مدتی پیش منتشر کرده بود را بار دیگر در استوری اینستاگرامش به اشتراک گذاشت. محتوای این پیام اشاره‌ای به تفکر او در مورد اداره بخش خبری صداوسیما دارد: «رسانه عرصه رساندن است، نه بازداشتن و پوشاندن»

برخورد فراجناحی

موضوع صداوسیما در پوششش اتفاق‌ها اخیر و لحن گزارش‌های آن، نشان از برخورد فراجناحی این رسانه دارد. پیش از این منتقدان خرده می‌گرفتند که صداوسیما با توجه به منافع يك جناح یا متناسب با تمایلات حزبی و سیاسی مسوولان آن سراغ اتفاقات می‌رود، از پوشش برخی از اخبار چشم‌پوشی یا سلايقش را در نوع روایت بعضی از آنها وارد می‌کند. هر چند بی‌طرفی محض در انتشار خبر يك اصل است؛ اما رعایت صددرصدی آن در غالب رسانه‌های دنیا به شوخی و شعار می‌ماند. با این وجود، رسانه ملی با تغییراتی که در بخش‌های خبری ایجاد کرده و پوشش اخیر خود، برخلاف نظر منتقدان برخوردی فراجناحی را از خود نشان داد که منافع ملی را بیش از هرچه در نظر دارد.

مرتضی غرقی، خبرنگار ارشد حوزه بین‌الملل در این باره می‌گوید: «یکی از دغدغه‌های خبرنگارهایی مثل من که دنیای رسانه غرب را دیده‌اند و بیش از ۴۰ سال تجربه دارند، همواره همین بوده که ما هر گاه دچار خودسانسوری شویم، این خودسانسوری به کار حرفه‌ای ما لطمه می‌زند. یکی از اشکالاتی که متأسفانه طی ۴۰ سال گذشته به هرحال در صداوسیما وجود داشت، این بود که مدیران خبر صداوسیما عمدتا مدیر هستند تا يك روزنامه‌نگار حرفه‌ای. یعنی خبر را با نگاه حرفه‌ای نگاه نمی‌کردند، عمدتا خبر را از نگاه مدیریتی کار می‌کردند.»

وی همچنین ادامه می‌دهد: «نکته بعدی این‌که شاید بتوان گفت مسوولان بالاتر تلویزیون مثلا رئیس صداوسیما هم با همین تفکر بخش خبری صداوسیما را اداره می‌کرد. نکته دیگر هم مربوط به فشارهایی است که از بیرون وجود داشته. اقدامی که الان دکتر جبلی و آقای خدابخشی انجام داده‌اند، تأثیرات مثبتی داشته که همیشه باید اینگونه عمل می‌شده، ولی متأسفانه تا به حال انجام نشده است. در صورتی که این کار می‌تواند اعتمادسازی کند و بازار رسانه‌های بیگانه‌ای که به قول خودشان بدون خط قرمز، خبرهای ایران را منتشر می‌کنند را هم تخته کند. اما یادمان باشد هر اتفاقی در هر مقطع زمانی بیفتد، اگر را بزرگنمایی کرده و پخش کنیم هم رفتار درستی نیست، یعنی نه مثل قبل آنقدر عقب برویم که از پشت‌بام بیفتیم و الان هم باید مراقب باشیم که از جلوی بام نیفتیم. این نکته بسیار مهمی است. مثلا اگر الان شایعه‌ای اتفاق بیفتد که آب تهران مسموم است، خب طبیعی است فردی که اطلاعات سیاسی به لحاظ حرفه‌ای نداشته باشد، می‌گوید سریع باید این خبر را پخش کنیم. چون همه تهران فهمیده‌اند که این اتفاق افتاده. اما ما می‌توانیم این خبر را مدیریت شده پخش کنیم. یعنی خبر را اینگونه پخش نکنیم که رعب و وحشتی در بین مردم ایجاد کند. این نکته را حتما باید مدنظر داشته باشیم.»

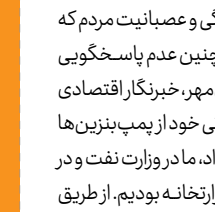
غرقی می‌افزاید: «حرکتی که برای بحث پمپ بنزین شد، حرکت به جایی بود. البته کار خارق‌العاده‌ای اتفاق نیفتاد. فقط اینها از لاک مدیریتی خودشان بیرون آمدند و در لاک حرفه‌ای رفتند و کاری که باید انجام بدهند. طبیعی است وقتی این مطرح شد؛ نه ربطی به آقای رئیسی داشت، نه به دولت و نه به حکومت. اتفاقی افتاده بود که همه می‌دانستند. چیزی را که همه می‌دانند را نمی‌توانیم پنهان کنیم. مثلا خاطرم هست در زمان ترور شهید فخری‌زاده همه رسانه‌ها این خبر را اعلام کردند، اما ما با چند ساعت تأخیر این خبر را پخش کردیم که این خیلی برای ما بد بود؛ یعنی ما دچار يك خودسانسوری شدیم و می‌گفتند شورای امنیت ملی به ما مجوز نمی‌دهد. در صورتی که اصلا لازم نیست هر خبری را با شورای امنیت ملی هماهنگ کنیم. همان‌طور که برای شورای امنیت ملی يك وظیفه‌ای تعریف شده. برای من خبرنگار هم يك رسالت و وظیفه‌ای در صداوسیما تعریف شده است. ما خیلی از کارها را نباید با نهادهای حکومتی و دولتی چك کنیم. ما باید کار حرفه‌ای خودمان را انجام بدهیم. موردی هم که اتفاق افتاد، از مواردی بود که کارشان را درست انجام دادند. آقای جبلی خودش از مدرسان حوزه ارتباطات است. چند سال هم در برون‌مرزی بوده و به‌راحتی خطوط قرمز را بهتر از من و هر کسی و حتی کسی که در شورای امنیت ملی نشسته می‌داند. بنابراین خودش تصمیم گرفت و این کار را کرد. از همه مهم‌تر این‌که من رسانه‌ها را که بررسی کردم، دیدم واقعا آچمز شدند. اتفاقی که افتاد را ما خودمان گفتیم و آنها نتوانستند موج سواری و از این موضوع سوءاستفاده کنند.

تداوم حرکت

یکی از نکاتی که از پس از بررسی این عملکرد باید به آن توجه شود و اساسا حائز اهمیت بیشتری است؛ تداوم این حرکت است. لازم است گام‌هایی برای ماندن بر سر این موضع برداشته و مواجع پس زده شود تا پس از این نیز با نیرویی مضاعف‌تر و کاستی‌های کمتر به پوشش خبرهای مهم کشوری و بین‌المللی پرداخته شود و از محافظه‌کاری‌هایی که مخاطب را دلسرد می‌کند، دوری کرد. حجت الاسلام محمد علی ابطحی، فعال سیاسی در این باره می‌گوید: سال‌ها بود دلسوزان این کشور به خصوص دلسوزان

فرهنگی و اجتماعی این بحث را خطاب به تلویزیون بارها و بارها مطرح می‌کردند. کاری نکنید مرجعیت خبر از داخل به خارج منتقل شود. ولی متأسفانه این بحث مورد قبول قرار نمی‌گرفت و بخش‌های خبری ما آن طور که می‌خواستند می‌گفتند و عملا مخاطبان به جای توجه به رسانه‌های داخلی خود به خود به سمت رسانه‌های خارجی می‌رفتند. آنها کشور را اداره می‌کردند که آسیب‌ها و زیان‌هایش را مادر مناسب‌های مختلف از جمله آبان ۹۸ می‌دیدیم. من واقعا برای این روش خبررسانی سهل و ساده و به دقت و فراگیری و فوری و به وقت که از داخل کشور انجام شد، به صداوسیما تبریک می‌گویم. این يك فرصت بسیار خوبی را از مخالفان جمهوری اسلامی می‌گیرد و فرصت بسیار خوبی به مردم می‌دهد که بتوانند به رسانه داخلی بازگشت کنند. رسانه داخلی اگر مورد اعتماد و مورد توجه مردم قرار بگیرد بسیاری از مشکلات حل می‌شود. قدم اول این اعتمادسازی در مورد آن اتفاق برداشته شد و امیدوارم این قدم لرزان نباشد و همچنان ادامه داشته باشد.

من معتقدم این تجربه خوبی است وقتی ما در دنیایی هستیم که امکان پوشاندن خبر و تحریف خبر وجود ندارد و صداوسیما نباید ترسد، حتی اگر اخبار منفی گفته شود. این به کلیت نظام آسیب نمی‌زند. اما اگر اخبار منفی از بیرون مرزها بیاید، می‌تواند به امنیت ملی آسیب بزند. توصیه من این است که این مورد را به عنوان تجربه ببینند و این اتفاق را همواره عملی کنند و ادامه دهند.



با بروز این اتفاق، خبرنگاران برای تهیه گزارش وارد میدان شدند و

در این مسیر با مانع‌هایی از جمله آشفتنگی و عصبانیت مردم که در صف بنزین معطل شده بودند و همچنین عدم پاسخگویی برخی مسوولان مواجه شدند. امیرشایان مهر، خبرنگار اقتصادی خبرگزاری صداوسیما درباره گزارش میدانی خود از پمپ‌بنزین‌ها توضیح می‌دهد: «زمانی که این اتفاق رخ داد، ما در وزارت نفت و در جلسه با مدیر روابط عمومی جدید این وزارتخانه بودیم. از طریق بچه‌های سازمان صداوسیما به من اطلاع دادند که این اتفاق رخ

داده و مشکلی برای پمپ‌بنزین‌ها در کشور به‌وجود آمده است. من در این جلسه از مدیر روابط عمومی وزارت نفت پیگیری کردم که او از این موضوع ابراز بی‌اطلاعی کرد. بعد از پیگیری‌های که انجام گرفت، ایشان توضیح دادند که بله چنین اتفاقی رخ داده و حمله سایبری به سامانه پمپ‌بنزین‌ها رخ داده است. اما شما فعلا حمله سایبری را مطرح نکنید و فقط بحث اختلال مطرح است که به‌زودی این اختلال برطرف خواهد شد. من از وزارت نفت به‌گروه ملحق شدم، به تهیه گزارش میدانی پرداختیم و به جایگاه‌های سوخت رفتیم. ساعت حدود ۳ بعدظهر بود که مشکل جایگاهی که ما در حال تهیه گزارش از آن بودیم، حل شد. بعد از تهیه این گزارش میدانی به ستاد بحران در پالایش و پخش وزارت نفت رفتیم، از

تلاش‌های آنها گزارشی تهیه کردیم، به سازمان برگشتیم و گزارش را به آنتن رساندیم.»

او ادامه می‌دهد: «در بین مردمی که در صف بنزین بودند، تعدادی ناراحت بودند و در برخی اوقات هم به

تندی با ما برخورد کردند. اما اغلب مردم صبوری کرده و همراه بودند تا مشکل حل شود. برای تهیه این

گزارش از ساعت ۱۲ ظهر ۶ تا غروب در خیابان بودیم و به جایگاه‌های سوخت زیادی سرزدیم تا گزارش کاملی را به آنتن برسانیم. در صدا و سیما يك کار گروهی در این موارد انجام می‌شود، همکاران زیادی در

شهرهای مختلف درباره این اختلال گزارش تهیه کرده بودند، همه این اطلاعات به من رسید و گزارشی که

پخش شد؛ تلاش همه همکاران من در تمام نقاط ایران اسلامی بود.»



بخش‌های مختلف خبری رسانه ملی پوشش متفاوتی از رخداد‌های غیر کشور روی آنتن فرستادند

ر ماجرای بنزین و شهردار تهران ن مردم و اهالی رسانه داشت

رمرز واقعیت

و رخدادی است که به‌تازگی سرخط خبرها قرار گرفت و با پوشش سریع و متنوع صداوسیما، پیش از رسانه‌های سیاسی رسانه ملی صورت گرفته، نفسی تازه در بخش‌های خبری دمیده شده است و تلاش بر این است با تغییر واز رسانه‌های دیگر مثل شبکه‌های خارجی و فضای مجازی در انتشار به‌موقع اخبار جلو بزنند و مرجعیت خبری ن دو حادثه دیگر خبری از پرداخت دیرهنگام به رویدادهای همگیرو مورد توجه آحاد مردم در تمام کشور نبود و بی‌با چاشنی تحلیل راهی آنتن شد. در اینجا نگاهی به تازگی این رویکرد داشتیم، بازخورد‌های آن را در شبکه‌های ت به ابعاد گوناگون این واقعه بررسی کردیم.

توجه به دیگر ارزش‌های خبری

یکی از مواردی که می‌شود از آن به عنوان تغییرات محتوایی بخش‌های خبری صداوسیما در نظر گرفت، تاحدی جابه‌جایی در بها دادن به برخی ارزش‌های خبری است. به این صورت که پیش از این بیشتر شاهد بودیم که ارزش شهرت بیش از دیگر ارزش‌های شش‌گانه، برای تنظیم پاکس خبری مورد عنایت بود و حالا دربرگیری، خود را به صدر رسانده است. پوشش خبرهای اختلال در سامانه بنزین که رویدادی تأثیرگذار بر بسیاری از هموطنان بود، نشان از اهمیت پیدا کردن ارزش دربرگیری و همچنین سرعت عمل، نشان از بها دادن به تازگی، یعنی نزدیکی انتشار خبر و گزارش به زمان وقوع آن است.

سانه نخست کشور است؛ ملزوم آن گویی را هم در پی داشته باشد. با این به‌روز و همسو با خواسته‌های مردم، با آیتد جاافتادن فرهنگ پاسخگویی به حبه با مقام و مسوول مربوطه است که مورد و گزارش ناقص می‌ماند. دیروز اگر وگو می‌کرد و توضیح می‌داد شاید تا حد بنینی در فضای مجازی علیه آقای زاکانی

دشان خواهد بود چون تجربه هم ثابت مردم ارزش قائل شود، ارزش بیشتری خواهد بود. این روند اگر در رسانه‌ها و از اتفاقی که رقم‌خورده به دنبال رسانه‌ها معا دیگر مسوولان برای پاسخگویی یا دیگر مسابقه خواهند داد.



۱۱

با يك گل بهار می شود یا نمی شود؟

تاریخ نویسی سیاسی منهای تاریخ

۱۰

چاقوکشی زیر نقاب طلایی

فرهنگ

پنجشنبه ۶ آبان ۱۴۰۰ : شماره ۶۶۴



۱۲

پیشخوان
Pishkhan.com

۹ جامه

کاغذ اخبار

جشنواره جهانی فیلم فجر منحل نشده‌است

مدیرکل روابط عمومی سازمان سینمایی گفت: جشنواره جهانی و ملی به صورت یکپارچه برگزار می‌شود و این ادغام و تغییر تقویم زمانی برگزاری به معنای خروج جشنواره از فیایف نیست.

به گزارش تسنیم، یزدان عشیری با ارائه توضیحاتی درباره ادغام دو جشنواره ملی و جهانی فیلم فجر بیان کرد جشنواره جهانی فیلم فجر منحل نمی‌شود.

عشیری بیان کرد: پیرو خبری که دیروز منتشر شد، قرار است به صورت همزمان دو رویداد جشنواره ملی و جشنواره جهانی فیلم فجر از سال آینده به صورت یکپارچه برگزار شود و خبری از انحلال آن نیست. به هیچ وجه و در هیچ زمان خبری از انحلال این جشنواره مطرح نبوده و نیست. وی گفت: راهبردهای بین‌المللی سینما و دیپلماسی فرهنگی به طور قطع، برای مدیریت سازمان سینمایی در این دوره از اهمیت بسیاری برخوردار است. طرح یکپارچه‌سازی و ایجاد ساختار اجرایی منسجم با هدف تقویت و گسترش مناسبات بخش بین‌الملل جشنواره و برگزاری باشکوه آن در کنار جشنواره ملی به مثابه راهبردی‌ترین رویدادهای سال کشور است. عشیری نسبت به حواشی ایجاد شده در فضای مجازی واکنش نشان داد و گفت: متأسفانه از دیروز در فضای مجازی برخی، از واژه انحلال استفاده می‌کنند که در حقیقت دارند با آدرس غلط نعل را وارونه می‌زنند.

احتمال می‌دهم از از سر ناگاهی و نه غرض‌ورزی است. جشنواره جهانی فجر منحل نشده و نخواهد شد و تغییر تقویم زمانی جشنواره با حفظ عضویت در فیایف، قابل پیگیری است. در همین دو سالی که پاندمی کرونا در جهان شیوع پیدا کرد شاهد تغییر تقویم برگزاری رویدادهای مختلف بوده‌ایم. حتی پیش از کرونا در تقویم برگزاری جشنواره اسکار ما شاهد تغییرات بودیم. بنابراین نمی‌شود تغییر زمانی یک جشنواره را انحلال آن رویداد قلمداد کنیم.

وی بیان کرد جشنواره بین‌المللی فیلم فجر از سال ۱۴۰۱ قطعاً با برنامه‌ریزی دقیق‌تر و در مقیاس بزرگ‌تر و با در نظر گرفتن راهبردهای ملی و جهانی برای تقویت سینمای ایران و بازاریابی منطقه‌ای و بین‌المللی برگزار می‌شود. مدیر روابط عمومی سازمان سینمایی نیز با اشاره به این‌که این ادغام، درخواست بسیاری از اعضای خانواده بزرگ سینمای کشور بوده است، گفت: خوشبختانه تصمیم گرفته‌شده علاوه بر نظرسنجی و ارزیابی بررسی کارگروه جشنواره‌ها، مطالبه‌ای بوده است که طیف گسترده خانواده سینما و سینماگران از سال ۹۶ و ۹۷ داشته‌اند. نامه‌ها و بیانیه‌های فراوانی از طرف اصناف محترم سینمایی دریافت شده که یکصد درخواست آنان این بوده که این دو جشنواره با یکدیگر به صورت یکپارچه برگزار شود. همه این بررسی‌های صورت گرفته باعث شده است سازمان سینمایی به این جمع‌بندی برسد که این دو جشنواره به صورت واحد و یکپارچه و همزمان خصوصاً با توجه به حضور مهمانان خارجی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و همین‌طور رسانه‌ای از سراسر جهان در کشور به دلیل ایام دهه فجر انقلاب، برگزار شوند.

شعر امروز

شعر شفيعی کدکنی برای کاشت بلوطی به نامش



محمدرضا شفیعی کدکنی برای کاشت بلوطی با نامش در زاگرس شعری سروده است.

به گزارش جام جم، آدمین صفحه‌ای به نام این شاعر و استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران با اعلام این خبر نوشته است: «چندی پیش، بر اساس ایده‌ای که داشتیم و با همکاری و لطف بنیاد الکن [بنیادی بومی که با نام و نشان‌تان در الگن زاگرس بلوط می‌کارد و از آن مراقبت می‌کند] نهال بلوطی با نام استاد محمدرضا شفیعی کدکنی در زاگرس کاشته شد. استاد از این موضوع اطلاع نداشتند اما چند روز پس از انتشار خبر آن در کانال اطلاع یافتند و مهربانانه شعری را برای این اتفاق که ایشان را عمیقاً خوشحال کرد، نوشتند.»

شعر شفیعی کدکنی با نام «درخت» به این شرح است:

درختی که با نام من کاشتید
سر، از فخر بر عرشم افراشتید
ز پندار نیک شما بود، آنگ
سراوار نیکیم پنداشتید
یکی شعر سبزی که تا جوادان
بماناد، زان خامه بنگاشتید
درخت است آرایش شعر من
به خویشم دگر باره برگاشتید
منم عاشق باغ و جویبار و گل
ژرستم بدین خوی انگاشتید
ازین شیوه برداشت کردم که عمر
چو مرد خرد پیشه بگذاشتید
وطن را ز کردار نیک شما
سزد فخر کاین مردمی داشتید
بماناد و در سایه‌اش عاشقان
که خاکش هم از مهر انباشتید
ز گفتار و کردار و پندار نیک
درفش، درفشان، برافراشتید

محمدرضا شفیعی کدکنی
۱۰ شهریور ۱۳۹۹

۱- برگداشتن: برگرداندن، صورت متعدی

برگشتن، فردوسی فرموده است:

عنان را بیپچید و برگاشت روی

برآمد ز لشکر یکی‌های و هوی

شاهنامه خالقی سخن، ۱/۸۵

۲- درفشان: از مصدر درفشیدن به معنی

درفشیدن (درفشان)

«جشن حافظ» ۲۹ آبان برگزار می‌شود

امید معلم، مدیرمسئول مجله دنیای تصویر و دبیر جشن حافظ گفت: بیست و یکمین دوره جشن سینمایی و تلویزیونی دنیای تصویر (تندیس حافظ) بیست و نهم آبان برگزار خواهد شد. به گزارش جام جم، داوری این دوره از جشن حافظ آغاز شده و به سنت همیشگی در دو رشته سینما و تلویزیون آثار داوری می‌شوند. سریال‌های پخش شده پس از نوروز ۹۹ در شبکه‌های تلویزیونی صداوسیما یا سامانه‌های آنلاین که بخش آنها تا نیمه آبان ۱۴۰۰ به پایان رسیده باشد، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در بخش سینما، فیلم‌هایی که از نیمه اردیبهشت ۹۹ تا نیمه آبان ۱۴۰۰ در سالن‌های سینما یا سامانه‌های پخش آنلاین عرضه شده باشند، داوری می‌شوند.

نسل آینده موسیقی ایران، در جشنواره ملی موسیقی جوان، رقابتی سخت و فشرده را پشت سر می‌گذارند

استعدادهایی که همچنان شکوفا می‌شوند



آذر مهاجر

ادبیات و هنر

تقریباً ۱۰۰ نفر از مطرح‌ترین استادان موسیقی ایران در شاخه‌های مختلف، آهنگسازی و نوازندگی انواع سازها هر سال آثار جوانان و نوجوانانی را بررسی و ارزیابی می‌کنند. این آثار از سراسر ایران، به جشنواره ملی موسیقی جوان ارسال می‌شود. این روزها پانزدهمین دوره این جشنواره در حال برگزاری و مرحله اول داوری‌های این دوره به انجام رسیده است.

شیوع و ویروس کرونا و تعطیلی یا معلق شدن‌های مقطعی کلاس‌های آموزش موسیقی آزاد، در هنرستان‌ها و حتی دانشگاه‌ها مانع برگزاری پانزدهمین دوره نشده است. همان‌طور که دوره چهاردهم آن هم سال گذشته در اوج پاندمی برگزار شد. امسال و سال گذشته، جشنواره به صورت مجازی برگزار شده است. به این ترتیب که شرکت‌کنندگان آثارشان را به جشنواره شرکت‌کنندگان و در بخش موسیقی دستگاہی ایران، خوانندگان و نوازندگان و در بخش موسیقی نواحی استقبال

ارسال کرده‌اند و داوران بدون نام و عنوان این آثار را بررسی کرده‌اند. اظهارات داوران درباره تأثیر کرونا بر جشنواره و شرکت‌کنندگان، از کاهش سطح کمی و تعداد شرکت‌کنندگان در جشنواره حکایت دارد و البته در برخی بخش‌ها و رشته‌ها سطح کیفی شرکت‌کنندگان هم کاهش داشته است. اما هنوز اخباری از درخشش استعداد‌های جوان از سراسر ایران در بخش‌های مختلف جشنواره مخابره می‌شود و نوجوانان و جوانان زیادی از گوشه و کنار ایران به نقشی که قرار است جشنواره در آینده آنها ایفا کند، امیدوارند.

تمام ایران است. از همه شهرها شرکت‌کنندگانی دارد و بارها برگزیدگان این جشنواره، هنرموزانی در شهرهای دور از پایتخت بوده‌اند.

در پانزدهمین دوره این جشنواره بیش از ۲۵۰۰ نوازنده و خواننده از سراسر ایران شرکت کرده‌اند. بیشترین استقبال از خوانندگی و نوازندگی موسیقی دستگاہی ایران صورت گرفته و در مرحله بعد، نوازندگی موسیقی کلاسیک و بعد از آن موسیقی نواحی استقبال شرکت‌کنندگان را به دنبال داشته است. آثار این شرکت‌کنندگان توسط ۱۰۰ داور ارزیابی می‌شود که تمامی آنها از استادان بنام موسیقی ایران هستند. از معروف‌ترین داوران می‌توان به حسین علیزاده، داریوش پیرنیاکان، اردشیر کامکار، حمیدرضا نوربخش، سیاوش ظهیرالدینی، مسعود شعاری و احسان ذبیحی‌فر اشاره کرد.

هر سال بهتر از پارسال



احسان ذبیحی‌فر، داور بخش ویژه جشنواره موسیقی جوان است که با عنوان آفرینش در تک‌نوازی شناخته می‌شود. این استاد نوازندگی کمانچه و قیچک، چند سالی است با جشنواره موسیقی جوان همکاری دارد و معتقد است شرکت‌کنندگان جشنواره به طور میانگین هر سال بهتر از سال قبل ظاهر شده‌اند. ذبیحی‌فر در گفت‌وگو با خبرنگار جام جم تأکید کرد: در نبود سیاست‌های بلندمدت برای موسیقی و شرایط سخت اقتصادی، برگزاری جشنواره ملی موسیقی جوان،

اتفاقی مهم و مبارک است و شرکت‌کنندگان بخش ویژه هر سال بهتر ظاهر شده‌اند.

ذبیحی‌فر معتقد است مهم‌ترین ویژگی جشنواره موسیقی جوان این است که نسل آینده موسیقی ایران را مخاطب قرار داده و فرصت آزمودن جوانان را فراهم می‌کند و به همه علاقه‌مندان موسیقی انگیزه می‌دهد که داشته‌ها و آموخته‌هایشان را عرضه کنند و از بهترین استادان موسیقی کشور که داور جشنواره هستند، راهکارهای موفقیت و پیشرفت را بیاموزند.

ذبیحی‌فر- که سابقه تدریس موسیقی را در کارنامه‌اش دارد، تأکید می‌کند آنچه هنرستان‌ها و دانشکده‌ها برای جوانان علاقه‌مند به موسیقی انجام می‌دهند، انتقال دانش آکادمیک و مبتنی بر روش‌های آموزشی است که هنرآموز یا دانشجو را به نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌رساند و البته همه علاقه‌مندان به موسیقی فرصت تحصیل در هنرستان یا دانشکده را ندارند اما جشنواره موسیقی جوان، شرایط متفاوتی فراهم می‌کند.

ذبیحی‌فر در توضیح این نکته می‌گوید: در این جشنواره هر کسی با موسیقی سروکار دارد، چه در مراکز آکادمیک آموزش دیده باشد یا نه، این شانس را دارد که در جشنواره هنرش را به نمایش بگذارد و خودش را در برابر همسالانش محک بزند. به نوعی جشنواره یک فضای عمومی رقابتی است برای ارائه آثار هنری و توانمندی‌های افراد. هر موسیقیدان جوانی، در طول سال یک بار این فرصت را پیدا می‌کند که داشته‌ها و توانایی‌هایش را در رقابت با همسالان خودش ارزیابی کند، توسط بهترین استادان مورد آزمایش قرار بگیرد تا ببیند در مسیر درستی پیش می‌رود یا نه، موقعیت خودش را پیدا کند

تا انگیزه بیشتری برای رشد و بالندگی داشته باشد. این به نظم امکان ویژه‌ای است.

او معتقد است هر جوان فعال در عرصه موسیقی نیاز دارد توانمندی و جایگاه خودش را در موسیقی بداند و با معیارهای تخصصی خودش مورد ارزیابی استادان با تجربه قرار بگیرد تا زمینه‌های رشدش فراهم شود.

ذبیحی‌فر، ضمن ابراز امیدواری برای گسترده‌تر شدن جشنواره و فراهم کردن فرصت‌های بیشتر، درباره بخش ویژه جشنواره موسیقی جوان امسال توضیح می‌دهد: این بخش یکی از ویژگی‌های جشنواره است که از وقتی در جشنواره ایجاد شده، هر سال بهتر از سال قبل برگزار شده و نتایج بهتری داشته است. چون در هر دوره، شرکت‌کنندگان بیشتر از قبل متوجه شده‌اند که قرار است چه کاری بکنند و معیارهای ارزیابی برایشان روشن‌تر شده است. این داور تصریح کرد: آنچه من در این بخش از جشنواره دیدم، بچه‌های هنرمند و خلاق است که سال به سال بهتر عمل می‌کنند.

او درباره اضافه شدن بخش آهنگسازی گفت: این بخش، انگشت می‌گذارد روی توانمندی و خلاقیت موسیقیدان‌های جوان کشور. در بخش‌های دیگر جشنواره، معلومات آکادمیک و تسلط آنها بر سنت‌های موسیقی ایرانی، مناطق و کلاسیک محک می‌خورد اما در این بخش خلاقیت‌های آنها در آفرینش و خلق اثر بررسی می‌شود. این نقطه ایده‌آل در موسیقی است و اگر بتوانیم در جشنواره زمینه وقوع آن را فراهم کنیم، اتفاقات مهمی در آینده موسیقی کشور رقم خواهد خورد. او توضیح می‌دهد: از فایده‌های آرسالی شرکت‌کنندگان می‌شود دریافت هر سال نسبت به سال قبل، معنا و شیوه‌های نوآوری و آفرینش را بهتر درک کرده‌اند.



آثار ماسه به موضوع مهمویت و انتظار ظهور پیدا خسته است اما اگرهای فراوانی دارد



داوری مرحله مقدماتی بخش آواز





عطف

دربارهٔ «پاییز آمد» خاطرات فخرالسادات موسوی همسر سردار شهید احمد یوسفی

از دوست به یادگار دردی دارم

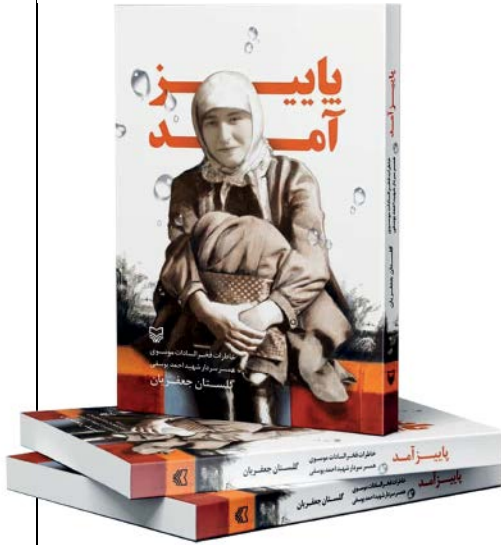
البته باید آن را بزرگ‌تر و کلان‌تر دید و گفت ماجرای نسلی است که عاشقی را خوب بلد است. می‌تواند عاشق وطن باشد، می‌تواند پا بر زمین سر در آسمان داشته باشد. می‌تواند روی همین کره خاکی عشق دیگری را هم همزمان با دیگر احساسات و آرمان‌هایش تجربه کند و خانواده تشکیل دهد.

موضوع کتاب، مصاحبه با همسر شهیدی است که در ۱۸ سالگی ازدواج و در ۲۵ سالگی با داشتن دو فرزند، همسر خود را از دست داده بود. خانواده این خانم، با ازدواج او موافق نبودند و حتی پدرش، در مراسم عقدش شرکت نکرده بود. در تمام خاطرات فخرالسادات می‌توان شیوه عاشقی نسلی را دید که کمتر این وجه از آنها را دیده‌ایم: جوان‌های دهه ۵۰ و ۶۰ که در اوج روزهای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی زندگی کرده و هرچند بسیاری‌شان پاسدار و سپاهی و رزمنده بوده‌اند، اما زندگی عادی داشتند.

راوی کتاب پاییز آمد، چهره زن را نشان می‌دهد که مسوولیت اجتماعی برایش اهمیت دارد و یک کنشگر اجتماعی فعال است. در همین مسیر است که گذرش می‌افتد به سپاه و همان‌جا هم دوره‌های امدادگری و تخریب را یاد گرفته و به‌عنوان مربی کار خود را آغاز می‌کند. در همین دوران با همسرش احمد یوسفی آشنا شده و به عشق او جلوی مخالفت‌های خانواده‌اش می‌ایستد.

هدف نویسنده در این کتاب، کاوش در نگاه و اندیشه دختر ۱۶ ساله‌ای است که حالا در آستانه ۶۰ سالگی قرار دارد؛ دختری که در ۱۶ سالگی تصمیم می‌گیرد با پسری که قرار است شهید شود، ازدواج کند و از همین رو پاییز آمد را همچون یک تراژدی عاشقانه روایت می‌کند.

شیوه نگارش کتاب از ادبیات فلسفی خاصی پیروی می‌کند. گفت‌وگوی ذهنی فخرالسادات انگار تمامه نمی‌شود، بارها از خودش سوال می‌کند و به خودش جواب می‌دهد تا از راهی که انتخاب کرده، منصرف نشود. هدف کتاب روایت سیر زندگی انسان‌هایی است که در مواجهه چالش‌های عجیب، همچنان بدون یک لحظه پشیمانی بر سر انتخاب‌های‌شان ایستاده‌اند. شرح لحظه به لحظه عاشقی فخرالسادات، زندگی مشترکی که کشمکش دائمی بین خواستن و از دست دادن است و در نهایت مواجهه با شهادت از این کتاب اثری خواندنی ساخته است و سیمای زن را ترسیم کرده که هر لحظه محکم‌تر شده و با درد همزیستی داشته است، آنچنان که مولانا می‌گوید: از دوست به یادگار دردی دارم / کان درد به صد هزار درمان ندهم...



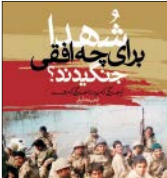
یک هفته با کیارستمی در موزه هنرهای معاصر تهران

یک هفته با عباس کیارستمی با نمایش مستندهای منتخب درباره این کارگردان ۶۵ ساله آبان در سینماتک موزه هنرهای معاصر تهران برگزار می‌شود.

به گزارش ایلنا، مهدی شادی‌زاده، دبیر جایزه بین‌المللی «عکس ۵۵» گفت: در این مراسم برای اولین بار ترکیبی از مستندهای منتخب درباره این کارگردان از روز پنجشنبه ۶ آبان در ساعت ۱۶ در موزه هنرهای معاصر تهران نمایش داده می‌شود.

کتاب وحید جلیلی باز هم در بازار کتاب

چاپ پنجم کتاب «شهدا برای چه افقی جنگیدند؛ جنگی که بود، جنگی که هست» به قلم وحید جلیلی منتشر و روانه بازار نشر شد. وحید جلیلی در این کتاب دریچ‌ای نو از آنچه پس از جنگ تحمیلی در جامعه رخ داده را برای مخاطب بازگو می‌کند و به بیان آسیب‌های موجود پیرامون روایت‌هایی که توسط افراط به ظاهر انقلابی از «جنگ»، «شهدا» و «دفاع مقدس» وجود دارد، می‌پردازد.



آخرالزمان به روایت هالیوود

فیلم تل ماسه به جز صدرنشینی در گیشه، بحث‌های فراوانی در زمینه مباحث موعودباوری دینی نیز به وجود آورده است

✚ با وجود سال نوشتن رمان علمی-تخیلی فرانک هربرت در ۱۹۶۵ و سال ساخت فیلم دیوید لینچ در ۱۹۸۴، به نظر می‌رسد «تل ماسه» سنخیت بیشتری با ۲۱ و این زمانه دارد و با اوضاع و احوال آشفته جهان امروزی سازگارتر و همخوان‌تر است. تل ماسه ساخته دنی ویلنوو که در اکران همزمان در سینماها و اکران آنلاین با استقبال خوبی مواجه شده و بر صدر بکس آفیس آمریکای شمالی تکیه زده و حسابی تن کرخت سینمای کرونا زده را تکانده، با وجود برخی نقدهای منفی و مخالفت‌های ساختاری و ایدئولوژیک و به‌ویژه آن گروه از علاقه‌مندان سینما که دل خوشی از بلک باسترها و فیلم‌های عظیم و پررهزینه ندارند، جنس متفاوتی نسبت به نمونه‌های مشابه دارد و نباید صرفاً به عنوان یک فیلم پربازیکر و پرخرج علمی-تخیلی معمولی به آن نگاه کرد. کمپانی برادران وارنر سازندگان تل ماسه با هوشمندی و زمان‌سنجی دقیق و هدفمندی کامل، موضوع آخرالزمانی و طرح بحث منجی را جدی‌تر و قابل‌تأمل‌تر به تصویر کشیده‌اند که تماشای آن فارغ از رضایت‌مندی مخاطبان و حتی تطبیق نداشتن با حقیقت موضوع و اختلافات ایدئولوژیک، کنج‌کاو برانگیز است به‌ویژه همان اشاره‌هایی که به نام مهدی موعود در فیلم می‌شود، به اندازه کافی می‌تواند دلیل مواجهه‌های مختلفی با تل ماسه باشد و از نظر مهدویت و موعودباوری اسلامی هم می‌توان با اثر روبه‌رو شد.

اشاره‌های آخرالزمانی



رویارویی دینی و مذهبی با تل ماسه و بررسی دقیق نشانه‌های فیلم و حتی خوانش نیت سازندگان هالیوودی و اشاره به دست‌های احتمالی پشت پرده با اهدافی خاص، در این مجال سینمایی نمی‌گنجد، اما اگر کمی نیمه پر لیوان را ببینیم و عقبه هالیوودی را در نظر بگیریم که در این سال‌ها گاهی شیطنتهایی در راستای اسلام‌هراسی انجام داده و دل به سیاست‌های سیاستمداران آمریکایی و اروپایی داده، تل ماسه را باید قدمی رو به جلو و به قصد جلب توجه جامعه مسلمانان پنداشت. همین که با هر قصد و نیتی، سازندگان تل ماسه، چهره‌ای منفی از اسلام به نمایش نگذاشتند و در بحث منجی و فضای آخرالزمانی فیلم، اشاره به نام حضرت مهدی(عج) داشتند و نگاهشان به

نقدی بر نوشته جواد طباطبایی در تحلیل جنگ ۸ساله و مدافعان حرم

تاریخ‌نویسی سیاسی منهای تاریخ

✚ کسی انگشتی در خانه گم کرد، در کوچه می‌جست. گفتند کجا گم کردی؟ گفت در خانه. گفتند پس چرا در کوچه می‌جویی؟ گفت خانه تاریک است. (کلیات عبید زاکانی، به اهتمام محمدجعفر محجوب، صفحه ۳۰۷)

✚ تاریخ‌نویسی جنگ به سبک استاد

مهم‌ترین چهره‌ای که اخیراً درباره در جنگ مهم ایران، یکی در برابر صدام و دیگری در برابر گروه‌های تکفیری مطلبی نوشته است، جواد طباطبایی است. استاد طباطبایی یک چهره برجسته در علوم انسانی و یک متفکر نام‌آشنا در اندیشه سیاسی است. نوشته‌های او، در تحلیل وضعیت ایران در سده اخیر معتبر جلوه کرده است. این نویسنده نیز خواننده همیشگی آن نوشته‌ها و کتاب‌هاست. اما طباطبایی کمتر درباره دوران حاضر چیزی نوشته است. صرف نظر از چند بحث علمی درباره دانشگاه یا وضعیت علوم انسانی در ایران یا موضوع پان‌ترکیسم کمتر در مورد موضوعات روز موضعگیری کرده است. حال در یک کانال تلگرامی که ظاهراً به او تعلق دارد، درباره نسبت ایران با عراق و سوریه و ترکیه و آذربایجان مطالبی نوشته است. نوشته جواد طباطبایی به تفصیل در اینترنرت در دسترس است. مطلب او درباره خطر اتحاد آذربایجان، ترکیه و داعش است اما در آن مطلب اشاراتی به جنگ هشت‌ساله و نبرد علیه تکفیری‌ها آمده است. مجال آن است که تا فهم طباطبایی از دفاع ایران در نبرد با صدام و داعش را بشکافیم. این بخش با چنین جمله‌هایی در متن طباطبایی پا می‌گیرد:

«تردیدی نیست نزدیکی ایران و قبیله اسد پس از انقلاب اسلامی هیچ ربطی به حب انقلاب اسلامی از سوی اسد نداشت، بلکه او یک دشمن بزرگ در منطقه داشت که

مسعود نقاش‌زاده، دبیر چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر شد

محمد خزاعی، معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس سازمان سینمایی کشور طی حکمی مسعود نقاش‌زاده را به سمت دبیر چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر منصوب کرد. نقاش‌زاده، کارگردان، استاد دانشگاه و دارای درجه دکتری مطالعات هنر است و سابقه مدیریت به‌عنوان معاون فرهنگی بنیاد سینمایی فارابی، مدیرکل امور برنامه‌ها و مشاورعالی سیمافیلم، معاون آموزش و پژوهش خانه سینما را داشته است.



شاعر را با این لقب می‌شناسیم، اما توجیه ده با شخصیت منجی، تطبیق و قرابت دارد. در شبیه زیارتگاه و مجاورت نظر ها، دست به منجی می‌دهد. اما واضح‌ترین اشاره به ماسه به پاول جوان صحبت و گمانه‌زنی می‌کنند و به‌طور ع مهدی موعود باشه؟ به نظر خیلی جویون میاد. «به تماشاگران مسلمانی که در این سال‌ها معمولاً از منجی‌های تخیلی و صرفاً سطحی و بلیک باسته شخصیت منجی (اگر او را معادل داستانی مهدی، حد بضاعت و اقتضائات هالیوودی و دنیای سرگرد حضرت مهدی(عج) را در فیلم ذکر کرده‌اند، سعی این موضوع نشان دهنده هوشمندی سازندگان جهان است. آنها مراقبتند تا عبور از خط قرمزها خش البته باید توجه داشت در فیلم تل ماسه موعود، شبیه اعراب هستند) برانگیخته می‌شود. این روا ریشه‌دار مسلمانان کاملاً متفاوت است. به عب از نژادی دیگر و از میان انسان‌های متمدن برای داری دو بعد مهم است؛ ساختار سینمایی واید کارشناسان سینمای دینی به نقد این اثر بپردازند.



اشتباه از بسیاری جهات تکرار همان اشتباه صدام بود. این مصداق تاریخ‌نویسی یک استاد تاریخ بی‌نیاز از تاریخ زنده یک کشور است. این نه تاریخ مشروطیت است، نه لحظاتی از «بحران آگاهی» که نیازمند شنای در منابع باشد. این تاریخ زنده‌ای است که راونایش هنوز هم‌سن فرزند آقای طباطبایی در دسترس هستند. «محور مقاومت»

آقای طباطبایی! زاب کجاست؟

باقی روشنفکران و نویسندگان فهم خود از مناسبات منطقه و دفاع مدافعان حرم را می‌نوشتنند. آن فرمانده گلگون‌چهر پیاده، ابوحامد را می‌شناختند و راهی برای درک وضعیت نظامی و امنیتی ایران در منطقه می‌یافتند. کم‌کاری دستگاه‌های مسوول در نیروهای مسلح حرف تکراری است که دوباره بیانش نمی‌کنیم. هنوز چیزی از نبردهای ما در سوریه و عراق منتشر نشده است که قانع‌کننده باشد. ملودرام سطحی که اقناع‌کننده روحیات لطیف دبیرستانی است، به جای خود، پس روایت دفاع ایران چطور و کی قرار است منتشر شود؟ کجا قرار است بخوانیم که ایران در سوریه و عراق چه کرد؟

این متن به طباطبایی نهیب می‌زند که زاب در نقشه عالم تنها نام رستورانی تایلندی در شمال آمریکا نیست؛ بلکه شهری است در ۳۰۰ کیلومتری مرز غربی ایران، آنجا نبردهای خونین با داعش درگرفت که روایتش به زودی منتشر خواهد شد. بدانید فاصله همین قدر بود و اقلیم کردستان عراق نمی‌توانست هیچ ربطی به دولت بشار اسد داشته باشد. اما این متن نمی‌داند چطور باید به مسوولان نیروهای مسلح نهیب بزند که آوینی بعد از شهادتش آوینی شد و در زمان ساخت روایت فتح دشمن کم نداشت؛ پس به دشمنان نویسنده‌ها کاری نداشته باشید به آنها اطلاعات بدهید و در یمن و سوریه و عراق همه‌ای خود کنید تا روایت کنند و بفهمند.

طباطبایی که فهمی از دفاع ما در برابر داعش پیدا نکرده است اما چنین می‌نویسد: «من پیرو میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام هستم که به فرستاده دولت بهیه گفت قرارداد با روس را «به مردی یا نامردی» اجرا نخواهد کرد. گمان نمی‌کنم در مقابله با اردوغان، علی‌ای جایی برای مردی باقی مانده باشد. به نامردان توپ‌کاپی باید فهماند اگر دست از پا خطا کنند دست و پایشان به نامردی قطع خواهد شد.»

یعنی به نظر طباطبایی در برابر صدامی که یک طرفه داشت خوزستان را می‌کوبید نباید مردانه جنگ می‌کردیم. در برابر داعش جوانمردانه نمی‌ایستادیم و حالا باید در جبهه شمالی کشور، شده حتی به نامردی، جنگی را آغاز کنیم. حرفی نیست، حرف این است که او هنوز نمی‌داند چرا نبرد با صدام پا گرفت و در برابر

داعش در سوریه و یمن و عراق، مقاومت ما از چه جنسی است. داعش تنها در جبهه شمالی رحم اجاره‌ای اردوغان و علی‌ای نشده

است. در شرق هم دارد می‌تازد. خطر را فهمیدن غیر از فهم صحیح خطر است.

با این همه، متن آقای طباطبایی را به فال نیک می‌گیرم. چه خوب می‌شد





خبر

با يك گل بهار می‌شود یا نمی‌شود؟



ساناز قدیری

فرهنگ‌و هنر

اقتصاد سینما دراین حدود دو سال ضربه‌های جبران‌ناپذیری دید؛ از فیلم‌های بی‌شماری که پشت صف اکران ماندند گرفته تا فیلم‌های به‌اکران رسیده‌ای که حتی درصدی از هزینه ساخت‌شان را هم برنگردانند، همگی از حال بد سینما در این ایام حکایت دارند. اما به قول معروف «در همیشه روی يك پاشنه نمی‌چرخد»؛ واکسن‌ها یکی پس از دیگری وارد بازار شدند و فتیله کرونا را پایین کشیدند.

با واکسینه‌شدن گروه زیادی از مردم و بهبود نسبی اوضاع، به نظر می‌رسد مدیران سینمایی با يك برنامه‌ریزی درست توانستند خوراك لازم را برای سینماها فراهم کنند. فیلم‌های جدیدی به چرخه اکران اضافه شدند تا شاید مانعی باشند برای فلج شدن این هنر-صنعت در ایران.

از صبح سه‌شنبه ۵ آبان فیلم «قهرمان» به کارگردانی اصغر فرهادی اکرانش را در هنر شهر آفتاب شیراز و از دیروز در تمام سینماهای کشور آغاز کرد. این فیلم که نماینده ایران در اسکار است، می‌تواند شانس بزرگ گیشه اکران پاییزی باشد. قهرمان روایتگر داستان زندگی رحیم (امیر جدیدی) است که به دلیل بدهی به زندان افتاده است. رحیم به مرخصی‌ای دو روزه می‌آید تا سعی کند رضایت شاکلی‌اش را جلب کند، اما در این حین درگیر اتفاقاتی می‌شود.



امیر جدیدی، محسن تنابنده، سارینا فرهادی و فرشته صدرعرفایی از بازیگران اصلی این فیلم هستند و با توجه به شواهد می‌توان حدس زد که این فیلم هم مانند سایر فیلم‌های فرهادی قرباتی با مساله فقر دارد. قهرمان البته، تنها فیلمی نیست که قرار است به کمک وزیدن هوای تازه در سینماها برود. به گفته مرتضی شایسته، دبیر شورای صنفی نمایش، فیلم سینمایی از ۱۲ آبان تا ابتدای دی به نوبت روی پرده می‌روند. «تومان» ساخته مرتضی فرشبیاف از ۱۲ آبان، «آپاچی» آرش معیریان از ۲۶ آبان، «شهر گربه‌ها» سیدجواد هاشمی از ۳ آذر، «آتابای» نیکی کریمی از ۳ آذر، «ملاقات با جادوگر» جمشید بهرامیان از ۱۰ آذر، «جوجه‌تیغی» مستانه مهاجر از ۱۰ آذر، «بندر بند» منیژه حکمت از ۱۲ آذر، «بی‌همه چیز» محسن قرایی از ۱۷ آذر، «تی‌تی» آپدا پاهنده از ۲۴ آذر و «عروسی مردم» مجید توکلی از اول دی ماه، فیلم‌های باقیمانده از جشنواره فیلم فجر هستند که به ترتیب از چیدمان اکران قرار گرفته‌اند تا سینما راز را چیدمان اکران قرار گرفته‌اند تا سینما راز سوت و کوری نجات دهند.

حالا باید منتظر ماند و دید که مسؤولان سینمایی چه تمهیدات ویژه‌ای را برای بازگشت به شرایط عادی و جبران فرصت‌های از دست رفته درنظر دارند. رعایت پروتکل‌های بهداشتی در سالن‌های سینما، تهویه خوب هوای سالن، رعایت فاصله گذاری‌ها و... که البته در ماه‌های کرونازده هم در اکثر مواقع رعایت می‌شد. امروز و با رعایت صددرصدی می‌تواند اطمینان خاطری باشد برای حضور مجدد مردم در سالن های سینما. چرا که سینمای ما، حتی پیش از ظهور کرونا هم در جذب مخاطب مشکل داشت و امروز با همه‌گیری این ویروس و طولانی شدن این شرایط، ضربه‌های بیشتری را بر پیکره‌اش دیده که به نظر می‌رسد بیش از هر زمان دیگری نیازمند تدبیری از سوی مدیران فرهنگی هستیم تا راه‌حلی برای برون‌رفت از این شرایط پیدا کنند. 📺



«خرچنگ» به بخش چشم‌انداز جشنواره «گوآندو» راه یافت

یونانیایی «خرچنگ» ساخته شیوا صادق‌اسدی و از تولیدات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پس از کسب موفقیت‌های بسیار در جشنواره‌های خارجی دیروز در این رویداد هنری به‌صورت حضوری و مجازی نمایش داده شد. به گزارش جام‌جم، انیمیشن ۱۱دقیقه‌ای خرچنگ داستان پسررچهای خجالتی و منزوی را که به عضویت در گروه تئاتر مدرسه علاقه دارد، روایت می‌کند. هر چند تنها نقشی که به او پیشنهاد می‌شود نقش یک خرچنگ است.

کرونا میلاد کیایی را راهی بیمارستان کرد

موسیقیدان، نوازنده سنتور و آهنگساز ایرانی بر اثر ابتلا به ویروس کرونا در بیمارستان بستری شد.

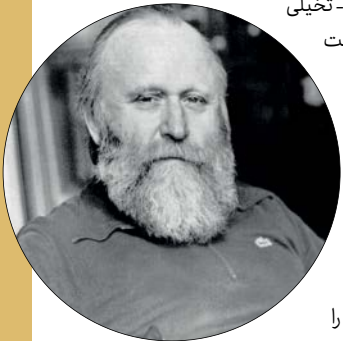
به گزارش جام‌جم، میلاد کیایی از ۸سالگی نزد پدرش که تار و سنتور می‌نواخت، نوازندگی سنتور را آغاز کرد. اوردیف‌های موسیقی ایرانی را نیز نزد برادر بزرگترش ایرج کیایی که از شاگردان ابوالحسن صبا بود، فراگرفت. وی از ۱۲سالگی در برنامه کودک رادیو فعالیت‌های هنری خود را آغاز کرد.

هربرت، لینچ و ویلنوو

چراغ اول تل‌ماسه را فرانک هربرت، نویسنده آمریکایی رمان‌های علمی- تخیلی روشن کرد. او سال ۱۹۶۵ با نوشتن رمان تل‌ماسه، به شهرت و محبوبیت دست یافت و کتاب با چنان استقبالی از سوی خوانندگان روبه‌رو شد که از آن به عنوان پرفروش‌ترین کتاب‌های علمی- تخیلی نام می‌برند. آن هم در شرایطی که نویسنده‌های بزرگی چون ژول ورن و اچ جی ولز در این زمینه مطرح هستند. در ضمن موفقیت رمان تل‌ماسه باعث شد بعدها پسر هربرت و نویسنده‌های دیگری هم دست به قلم شوند و سری‌های دیگر آن را روانه بازار نشر کردند. قصه تل‌ماسه در آینده‌ای دور و در یک فضای امپراتوری می‌گذرد و نبردهایی بر سر قدرت و برای بقا را روایت می‌کند. بحث وجود یک منجی دینی و مذهبی هم در قصه مطرح می‌شود و پیچیدگی درام را بیشتر می‌کند و درپچه تازه‌ای در فضایی علمی- تخیلی می‌گشاید.

دیوید لینچ، کارگردان سرشناس سینمای سوررئال در اوایل مسیر فیلمسازیش و بعد از درخشش‌های آغازینش کله پاک‌کن و مرد فیل نما، سال ۱۹۸۴ در دام انگیزه‌های مالی کمپانی‌های هالیوودی گرفتار شد که نسبتی با نگاه و سلیقه سینمایی‌اش نداشت. بنابراین اقتباس او از رمان موفق هربرت، چیزی جز یک شکست کامل و فاجعه‌بار اقتصادی نبود. لینچ به قدری از این فیلم دلزده شد که حاضر نبود اسم خودش را پای این اثر ببیند و دوست داشت مخاطبان فکر کنند کارگردان فیلم، فردی به نام آلن اسمیتی است که وجود خارجی ندارد. میزان تنفر لینچ از تل‌ماسه تحمیلی از سوی استودیو آنقدر است که او حتی تمایل به دیدن خوانش تازه دنی ویلنوو ندارد.

ممکن بود فیلم لینچ آنقدرها هم که او می‌گوید، اثر فاجعه‌ای نباشد و استانداردهای حداقلی فیلم‌های علمی- تخیلی را دست‌کم در آن سال‌ها داشت، اما حالا و با پیشرفت خیره‌کننده جلوه‌های ویژه، فیلم لینچ در مقایسه با تل‌ماسه تازه، در بعضی بخش‌ها حتی مضحک و خنده‌دار به نظر می‌رسد. فیلم ویلنوو به لحاظ ساختاری، اثر ویژه و برجسته و ماندگاری نیست، اما به خاطر طرح همین موضوع مهدویت و جلوه‌های ویژه باورپذیر، فیلمبرداری و بازی‌های مناسب و به‌خصوص موسیقی درخشان هانس زیمِر، حرف‌هایی برای گفتن و جلب توجه برخی مخاطبان دارد. اگرچه آنها که رمان را خوانده‌اند و فیلم لینچ را هم دیده‌اند، موقع تماشای تل‌ماسه فعلی و پایان باز و ناتمامش می‌دانستند قصه هنوز ادامه دارد و قسمت دوم هم در کار خواهد بود، روز گذشته ساخت قسمت دوم تل‌ماسه به‌طور رسمی اطلاع‌رسانی شد و حتی جاش برولین، بازیگر نقش گورنی هالک با انتشار پستی در اینستاگرام، شور و شعفش از ساخت قسمت دوم را نشان داد.



اینستاگرام، شور و شعفش از ساخت قسمت دوم را نشان داد.

چند نکته درباره فیلم

صحنه‌های تل‌ماسه در مجارستان، نروژ، اویطبی و صحرای بزرگ اردن فیلمبرداری شد و کارگردان فیلم برای خلق سیاره آراکیس، چندان از فناوری تصویرسازی استفاده نکرد.

هانس زیمِر، آهنگساز سرشناس فیلم به قدری درگیر ساخت موسیقی فیلم تل‌ماسه بود که آهنگسازی فیلم «تنت» به کارگردانی کریستوفر نولان را نپذیرفت.

فیلم تل‌ماسه که در بخش غیررقابتی دوره اخیر جشنواره فیلم ونیز به نمایش درآمد، با استقبال تماشاگران در اولین اکران روبه‌رو شد و مخاطبان حدود ۸ دقیقه فیلم و عوامل آن را تشویق کردند.

آن‌طور که می‌گویند بازی تیموتی شالامی، بازیگر نقش پاول در بعضی لحظات باعث احساساتی شدن و گریه کردن دنی ویلنوو، کارگردان فیلم شد.

پیش تولید تل‌ماسه از سال ۲۰۱۶ آغاز شد و مراحل جلوه‌های ویژه آن هم زمان زیادی برد، از جمله ساخت کرم‌های بزرگ فیلم که یک سال به طول انجامید.

چهره‌پردازی شخصیت بارون هاکوئن- با بازی استلان اسکارسگار، حدود هفت ساعت در روز زمان می‌برد.

فرانک هربرت، از تاریخ اسلام و مهدویت برای نوشتن مفاهیم و داستان‌های رمان تل‌ماسه استفاده کرد. 📺

بین فرماندهان قرار بگیرد تا بداند «جنگ برای صلح» چه سختی‌هایی دارد.

طباطبایی می‌نویسد: «هدف ناگفته خفه کردن ایران در محاصره خلافت عربی، نوعثماني و قدرت‌های دیگری است که همه کمر به نابودی ایران بسته‌اند.»

اگر این حرف درست باشد، پس این چه سبک تحلیل کردن است؟ چرا او تا این حد با دفاع از ایران در سال‌های نبرد با صدام و سال‌های نبرد با داعش بیگانه است؟

اشتباه نکنید؛ نمی‌گویم الزاما با روش فرماندهان ما همراه باشد، می‌گویم چرا بیگانه است. مبهم نویسی آیین بیگانه‌نویسی است.

تحلیل‌های درست و غلط در یک متن

البته تحلیل طباطبایی از وضعیت قره‌باغ خواندنی است؛ «اردوغان ماهرانه از آنها در سوریه برای پیشبرد اهداف خود استفاده کرده، و بقیه‌السیف آنها را تحویل عل‌اف قرار داده است تا هم ستر عورتی برای عدم کارایی سربازان و فرماندهان ارتشی از بردگان عل‌اف باشند و هم وسیله فشاری در مرزهای ایران تا بتواند به اخاذی‌های خود ادامه دهد.» اما سعی برای فهم درست این مناسبات ربطی به این ندارد که جنگ هشت‌ساله را نفی کنیم یا بخواهیم نبرد در سوریه را به دفاع از اسد تقلیل بدهیم. ضمن این تئوریستی که از سوریه با یک پرواز بن‌کن می‌شود به قره‌باغ و وطنش را عوض می‌کند، مساله اصلاحات اساسی در سوریه ندارد که بخواند منطقه را بشناسد، نه اطلاعاتی دارد که بخواند جواد طباطبایی به درستی می‌نویسد: «هر جنگی در دوران جدید جنگ برای منافع ملی است و بی‌دلیل نیست که دشمنان ایران، در خارج و داخل و بسیاری از اینان در کسوت استادان دانشگاه به همه مجعولات ممکن متوسل می‌شوند تا ثابت کنند دفاع از کیان کشور به معنای دفاع از ناسیونالیسم خواهد بود که گویا همان فاشیسم است. این بحث‌های نظری مندرج تحت سفسطه هستند، برای رخنه افکندن در وحدت ملی ایران و پراکنده کردن شهروندان میهن‌دوست و تلقین یأس به آنان تا از زیر پرچم دفاع از وحدت سرزمینی پراکنده شوند و دشمنان ایران به اهداف خود نایل آیند.»

آیا بند بالا درباره تحلیل خود طباطبایی از دفاع ایرانیان صادق نیست؟ چه دلیلی دارد نویسنده این دیدگاه علیه دفاع ایرانیان از خودشان باشد؟ طباطبایی می‌گوید: «من امیدوی ندارم بسیاری از مسوولان گو‌شی برای شنیدن این حرف داشته باشند، چنان‌که بارها گفته‌ام تا اطلاع ثانوی، ایران متولی ندارد. تنها ملت ایران می‌تواند از کشور خود دفاع کند و نمایندگان دروغین از قماش عراقی‌ها را از مصدر امور براند. 📺



سامان نداد، داعش در سراسر اروپا بمبگذاری می‌کرد؟ القاعده در افغانستان با گرفت سال‌ها قبل از آن‌که بشار اسدی در کار باشد. شاخه عراق القاعده به واسطه ناآرامی‌های سوریه بهانه یافت تا وحشیگریش را به سراسر جهان‌یان اثبات کند و گروه‌های رنگارنگ تروریستی را زایید. این زاییدن پیشتر رخ داده بود، صرف‌نظر از این که در سوریه چه کسی حاکم بود. این کدام فهم از تاریخ معاصر است که گروه‌های تکفیری را محدود به سوریه به دانست؟ آیا طباطبایی نمی‌داند گروه القاعده سال‌ها پیش از جنگ داخلی سوریه، حادثه ۱۱ سپتامبر را پدید آورد؟

تاریخ‌نویسی با نفقه مؤسسه‌ای در فرنگ

طباطبایی در ادامه می‌نویسد: «این گروه‌ها به‌طور عمده دشمنان داخلی سوریه و برخی کشورهای عربی‌اند، و نه دشمنانی در بیرون مرزهای یک کشور!» «عمده» و «برخی» یعنی چه؟ منظور از گروه‌ها هم شفاف نیست؛ نوشتن ژورنالیستی اگر هم ممکن باشد، در تفکر طباطبایی نمی‌تواند منظور گوینده را منتقل کند. تا این حد مبهم نمی‌نویسی نشان‌دهنده آن است که گوینده نمی‌داند درباره کجا و چه تفرقاتی صحبت می‌کند. طباطبایی در ادامه می‌نویسد: «در مورد ایران نیز من گمان می‌کنم امکان رسوخ چنین گروه‌هایی به داخل و ایجاد جبهه‌ای برای نبرد با حکومت مرکزی قابل تصور نیست، نیرویی که همسانی‌هایی با این گروه‌ها داشت، سازمان مجاهدین بود که رهبری آن تیشه به ریشه خود و سازمان تروریستی آن زد، زیرا پایگاهی در داخل نداشت و سرکردگان

پوست فیلم «تل‌ماسه»، به کارگردانی دنیس ویلنوو

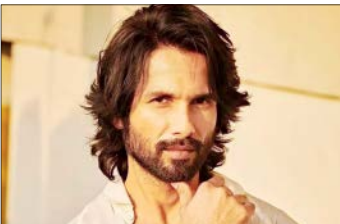
والگوی (صدایی از جهانی دیگر) و منطق معنایی آن سکناس بعدی هم نیایش زائران فرمن در فضایی تک‌م به لحاظ ظاهری، رنگ و بویی اسلامی نام‌صاحب الزمان، آنجاست که عده‌ای از فرمن‌ها، درباره لبلنی نام مهدی را بر زبان می‌آورند؛ «فکر می‌کنی می‌تونه جز این اشاره‌ها و نشانه‌های ظاهری که به هرحال برای بنین کندهایی را در آثار هالیوودی ندیده‌اند یا نمونه‌هایی زری دیده‌اند، جالب توجه و قابل تأمل و بررسی است، موعود در نظر بگیریم،» به لحاظ اخلاقی حتی الامکان و در می، مثبت و پاکیزه به نظر می‌رسد و سازندگان چون نام می‌کنند شان و منزلت این شخصیت را هم حفظ کنند. این فیلم از واکنش جهان اسلام مخصوصا شیعیان هم جهانی را علیه آنها ایجاد نکند.

و منجی، از قوم و نژادی دیگر برای رهایی اقوام بدوی (که بیت، با آنچه در واقعیت وجود دارد و با اعتقادات تاریخی اارت دیگر، براساس روایت سازندگان فیلم، منجی باید نجات انسان‌های بدوی برانگیخته شود. «تل‌ماسه» نولوژیک، به نظر جدا از اهالی سینما وقت آن رسیده تا

۱۲ فرهنگ سینمای جهان

مکت

«گاو خشمگین» متفاوت



شاهد کاپور در درام تاریخی «گاو خشمگین» بازی می‌کند. نام فیلم برخلاف شباهت به درام ورزشی کلاسیک مارتین اسکورسیزی هیچ ارتباطی به آن ندارد. البته در نسخه هندی هم ورزش یکی از پایه‌های اصلی داستان است. فیلمنامه این درام هیجانی براساس یک رخداد واقعی در دهه ۸۰ میلادی نوشته شده و آدیتیا نیمباتکار با کارگردانی آن، اولین تجربه‌اش در پشت دوربین را ارائه می‌کند. خط اصلی داستان فیلم فاش نشده، اما شاهد در آن در نقش یک چترباز ماهر ظاهر می‌شود که در حرفه آموزش چتربازی به جوانان علاقه‌مند فعال است. به‌زودی پای او و تعدادی از شاگردانش به یک ماجرای هیجان‌انگیز اکشن واقعی باز می‌شود و آنها باید میهن پرستی خودشان را به نمایش بگذارند. بوشان کومار، تهیه‌کننده سرشناس بالیوودی وظیفه تولید این درام تاریخی را به عهده دارد. کلید فیلمبرداری گاو خشمگین اوایل سال جدید میلادی در بمبئی زده می‌شود. احتمالاً اواخر همین سال، به عنوان زمان اکران عمومی آن اعلام خواهند شد./آیدیتودی

«نگهبانان کهکشان» جلوی دوربین



سومین قسمت «نگهبانان کهکشان» کلید خورد. کریس پرات بازیگر اصلی این مجموعه ابرقهرمانانه علمی - تخیلی، با اعلام این خبر گفت که او و همکارانش حدود ۴۵ روز سر صحنه فیلمبرداری خواهند بود. جیمز گان کارگردانی این اکشن کمیک‌استریپی را به عهده دارد و آن را برای تابستان سال ۲۰۲۳ آماده می‌کند. اطلاعی از خط اصلی داستان قسمت تازه در دست نیست اما می‌توان حدس در پیتر کوئیل (پرات) با کمک دوستانش راهی نبردی سخت و سرنوشت‌ساز با موجوداتی می‌رونده‌که صلح و امنیت بین سیاره‌ای را تهدید می‌کنند. کارن گیلان، دیو باتیستا، زونی سالدا نا جمله بازیگران فیلم هستند. برادلی کوپر، سیلوستر استالونه و وین دیزل هم صدایشان را یک بار دیگری سه شخصیت فضایی و غیرانسانی داستان قرض می‌دهند. قسمت سوم با هزینه‌ای حدود ۱۴۰ میلیون دلار وارد مرحله تولید شده‌است. دو قسمت قبلی این مجموعه پرطرفدار بیش از یک و نیم میلیارد دلار در سراسر دنیا فروش داشته‌اند./مویوز

داستان تازه گاسلینگ

رایان گاسلینگ به مارگو رابی می‌پیوندد تا درام «باربی» امکان تولید را پیدا کند. کمپانی برادران وارنر تهیه‌کننده فیلم از حدود دو سال قبل به دنبال تولید آن بوده‌است. خط اصلی داستان فیلم درارتباط با عروسک معروفی است که در سراسر جهان با فروش بالایی روبه‌رو شده و حالا قرار است جنبه‌هایی تازه از زندگی او در معرض دید تماشاگران سینما قرار گیرد. ظاهرا تهیه‌کنندگان فیلم منتظرند گاسلینگ از بازی در فیلم دیگرش فارغ شده و بتواند جلوی دوربین فیلم آنها قرار بگیرد. گرتا گروویگ باربی را براساس فیلمنامه‌ای از خودش کارگردانی می‌کند و کسی اطلاعی از چندوچون داستان آن ندارد. نزدیکان فیلمساز می‌گویند او نگاهی انتقادی به وضعیت زندگی این عروسک دارد. این خانم فیلمساز قبل از این کارهای موفقی چون «داستان ازدواج» و «زنان کوچک» را کارگردانی کرده‌است. زمانی برای شروع کار فیلمبرداری و اکران عمومی باربی اعلام نشده‌است. گاسلینگ هم‌اکنون جلوی دوربین «مرد قهوه‌ای» در کنار کریس آیوانز است. این فیلم سال ۲۰۲۲ از طریق نتفلیکس پخش استریم می‌شود./دلاین

موری در اکشن ابرقهرمانانه

بیل موری که بیشتر بازیگر درام‌ها و کمدی‌های اجتماعی بوده در قسمت تازه اکشن کمیک استریپی «آنت من / مرد مورچه‌ای» نقش مهمی به عهده دارد. او با ورود به دنیای ابرقهرمانانه شرکت مارول در «آنت من و زنبور، کوانتومانیا» در مقابل پل رید، ایفای نقش می‌کند. کسی اطلاعی از نقش او



مایکل مه‌یرز در قسمت تازه «هالووین» باز هم دست به قتل و کشتار می‌زند



«هالووین می‌کشد» به گونه ترس و وحشت رنگ و بوداد

چاقوکشی زیر نقاب طلایی

برای صنعت سینما و گونه‌ترس و دلهره، چه چیزی بهتر از جشن ترسناک هالووین؟ این مراسم سالانه تمام چیزهایی را که یک فیلم ترسناک می‌خواهد در خودش دارد و می‌تواند نزدیک به دو ساعت تماشاگران را در سالن تار یک سینما هیجان زده کرده و بترساند. بی‌دلیل نیست که مجموعه فیلم «هالووین» این روزها به صورت یک کالت کلاسیک درآمده و برای خودش تبدیل به یک گونه سینمایی در دل گونه‌ترس و وحشت شده است. البته زمانی که صحبت از این مجموعه پرفروش و پرسرودصای سینمایی می‌شود، نمی‌توان دو نام را فراموش کرد: لوری استرارد و مایک مه یرز. در حقیقت، این دو نام ارزش و اعتباری همسنگ نام خود هالووین پیدا کرده‌اند و در همه جابه مجرد آن‌که نام هالووین می‌آید، تمام اذهان ناخودآگاه به سمت دو شخصیت لوری زجرکشیده و دردمند و مایک چاقوکش نقاب پوش نیمه روانی می‌رود. در چنین اوضاع و احوالی کاملاً طبیعی است که صنعت سینما دست از سر این دو شخصیت و ماجراجویی‌هایشان در ایام جشن و مراسم هالووین برندارد و هر چند وقت یک‌بار یا یک چاقوکشی پرسرودصا، هم‌چان تعدادی قربانی بی‌گناه را بگیرد و هم باعث سرگرم شدن تماشاگران و مردم می‌شود که دوست دارند ترس‌ناکه شوند و باصدای بلند در سالن تار یک چیغ‌های نقش‌بکشند.



کیکاووس زبازی سینمای جهان

«هالووین می‌کشد» تازه‌ترین قسمت مجموعه دلهره آور و ترسناک فیلم هالووین است که دیوید گوردون گرین آن را براساس فیلمنامه مشترکی با دنی مک براید، کارگردانی کرده است. به گفته سازندگانش این فیلم ادامه مستقیمی بر فیلمی است که سال ۲۰۱۸ ساخته شد. البته هالووین می‌کشد دوازدهمین فیلم از این مجموعه پرفروش و پرطرفدار است که رنگ پرده را می‌بیند. جیمی لی کرتیس که حالا تبدیل به بخشی جدایی‌ناپذیر از هالووین‌ها شده، دوباره در قالب شخصیت لوری استرارد قرار می‌گیرد. او از دوران جوانی تا به حال، هر چند وقت یک‌بار این نقش را جلوی دوربین بازی کرده و می‌توان گفت با آن پیر شده است. جیمز جاد کارتنی هم وضعیتی شبیه او دارد و طی

در داستان این اکشن ابرقهرمانانه ندارد و خودش هم با آن‌که در گفت و گو با نشریه‌ای آلمانی خبر حضورش را در فیلم داده، حاضر به صحبت درباره آن نشده‌است.

پاسخ او چنین بود: «نقش خوبی است و از همکاری با مارول راضی‌ام اما بگذارید

سال‌های گذشته در نقش مایکل مه یرز هم دست به یک قصابی بی‌حد و نصاب زده و هم پدر لوری را در همه اشکال آن درآورده است. بازیگران جدید و قدیمی که نقش‌های مکمل فیلم را به عهده گرفته‌اند، ظاهرا اهمیت چندانی ندارند. هر چه باشد، هالووین‌ها فیلم لوری و مه یرز است و اصل مطلب رویارویی همیشگی این دو با یکدیگر است.

خانه‌ای که آتش می‌گیرد

شروع داستان هالووین می‌کشد، از همان جایی است که داستان فیلم سال ۲۰۱۸ تمام شد. هنوز هم لوری و خانواده‌اش (دختر و نوه‌اش) به دنبال از بین بردن مایکل هستند و لوری احساس می‌کند با زنده بودن مایکل، ماموریتی ناتمام را نیمه‌کاره رها کرده است. لوری با کمک دخترش کارن (جودی گریر) و نوه‌اش اکیسون (اندی ماتیچاک)، مایکل را در زیرزمین خانه‌اش گیر می‌اندازد و با آتش زدن خانه، تلاش می‌کند او را از بین ببرد. در حالی که بدن زخمی لوری به بیمارستان برده می‌شود، مأموران آتش نشانی به منزل او رسیده و آتش را خاموش می‌کنند. مایکل که توانسته زنده بماند، بعد از قصابی گروه آتش نشانان راهی شهر می‌شود تا جشن هالووین اهالی را به خون بکشد. در حالی که او قربانیان نگوین بخت خود را از بین می‌برد، لوری به گروهی از داوطلبان شهر می‌پیوندد که قصد جان مایکل را دارند. گرچه در پایان ماجرا آنها فکر می‌کنند مایکل را به قتل رسانده‌اند اما صحنه جنایت حکایت از چیز دیگری می‌کند.

فاصله ۴۰ ساله تولید

نسخه احیا شده هالووین که سال ۲۰۱۸ با استقبال طرفداران گونه ترس و چاقوکشی روبه‌رو شد، در چهلمین سال تولید نسخه اصلی (موصول ۱۹۷۸ که توسط جان کارپنتر کارگردانی شد و او همیشه عقیده داشت داستان این فیلم تمام مسائل و نکات را درباره دو شخصیت محوری خود گفته و بنابراین نیازی به تولید قسمت‌های بعدی آن نیست) اکران

فیلم به نمایش عمومی درآید و خود تماشاگران ببینند همکاری من با آن چگونه بوده است. « تازه ترین قسمت آنت من برای نمایش عمومی در ۲۸ جولای ۲۰۲۳ آماده می‌شود و مایکل داگلاس، لیلی کاترین نیوتن و جاناناتن مه یرز هم در آن بازی دارند./کولیر

عمومی شد. حالا هالووین می‌کشد هم درست ۴۰ سال بعد از دومین قسمت این مجموعه فیلم در سال ۱۹۸۱ روی پرده می‌رود. جالب این‌که سازندگان فیلم قصد دارند قسمت بعدی نسخه احیا شده و جدید فیلم را ـ که با نام «هالووین تمام می‌شود» در سال ۲۰۲۲ روی پرده می‌رود ـ در چهلمین سال نمایش عمومی هالووین ۳ اکران کنند.

۲ قسمتی به جای یک قسمتی

جیسون بلوم، تهیه‌کننده فیلم قبل از اکران نسخه احیا شده سال ۲۰۱۸ گفته بود به‌دنبال ساخت فیلمی دو قسمتی است که با پشت سرهم فیلمبرداری شوند اما کمی بعد از این تفکر انصراف و ترجیح داد منتظر نوع واکنش تماشاگران نسبت به نسخه دوباره سازی شده فیلمش بنشیند. بعد از نقدهای مثبت منتقدان و فروش بالای این نسخه که (با هزینه تولید ۱۰ میلیون دلاری در سطح جهانی موفق به فروشی ۲۵۶ میلیون دلاری شد) بلافاصله کار پیش تولید قسمت بعدی شروع ، فیلمنامه قسمت تازه دوباره‌نویسی شد و کلید فیلمبرداری آن رسماً در سپتامبر ۲۰۱۹ زده شد. هالووین می‌کشد، قرار بود یک سال قبل اکران عمومی شود اما کووید ـ ۱۹ نمایش آن را مثل بسیاری از کارهای پرسرودصای دیگر هالیوودی برای مدتی طولانی به تعویق انداخت. استقبال منتقدان از فیلم در حد نسخه سال ۲۰۱۸ بود. قسمت بعدی فیلم هالووین تمام می‌شود، قرار بود بلافاصله بعد از شب هالووین داستان هالووین می‌کشد اتفاق بیفتد اما حالا شنیده می‌شود این داستان چهار سال بعد از پایان داستان قسمت دوم رخ خواهد داد. در عین حال قرار است بیماری کرونا و شیوع آن هم نقش مهمی در این داستان داشته بشد. معلوم است سازندگان فیلم سخت تلاش دارند داستان‌شان را با فرهنگ روز و اتفاقات معاصر همراه و هماهنگ کنند. ظاهراً در قسمت بعدی این مجموعه فیلم در کنار قاتل نقاب پوش چاقوکش باید منتظر قاتل غایب از نظری بود که مردم آن را با نام کرونا می‌شناسند. /

قرارداد پرمنفعت هندی

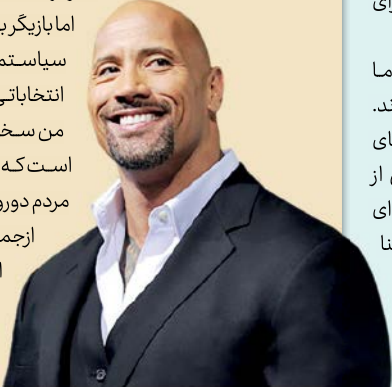


شرکت قدیمی و معتبر فیلمسازی یاش راج فیلمز هند، یک قرارداد پرسرودصای سینمایی با شبکه آمازون امضا کرد. براساس این قرارداد، حداقل چهار بلاک باستر این شرکت فیلمسازی بعد از پایان اکران عمومی‌شان در سینماهای هند، از طریق این شبکه پخش اینترنتی خواهند داشت. این فیلم‌های پرسرودصا که امید بسیار زیادی به موفقیت کلانشان در جدول گیشه نمایش سینماهای هند می‌رود، قسمت دوم «پوتنی و بابلی»، درام تاریخی و پرخرج «شمشیرا» با بازی رانویر سینگ و سانجی دات، اکشن تاریخی «پرتویراج» با بازی آجی دیوگان و «جایش بهای جوردار» با بازی رانویر سینگ هستند. طبق قرارداد یاش راج فیلمز با آمازون، این فیلم‌ها بین چهارتا شش هفته بعد از نمایش عمومی در سینماهای هند، سر از پخش اینترنتی این شبکه تلویزیونی درمی‌آورند. نزدیکان به‌طرف هندی می‌گویند مدیران آمازون مبلغی بالای ۲۰۰گرو (حدود ۲۲ میلیون دلار) به مدیران یاش راج فیلمز پرداخت کرده‌اند تا امتیاز پخش اینترنتی این چهار فیلم را دریافت کنند. درعین حال قرار است بعد از پخش اینترنتی این فیلم‌ها و با توجه به میزان و نوع استقبال تماشاگران از آنها، درصدی هم به یاش راج فیلمز داده شود. اولین فیلم از این مجموعه، چهارتایی پوتنی و بابلی ۹ است که ۹ ا نوامبر (۲۸ آبان) به نمایش عمومی درمی‌آید. سیف‌علی‌خان و رانی موکرجی، بازیگران فیلم هستند. / بالیوود هنگاما

واکنش راک به پیشنهاد نامزدی

ریاست جمهوری

دواین جانسن در رابطه با موضوع نامزد شدن برای پست ریاست جمهوری آمریکا در دور بعدی انتخابات این کشور، واکنش نشان داده است. این واکنش بعدازآن صورت می‌گیرد که برخی رسانه‌های هنری نوشتند او گزینه بسیار خوب و مناسبی برای نشستن روی کرسی ریاست جمهوری آمریکا در دوره آینده است اما از قرار معلوم، خود بازیگر چنین نظری ندارد. او گفت: «قبول دارم که در بعضی مسائل توانایی ریاست را دارم اما داشتن این توانایی‌ها به معنی آن نیست که بتوانم رئیس جمهور خوبی هم برای یک کشور بزرگ باشم. مهم‌ترین نکته این است که من القای سیاست را به‌خوبی نمی‌دانم و نمی‌توانم از بسیاری مسائل آن سردرپی‌آورم.» صحبت‌های اخیر قهرمان سابق دنیای ورزش و کشتی کج در حالی است که خود او مدتی قبل اعلام کرده بود اگر عموم مردم از او درخواست کنند پست ریاست جمهوری را قبول کند، او به این درخواست پاسخ مثبت خواهد داد. رسانه‌ها و اهل فن می‌پرسند چه شده که قهرمان کنونی گونه اکشن ناگهان این چنین تغییر موضع داده و نظری ۱۸۰ درجه مخالف نظر و دیدگاه قبلی خود ارائه می‌کند. نشریه ونیتی فیر که با راک صحبت کرده، از اری ۴۶ درصدی آمریکایی‌هایی حرف می‌زند که اعلام کرده‌اند اگر راک، نامزد ریاست جمهوری شود به او رأی می‌دهند اما بازیگر به‌صراحت به این نشریه گفت: «من سیاستمدار نیستم، پس برابم رقابت‌های انتخاباتی نمی‌تواند جالب و جذاب باشد. من سخت کار و تلاش می‌کنم و تصور این است که باید از خانواده‌ام مراقبت کنم و با مردم دوروبرم مهربان و متواضع باشم.» راک ازجمله بازیگران بسیار پربازگانه اکشن است که درحال حاضر حدود ۵ فیلم را در حال بازی و آماده نمایش عمومی دارد./ونیتی فیر



همکاری استریپ با اپل تی وی



مریل استریپ که بیشترین تعداد نامزدی دریافت جایزه اسکار بهترین بازیگر زن را دارد و هنوز در محصولات سینمایی نقش اول را می‌گیرد در مجموعه اینترنتی تازه اپل تی وی بازی می‌کند. با آن‌که این درام اجتماعی ۸ اپیزودی داستان‌هایی مستقل دارد اما باهمم استریپ ستاره اصلی آن خواهد بود. تهیه‌کنندگان مجموعه که زمانی برای شروع کار فیلمبرداری آن تعیین نکرده‌اند، هنوز نامی هم برایش انتخاب نکرده‌اند. با وجود این، اطلاعاتی درباره داستان آن منتشرشده است. در خط کلی داستان مجموعه، نشان داده می‌شود عشق و دوستی، محبت و همراهی چگونه می‌تواند در زندگی روزمره آدم‌ها تأثیر داشته و دنیا را به مکانی بهتر برای ادامه حیات و زندگی تبدیل کند. هر قسمت مجموعه، داستانی مستقل با بازیگرانی مستقل دارد اما این داستان‌ها در کل به یکدیگر گره می‌خورند و در هم تنیده می‌شوند. به‌این‌ترتیب هر داستانی با بخش‌هایی از داستان‌ها و شخصیت‌های اپیزودهای دیگر در ارتباط قرار می‌گیرد. اسکات زی برنز، یکی از تهیه‌کنندگان مجموعه است که تمام اپیزودها را براساس فیلمنامه‌ای از خودش کارگردانی هم خواهد کرد. به‌جز استریپ، بازیگرانی چون سینا میلر، کیت هارینگتن، دیوید شویرم، طاهر رحیم، جما خان، متیو رایس و آدارش گاراو هم در این درام پر تنش اجتماعی و خانوادگی حضور دارند. / هالیوود ریپورتر

رکوردشکنی پساکرونایی «گزارش فرانسوی»

هفته در گیشه، گزارش فرانسوی به طور متوسط در هر سینما ۲۵ هزار بلیت فروخت که یک رکورد پساکرونایی جدید محسوب می‌شود. این رکورد پیشتر در اختیار دو فیلم ابرقهرمانی ونوم ۲ و بیوه سیاه بود که به ترتیب به‌طور متوسط در هر سینما ۲۱ هزار و ۳۰۰ و ۱۹ هزار و ۴۰۰ بلیت فروخته بودند.

فیلم جدید وس اندرسون که نقدهای مثبتی دریافت کرده از جمعه تاشنبه (۳۰ مهر تا اول آبان) یک میلیون و ۲۰۰ هزار دلار فروش کرد و در جایگاه نهم پرفروش‌ترین فیلم‌های این آخر هفته گیشه آمریکای شمالی قرار گرفت. گزارش فرانسوی با بازی بیل موری، تیموتی شالامه، فرانسیس مک دورمند، بنیسیو دل تورو، تیلدا



در گذشته ابتدا آنها در چهار سینما واقع در لس‌آنجلس و نیویورک روی پرده می‌رفتند تا پس از سرورصدا کردن و جذب تماشاگر در سینماهای سراسر آمریکا اکران شوند. گزارش فرانسوی آخر هفته آینده در بیش از ۶۰۰ سینما در ۶۰ بازار سینمایی روی پرده می‌رود و تا اوایل نوامبر (اواسط آبان ۱۴۰۰) اکرانی گسترده‌تر تجربه خواهدکرد.



الهیة سیدالاحسینی و خواستگاری که
برای خرید خانه آمده بود

دفترچه خانم عامل

۱۳



حامد عسکری از پادرمیانی
امام رضا(ع) در خواستگاری می گوید

عاشقی روی پل

۱۴



احمد رضا رضایی می گوید آدم باید
در خواستگاری آدم باشد

یک گفت وگویی

بدون تاکتیک

۱۵



زینب رجایی از رسومات عجیب
خواستگاری در دنیا می گوید

امر خیر ما

ویل یومری می آنها

۱۶

پنجشنبه ۶ آبان ۱۴۰۰ ■ شماره ۶۰۶۴

۱۳

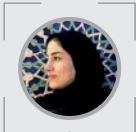
هفتک جام جم

ویژه نامه آخر هفته روزنامه جام جم ■ شماره ۲۶ ■ ۴ صفحه

«هفتک جام جم» چهار صفحه ویژه از روزنامه جام جم است. جایی که قرار است هر آخر هفته دور هم بنشینیم و راجع به موضوعی که در زندگی روزمره درگیر آن هستیم و کمتر به آن فکر می کنیم، صحبت کنیم. آخر هفته ها با «هفتک جام جم» همراه باشید. موضوع این شماره: «خواستگاری»

در این شماره از هفتک جام جم جهت امر خیر مزاحم تان شده ایم

برویم سرا اصل مطلب!



الهیة سیدالاحسینی
نویسنده ای که وسط
خواستگاری فهمید
خواستگارش برای
خرید خانه آمده است

هوپایما بلند شد و من بعد از توصیه های مهماندار و خوش و بیش کاپیتان، خودم را برای ۷ ساعت و ۵۰ دقیقه پرواز بدون توقف آماده کردم. دفترچه یادداشتم دستم بود و متنی که قرار بود در همایش به زبان انگلیسی ارائه بدهم را توی گوشم، روی تکرار روشن کرده بودم. يك ربع از پرواز گذشته بود یا نه که خانم و آقای بغل دستی ام، تارمق داشتند پیچ کنان روی مخم شیارهای عمیق کشیدند! دو سه بار متن را از اول گوش کردم، ولی فایده ای نکرد. برگشتم سمت شان که با نمایش چشم و ابرو ساکت شان کنم ولی لال شدم. اصلا کاش برنمی گشتم طرفشان. کاش دفترچه سبز رنگ توی دست خانم خودش را توی چشمانم فرو نمی کرد! آقای يك صندلی آن ورتر، خواستگار سال های قبل من احسان عامل بود.

تیم حریف

توی يك ماه، چهارمین بار بود که با احسان بیرون رفته بودم. قرار شام گذاشته بودیم. بین مسیر پیاده روی مان، درست قبل از آن ساندویچ فروشی که هر وقت بهش فکر می کردم آب دهانم راه می افتاد، احسان گفت: « بیا به کم بشینیم!» و ما روی نیمکت فلزی رنگ و رو رفته ای نشستیم. قند توی دلم آب می شد. از شوق تند تند مثل شیشه پاك كن های ماشین، مژه به هم می کویدیم. احسان دانشگاه تهران لیسانس گرفته بود و حالا دانشگاه خودمان درسش را ادامه می داد و استاد حل تمرین مان بود و سرش به تنش می ارزید. قشنگ مرد خانواده بود. خود خود آقای هاشمی توی تعلیمات اجتماعی! سبیل باریکی داشت. پیراهن و شلوار پارچه ای می پوشید و همیشه کیف دستی چرمی همراهش بود. رویه رویش نشسته بودم و خودم را تصور می کردم که مثل خانم هاشمی، لبخند به لب پای سماور دارم چای می ریزم و او نشسته است و روزنامه می خواند.

غوطه ور و مژه کوب در رویای خودم بودم که احسان گفت: «البته ظاهرش سختگیره! یعنی سختگیر هم نه، فقط کارها رو به مدل خودش انجام می ده...» به خودم آمدم که بیشتر حرف های احسان را نشنیده ام، پرسیدم: «وکی؟!»

جواب داد: «مادرم!»

عکس مادرش را دیده بودم. خانم مهربانی به نظر می آمد اما دلشوره گرفته. انگار تمام رخت های يك پادگان سرباز به اضافه پتوپهايشان را در دلم چنگ می زدند. احسان با تعریف از دفترچه خانم عامل و سوال های عجیب ولی مهم اش، در گلویم گرهی انداخت که با خوردن چیزبرگر مورد علاقه ام هم باز نشد!

تیم ما

رسیدم خانه، مادر گفت: « حرف حسابش چی بود؟ پس کی میان خواستگاری؟! پدر هم همان طور که از شبکه های

سوالات خواستگاری را به طور مرتب تنظیم کنید، ولی نه تا این حد!

دفترچه خانم عامل

لب هایم را از هم دور کردم و لبخند کج و کوله ای روی صورتم نشاندم و خوش آمد گفتم. خانواده احسان توی زمین جاگیری کردند. ما هم مستقر شدیم. من احساس بازیکنی را داشتم که نمی دانستم نقشه چیست و به دهان و حرکت دست های مربی و کمک ها چشم دوخته بودم. حرکت اول را مادر زد. رفت توی آشپزخانه و از مرضیه خواست برای آماده کردن چای همراهی اش کند.

دل توی دلم نبود. دایی جان برای باز شدن پخ آدم ها صحنه را به دست گرفته بود و با پدر احسان سرخط خبرهای نه چهارشنبه که همه هفته را مرور کرد. از قیمت دلار و سکه گفتند تا مرغ و روغن سرخ کردند. مادر از آشپزخانه برگشت و رویه روی خانم عامل نشست. چند لحظه بعد مرضیه با سینی چای وارد شد و از مهمان ها پذیرایی کرد. سکوت همه جا را پوشانده بود که مادر احسان خم شد و کپشش را از کنار میل برداشت. دست کرد توی کیفش و دفترچه سبز رنگ کوچکی را درآورد. بند دلم برای بار نمی دلم چندم پاره شد. گفت وگویی دایی جان و پدرها به ليگ فوتبال اروپا رسیده بود. مرضیه و خواهر احسان درباره کنکور ارشد صحبت می کردند. مادر هر از گاهی وظیفه میزبانی اش را انجام می داد و از مهمان ها با شیرینی و میوه پذیرایی می کرد. چشم های خانم عامل دور تا دور زمین بازی می چرخید و حواسش به همه جا بود. احسان به گمانم آن شب تمام گل های قالی را شمرد. خیلی در نقش داماد غرق شده بود. و من که وسط آن زمین پر سر و صدا و حرکت، انگار بازیکن ذخیره ای بودم که دل توی دلم نبود تا وارد بازی شوم و به آنچه حقم هست، برسم.

راز دفترچه

خانم عامل دفترچه اش را باز کرد. خطاب به دایی جان و پدرها گفت: «خب آقایون فکر می کنم بحث راجع به اخبار و ورزش جاش اینجا نیست. یادتون رفته ما برای چی مزاحم شدیم!» آه که چقدر آن لحظه را دوست داشتم. یکی توی جمع یادش بود که چرا من امروز دانشگاه نرفته ام و چرا این همه خانه را ساییده ایم. همه رو به خانم عامل در سکوت منتظر ادامه حرف هایش بودند. حس خوب از مغزم به دست و پاهایم نرسیده بود که مادر احسان دفترچه اش را باز کرد. خودکار لای دفترچه را در دست گرفت. هول و هراس به جانم افتاد. مادر احسان گفت: «اون روز فرموده بودین فرش های منزل دستبافه، ولی...» جمله اش تمام نشده

بود که من خاك بر سر شدم! همزمان مادر، پدر، دایی و من به هم چشم دوختم. تازه دو زاری ام جا افتاد که چرا پدر توی این چند روز مرا با سوال های عجیب گیج می کرد. وسط آن بازی، بلد ماجرا خانم عامل بود که با لبخند یخی گوشه لبش و با خودکاری که در دستش به مشعل المپیک می ماند و قرار بود خیلی چیزها را روشن کند، ادامه داد « البته کوچه تون هم ۴ متری نیست و ما که برای جای پارك خیلی معطل شدیم!» چیزی توی دفترچه نوشت. رگ های سرم به اندازه لبخند تلخ پدر و فشار بالای مادر که می خواست از چشم هایش بیرون بزند، کش آمد.

پدر و خواهر احسان با تکان های منطقی سرشان حرف های خانم عامل، آب دهانش را قورت داد ولی بازی را دست گرفت قالی را حاضر و غایب می کرد. اشك هایم شروع کردند کورمال کورمال از چشم هایم سر خوردن. پدر تشری زد و گفت: « خیلی بی مبالا هستین خانم!» من ساکت بودم. دست هایم می لرزید.

حتی دایی که سه تا دختر عروس کرده بود هم مبهوت دفترچه خانم عامل، آب دهانش را قورت داد ولی بازی را دست گرفت و گفت: « ببخشید قرار بوده سرکار علیه خونه رو بخرین؟!» گوش هایم آژیر می کشید. چیزی نمی شنیدم. دایی جان هم نمی دانست برای يك دختر بیست و یکی دو ساله جویای نام وسط آن میدان نبرد چه فرمانی صادر کرده است! سوال های عجیب و مشتمل کننده خانم عامل فاش شده بود و من اهمیت و اعتباری که احسان برایش قائل بود را نمی فهمیدم. جاخورده بودم اما بکهو قهقهه زدم. خیلی بلند!

حلال زاده ای بودم که به دایی اش رفته است. دل آشوب نبودم. باورم نمی شد آن احسان عامل که ساعت ها وسط حیاط دانشکده با هم درباره نظام کمونیستی و بیداری اسلامی و مفهوم خانواده در جوامع گذار صحبت می کردیم. من احسان گوش به فرمان دفترچه باشد که خیره به گل های قالی خشک شده است.

احسانی که می شناختم حالا غریبه ترین آدم جمع شده بود و من دلیلی برای رعایت آداب انسانی برايم نمانده بود. ترس و شرمم غیبش زده بود. بعدها مرضیه می گفت چشم هایم آنقدر درشت شده بود که او هر لحظه احساس می کرده است از وسط صورت پرت خواهد شد سمت سر و روی خانم عامل! بلند شدم، به سمت درخروجی رفتم و گفتم: «دایی جان با اجازه شما حتی اگر ایشون هم قصد خرید خونه رو داشته باشن، ما فروشنده نیستیم!»

❖ ❖ ❖

سه ساعتی از پرواز گذشته بود. مهماندار برای ناهار سفارش غذا می گرفت. تا خانم عامل و پسرش سر انتخاب غذا به توافق برسند من سفارشم را دادم و متن ارائه همایش را دوباره از اول توی گوشم روشن کردم و يك گوشه دفترچه یادداشتم برای خیلی سال ها گفت: «اون روز فرموده عیرتی گیر از زمانه ای جوان...»

خواستگاری از دختر فراموش‌کار

تلویزیون ژاپن اخیرا ماجرای عاشقی را پخش کرد که برای تمام مردم این کشور ستودنی بود و واکنش‌های پرمحبتی را دریافت کرد. داستان عاشقی پسر جوانی به نام لی هیوآن به دختر ۲۴ساله‌ای به نام مارو یاما که از نوعی فراموشی خاص رنج می‌برد و حافظه کوتاه‌مدت او نرمال نیست. لی هیوآن ۹ماه یعنی ۲۷۰روز است که هر روز صبح مثل تمام روزهای قبل سعی در عاشقی‌کردن دختر موردعلاقه‌اش دارد و هر روز از او خواستگاری می‌کند/ خبرتلاین



علیرضا زافانی

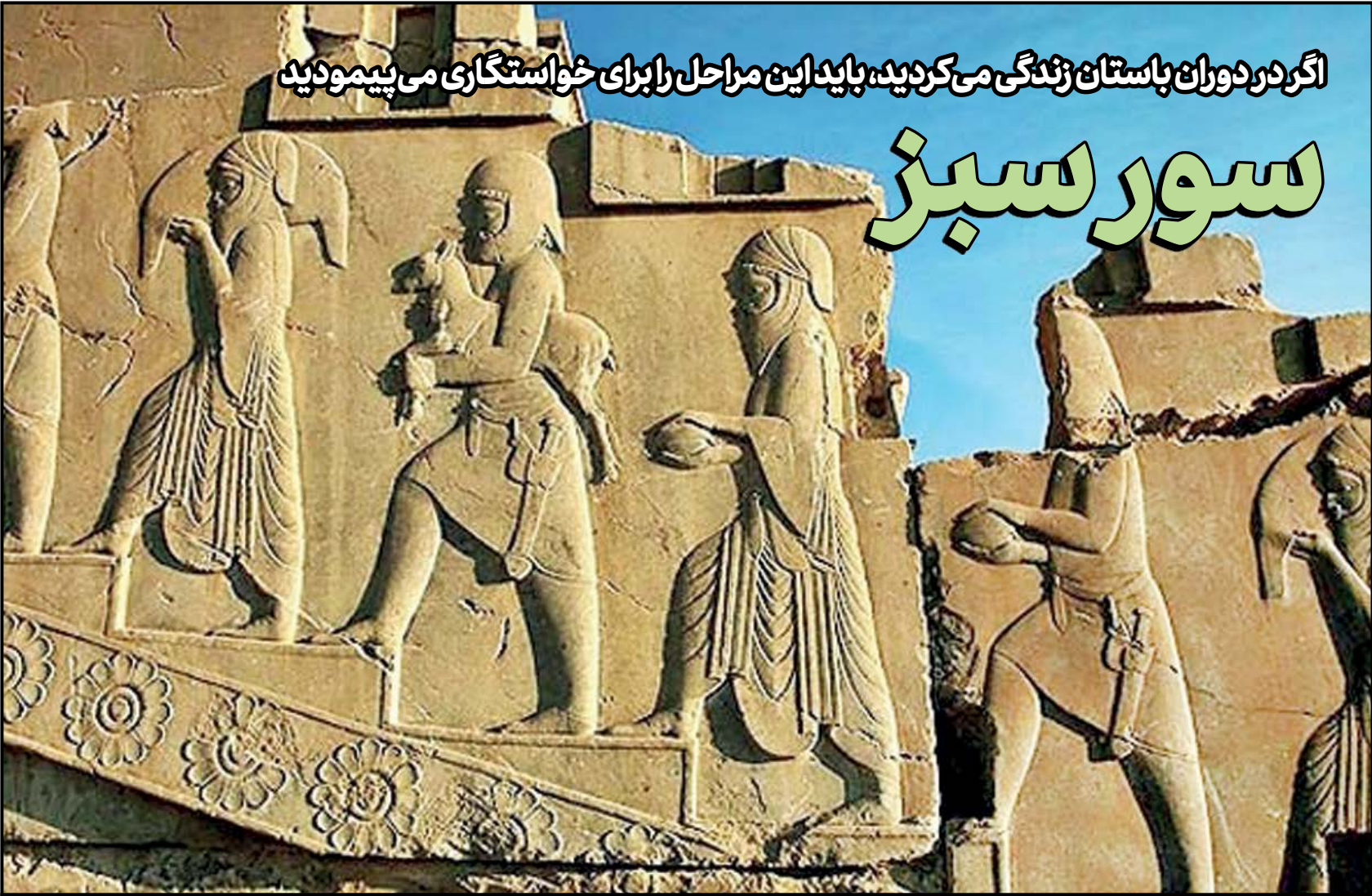
روزنامه‌نگاری که از آن آدم‌هایی است که شبکه ۴ نگاه می‌کنند

همه پدرزن‌هایک مدیر منابع انسانی درون دارند

جلسه نفسگیر گزینش

اگر در دوران باستان زندگی می‌کردید، باید این مراحل را برای خواستگاری می‌پیمودید

سورسبز



از آنچه‌که در دوران باستان دورین اختراع شده بود، این زن‌بزرگ‌ترین مگس به‌عطلب‌است!

قبیل کیف، کفش، پارچه و سکه طلا به دختر می‌داد، دادن این هدایا همراه مراسم ویژه‌ای بوده است. در جلوی همه این هدایا دو لاله که داخل هرکدام یک شمع روشن قرار داشته همراه آیین، گلاب‌پاش، یک‌کله قند و نقل با خود می‌بردند و پس از پیش‌کش کردن این هدایا از سوی پسر به دختر، آنان انگشتر نامزدی را در دست همدیگر می‌کردند.

چند روز پس از نامزدی، خویشان دختر نیز با دو لاله روشن و نقل و کله‌قند سبزه‌پوش، گل، پارچه و هدایای دیگر به خانه پسر می‌رفتند و آنها را به خانواده پسر هدیه می‌کردند. در این دیدار، دختر همراه پدر و مادر و خویشان خود نمی‌رفت.

پسر نیز می‌توانست بعد از انجام مراسم نامزدی به خانه دختر رفت‌وآمد کند. پس از مدتی که به آمادگی دو خانواده بستگی داشت، روز عروسی را که باید روزی نیک و مبارک باشد، انتخاب می‌کردند.

این فرآیند طولانی و پیچیده خواستگاری و ازدواج در دوران باستان که مشخص نیست دقیق از کی و کجا شروع‌شده با گذر زمان، مدام در حال پوست‌اندازی و تغییر است و این تغییر را نمی‌توان مطلقا خوب یا بد دانست اما چیزی که مشخص است این‌که محدودیت‌های هر دوره تاریخی، چیزی از این مراسم طولانی کم کرده تا جایی که امروزه در بسیاری از خانواده‌ها تمام این مراسم در یک جلسه خودمانی خلاصه می‌شود.

هنگامی‌که بهرام گور، پادشاه معروف ساسانی از دختران یک مرد روستایی ساده درخواست ازدواج می‌کند، روستایی پاسخ را به دختران خود وامی‌گذارد...!

در شاهنامه زنان دلاور و خردمندی چون کتابون و تهمینه، همسر خویش را انتخاب کرده و برای یافتنش همه مرزهای سیاسی و طبقاتی را زیر پا می‌گذارند.

خواستگاری زرتشتیان به این روش بود که مادر و خواهر پسر در صورت تمایل خانواده دختر با چند نفر از بستگان نزدیک برای خواستگاری دختر می‌رفتند.

در بیشتر مواقع خانواده پسر نامه‌ای که درباره خواستگاری از سوی پسر به پدر دختر نوشته‌شده همراه خود می‌برند. این نامه را بیشتر برای شگون، روی کاغذ سبزرنگ و در پاکتی سبز می‌گذاشتند و با یک دستمال سبز و یک‌کله قند همراه مقداری سنجد و آویشن به منزل دختر می‌بردند. در آن دوران رنگ سبز، مبارک بوده و در سرورها بسیار از این رنگ استفاده می‌شده است. سپس جواب نامه چند روز پس از آن از سوی خانواده دختر با همان روش به سرای پسر برده می‌شد. در این نامه پدر دختر، موافقت خود را بیان می‌کرد و به دنبال آن نامزدی آغاز می‌شد.

در روز نامزدی پسر همراه خانواده خود به خانه دختر می‌رفت و با خود انگشتر نامزدی و هدایایی از

بود، حفظ مال و طلب نسل و نه داعیه شهوت و زن صالح، شریک مرد بود در مال و قیم او در کدخدایی و تدبیر منزل و نایب او در وقت غیبت. تعدد زوجات در مرد پارتی، متداول بود ولیکن بیش از یک زن عقدی نمی‌توانست داشته باشد.

تعداد زنان غیرعقدی در میان آنها و به‌خصوص در خانواده سلطنتی از زمانی متداول شده بود که به ثروت رسیده بودند، زیرا زندگانی صحرانگیزی مانع داشتن زن‌های متعدد بود. شاهان اشکانی، زن عقدی خود را از شاهزاده خانم‌ها یا لاقل از میان زنان پارتی انتخاب می‌کردند. طلاق اصلا جایز نبود.»

در روز زمان قدیم به نظر ایرانیان، ازدواج نتیجه تراضی زن و مرد بود و این ازدواج در آن واحد معنی مذهبی و اجتماعی داشت. زندگی زناشویی و خانواده از لحاظ اجتماعی نیز از اهمیت والایی برخوردار بود تا آنجا که در زمان ساسانیان، شاهنشاهان به‌عنوان نمایندگان راستین اهورامزدا در روی زمین از ازدواج مردم حمایت می‌کردند.

در گذشته ایرانیان باستان به جشن عروسی، سور می‌گفتند. عروس لباس سبز می‌پوشیده و تور یا پارچه‌ای سبزرنگ روی سرمی انداخته، داماد نیز عرقچین سبز بر سر و روی شانه راست او جادربش یا دستمال سبز انداخته می‌شده است. در پشت سر داماد، برادر یا یکی از بستگان بسیار نزدیک او می‌ایستاده و در دست (یا در سینی کوچک) یک دستمال سبز، یک انار شیرین، یک تخم‌مرغ، یک قیچی و کمی نقل و شیرینی و آویشن همراه نخ و سوزن سبز را بالای سر داماد نگه می‌داشته یا در داخل سفره‌ای به نام سفره گواه (سفره عقد) قرار می‌داده است.

خواجه نصیرالدین طوسی در فصل سوم کتاب اخلاق ناصری می‌گوید: «باید باعث بر تاهل دو چیز



صدرا رایگان خبرنگاری که خدا را شکر می‌کند...۲۰۰۰سال پیش به دنیا نیامده است

دروزی زمین از ازدواج مردم حمایت می‌کردند. در گذشته ایرانیان باستان به جشن عروسی، سور می‌گفتند. عروس لباس سبز می‌پوشیده و تور یا پارچه‌ای سبزرنگ روی سرمی انداخته، داماد نیز عرقچین سبز بر سر و روی شانه راست او جادربش یا دستمال سبز انداخته می‌شده است. در پشت سر داماد، برادر یا یکی از بستگان بسیار نزدیک او می‌ایستاده و در دست (یا در سینی کوچک) یک دستمال سبز، یک انار شیرین، یک تخم‌مرغ، یک قیچی و کمی نقل و شیرینی و آویشن همراه نخ و سوزن سبز را بالای سر داماد نگه می‌داشته یا در داخل سفره‌ای به نام سفره گواه (سفره عقد) قرار می‌داده است.

خواجه نصیرالدین طوسی در فصل سوم کتاب اخلاق ناصری می‌گوید: «باید باعث بر تاهل دو چیز

بانی خواستگاری امام رضا(ع) و گوهرشاد خانم باشند، قصه جور دیگری رقم می‌خورد

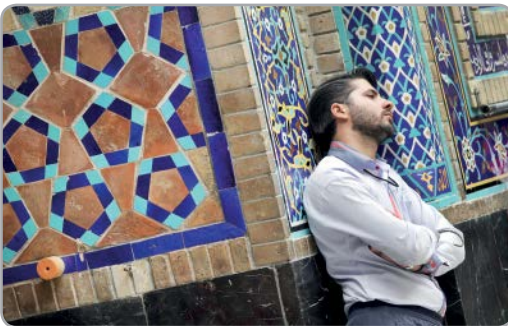
عاشقی روی پل



حامد عسکری شاعر و نویسنده‌ای که رازدار قصه‌های غریب دوستانش است

از هیچی خاطره نداشته باشیم از دو چه چیز خاطره داریم. یکی سربازی و دیگری خواستگاری. من هم برایم کاری ندارد که یک روایت خطی از خواستگاری‌ام بنویسم یا بخندانم‌تان یا چشم‌هایتان را قلبی کنم ولی می‌خواهم روایت یک خواستگاری عجیب را بگویم که صاحب خاطره راضی نیست اسمش را بیاورم. می‌گفت توی اتوبوس نشسته بودم به سمت تهرانپارس که پله‌ها را بالا آمد. چادرش را جمع‌وجور کرد و نشست روی صندلی قسمت زنانه. نگاه اول، من دیدمش و نگاه دوم، او دید. نگاه سوم چشم در چشم شدیم و آمد به سرم از آنچه می‌ترسیدم. می‌گفت عاشق شده بودم و توی دلم چیزی ترک خورد. می‌گفت اتوبوس غلغله شد ندیدمش و فقط فهمیدم ایستگاه پل پیاده شد. تا بیایم به خودم بچنیم، اتوبوس راه افتاده بود و آنچه نباید می‌شد، شد.

از خواب و خوراک به معنای واقعی افتاد، شب‌ها تا صبح بیدار بود و روزها به ضرب قرص و آرامبخش می‌خوابید. پدرش به من که نویسنده این و چیزه هستم، زنگ زد و شرح ماجرا کرد. گفت جوان دسته‌گلم دارد پری‌می‌شود. گفت «تا مشاور و روان‌شناس و گفتار درمان و روان‌پزشک بردیم، هرکدام‌شان یک چیزی گفته‌اند و دسته‌گلم روزی یک‌مشت قرص اعصاب رنگ‌ووارنگ می‌خورد. آرامبخش‌هایی که به شتر بخورانی می‌غلند را عین اسمارتیز می‌خورد و انگار زنه‌انگار... بدبختی این است آدرسی هم نداریم که برویم و پرس‌وجویی کنیم و ببینیم می‌شود خواستگاری برویم یا نه؟ رفیق ما عاشق کسی شده بود که نه اسمش را می‌دانست و نه می‌دانست کجا زندگی می‌کند و نه نشانه‌ای از او داشت. به دوست عزیز می‌گفتم نفس بود زنگ زدیم، گفت اطلاع می‌دهم، دو سه ساعت بعد زنگ زد که بروید مشهد امام رضا و توسل کنید و از او بخواهید یا برساندش یا این‌که مهرش را از دلش بیرون کند. به رفیقمان که گفتم ترش کرد. گفت من جان و رمق ندارم از خانه که هیچ از اتاق بیایم بیرون، بلند شوم بروم امام رضا؟ گفتم حالت دارد روزبه‌روز بدتر می‌شود، پوست‌واستخوان شده‌ای. چشم‌هایت گود افتاده. بلند شو بارونه ببند، هم سفر رفته‌ای و دلی به نسیم سفر سپرده‌ای هم تغییر جغرافیا داده‌ای و در روحیات تأثیر دارد و هم ان‌شاء.. حضرت رضا نگاهی می‌کند یا به وصال می‌رسی یا مهرش از دلت بیرون می‌افتد و برمی‌گردد به روال سابق زندگی‌ات.



با هر دشواری‌ای بود قبول کرد. نشستند در قطار و رفتند مشهد. جانم برایتان بگویم روزها می‌رفت به گوهرشاد و زل می‌زد به گنبد و فقط نگاه می‌کرد. بعدها که خوب شد، می‌گفت گفتم خانم شما خودتان سر ساختن همین مسجد یکی از کارگرهای‌تان عاشق‌تان شده و بعد حالش به حال من افتاده و می‌فهمید چه مرگم است. من هم این‌قدر کوچکم و خواستم کوچک که رویم نمی‌شود به حضرت بگویم مهرش را از دلم بیرون کن. خودش را برسان این‌جوری قشنگ‌تر است. می‌گفت روز آخری که بلیت برگشت داشتیم. یک حسی به من گفت بلندشو سریع خودت را برسان حرم. بلند شدم و تنها رفتم حرم. حسی می‌گفت ننشین و دوباره زل بزنی به گنبد و برو سمت ضریح و از نزدیک زیارت کن. می‌گفت رفتم زیارت و حالم منقلب شد. خیلی گریه کردم و گفتم آقا من به گوهرشاد خانم هم گفتم لطفا وصال باشد اگر می‌شود. می‌گفت حرف‌هایم را زدم و آمدم بیرون. کفش‌هایم را از مشماپی که در حرم می‌دهند، بیرون آوردم و دنبال منبع مشماهای استفاده شده بودم که کیسه را آنجا ببندازم که صدای زنانه‌ای گفت: آقا اگر کیسه‌تان را نمی‌خواهید، بدهید من. می‌گفت یک آن چشم تو چشم شدیم، خودش بود. خود لا‌کردارش.

دلیل شش ماه بدبختی من، گفتم خانم شما ایستگاه پل پیاده نمی‌شوید، تهران زندگی نمی‌کنید؟ شوکه شده بود. گفتم شما با خانواده آمدید، گفت بله. گفتم دیگر گم‌تان نمی‌کنم. سریع زنگ زدم پدر و مادرم آمدند و پدر مادر او هم در حرم بودند. ماجرا را مفصل شرح دادیم. باورشان نمی‌شد. البته حق هم داشتند، گفتند باید تحقیق کنیم. گفتم شما پله را بدهید اینجا در حرم مبارک‌اش بنشیند به جانمان بعدش حرف می‌زنیم. قبول کردند و تحقیق‌ها هم انجام شد. آقا حسین قصه ما الان دو فرزند دوقلو دارد. یکی پسر و یکی دختر. اسم پسر رضاست و اسم دختر گوهرشاد...



دختر یا پسر بودن‌تان فرقی نمی‌کند، اگر به ازدواج و لزومش در زندگی معتقد باشید، به نقطه‌ای از زندگی می‌رسید که باید برای زندگی‌تان فردی را انتخاب کنید. یکی که برایتان آرامش بیاورد و برایش در میان این زندگی پرفراز و نشیب نقطه آرامش باشید.

وقتی مراحل چون آشنایی و خواستگاری پیش برود و حس کنید آن فرد را تقریبا یافته‌اید، از یک‌جا به بعد سعی می‌کنید در مسائلی چون مهریه و تشریفات ابتدایی کار، قدری انعطاف نشان دهید تا به توافق با خانواده و خود فرد مورد نظر‌تان برسید اما بعضی‌ها هستند که چون گمان می‌کنند مسائلی چون جدایی، احتمالا حتی یک درصد هم امکان ندارد برای زندگی‌شان اتفاق بیفتد و فرد مورد نظرشان را خیلی شبیه به خود می‌بینند، حاضر می‌شوند زیر بار شرایطی چون مهریه‌های عجیب و غریب هم بروند و گاهی هم مثلا برای اثبات قدرت مالی‌شان به چنین



علی غنی

شاعر و نویسنده‌ای که با گوشت و پوست لمس کرده که مهریه دادنی است

گزارش‌های موثق می‌گویند مهریه را هم داده‌اند و هم گرفته‌اند

کی داده کی گرفته؟!



همه خواستگاراها، خواستگار نیستند

یک شاکی عنوان کرد ۲۱ خرداد به خارج از کشور سفرکرده و ۱۳ اتیر ماه در پی تماس با مدیر ساختمان محل سکونتش متوجه شده فردی که چندی پیش به بهانه ازدواج با او آشنا شده، همراه چند کارگر و کامیون حمل اثاثیه به منزل وی مراجعه و همه اسباب و اثاثیه را همراه طلا و جواهرات و... جمعا به ارزش تقریبی ۱۵میلیارد ریال را برده و باوجود مداخله اهالی و حضور چند نفر از بستگان مالباخته، متهم مدعی شده که مالباخته همسر موقت ایشان است و اموال متعلق به خودش بوده و درنهایت همه اموال مالباخته را برده است. /کنا

نتیجه درست را بگیرند. (البته در این مسأله با گزینش بعضی اداره‌های دولتی که در آن هر سؤالی به جز تخصص و صلاحیت روانی پرسیده می‌شود کاری نداریم!) در یک مقایسه با ضربی صحت بالا می‌توان این پدیده را با خواستگاری مقایسه کرد! همان مدل گفت‌وگو و همان سنجش‌های صلاحیت و روان‌شناسی. حتی اگر مدیر منابع انسانی خانواده عروس دوره‌های تخصصی گزینش را نگذرانده باشد باز هم می‌داند باید دقیقا از جوان مقابلش چه بپرسد و بحث را به کجا برساند و چه نتیجه‌ای بگیرد. مسؤول گزینش خانواده همسر آینده که الان با تغییر سمت پدرخانم بنده است، جلسه نفسگیر دو نفره‌مان را اداره می‌کرد! با طنز مستتری که پشت جملات

جدی‌اش مخفی شده بود و آدم را دو دل می‌گذاشت که الان باید لبخند بزند یا جدی باشد. مثل بازپرسی که سؤالی می‌پرسد و اما به جای جواب منتظر است زبان بدن یا حالت چهره طرف مقابل را ببیند و به نتیجه‌ای که می‌خواهد برسد. - خب! گفتی شغلت چیه؟ - روزنامه‌نگار هستم. - چه خوب! یعنی دقیقا چی کار می‌کنی؟ - روزنامه می‌نویسم! گزارش می‌گیریم... ستون می‌نویسم! - ببین ستون! بی‌بینسی دارم می‌گم! دیگه چه کارا می‌کنی؟! - یه سری پروژه تولیدی هم انجام می‌دم. مثلا تیزر و مستند و این چیزا می‌سازم

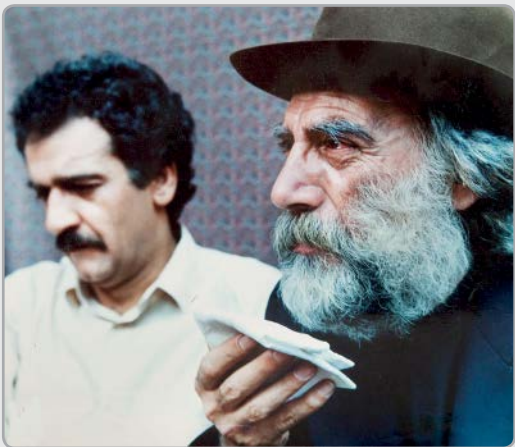
فیلم خاطره‌انگیز «خواستگاری» ساخته مهدی فخیم‌زاده که قصه دلدادگی مرد و زنی سالخورده را روایت می‌کرد

ما اینجا دختر نداریم!



نمی‌کند و به‌جز دافعه همسایه‌ها و مخالفت غالب آنها و به‌ویژه فرزندان ارشد هر دو طرف از تنش بین خود دو دلداه سالخورده هم غافل نمی‌شود. برای همین درست وقتی که انگار آب اختلافات از آسیاب افتاده و دست‌کم دل دو دلداه نرم‌شده کارشان در همان اولین خلوت و هم‌صحبتی به تنش منجر می‌شود و آن کلام مهربانانه اول خیلی زود جای خودش را به بگو‌مگو و تندم‌زاجی مرسوم جوان‌ها موقع ازدواج می‌دهد و غرور جوانی موسپیده‌ها روی آن پل گل می‌کند. کم‌دی لحظه کشمکش زبانی آنها زمانی بیشتر می‌شود که به یاد بی‌ایرمی جواد کمی قبل‌تر از آن گفته بود: «چون‌ها زبون ما رو نمی‌فهمن.» اگر صحبت از پایان فیلم خواستگاری بعد از ۳۲ سال اسپویل محسوب نمی‌شود و حکم افشاشدن ندارد آخر قصه هم دلپذیر و خوشایند است و پیوند عاشق و معشوق پایه‌سن‌گذاشته، غم و شادی توامانی دارد و هم‌زمان با خنده، بغض تماشاگر هم قلقلک داده می‌شود. وصلت جواد و زهرا گرچه فرخنده است و محمود هم با سقلمه صمیمانه احمد(مصطفی طاری) پسر بزرگ مرد، تن به تسلیم و تشویق عروس و داماد می‌دهد درعین حال به دلیل زمان اندک باقی‌مانده آنها تا پایان عمر، غبار غمگین محوی هم در آن لحظه پراکنده است.

یکی از بازمره‌ترین سکانس‌های فیلم، سکانس خواستگاری است که بدون حضور شخص داماد برگزار می‌شود چون خانواده جواد مطمئن نیستند اوضاع چطور می‌پیش می‌رود. کم‌دی ماجرا وقتی بیشتر می‌شود که زهرآخون و تنها فرزندش محمود (اسماعیل محرابی) روحشان هم از دلدادگی همسایه روبه‌رویی و موضوع دیدار دو خانواده خبر ندارد. فضای سنگین مهمانی با آسمان‌ریسمان به‌هم بافتن‌های داماد جواد(محمد ابهری) پیچیده‌تر می‌شود اما به‌جز تعلیق، کم‌دی هم به قوت خود باقی است و این موقعیت خطیر را نمکین می‌کند؛ به‌ویژه آنجا که محمود با طرح عبارت امر خیر متعجب می‌شود و با خنده می‌گوید: «ما اینجا دختر نداریم، والا به‌خدا.» بعد از آن خواستگاری ناگام و خشم محمود و ترس زهرآخون از پیامد دلدادگی همسایه کهنسال، دیدزدن‌های آقا‌جواد هم یا نیت خیر و هدفمندی کامل و خوش‌تیپ‌کردن علیچه ادامه پیدا می‌کند و اصرارهای عاشقانه جواد و گریزهای معشوقانه زهرا و حرکات غیرمندانانه محمود و اجرای طرح صیانت از مادر خواستگاری‌شده بر نمک فیلم می‌افزاید. نویسنده و فیلم‌ساز برای تقویت درام و پیچیدگی‌های عاشقی پیش‌کسوت‌ها هم تنها به چالش تجدید فراش آنها در سن بالا بسنده



زیسته کسی که همیشه کتاب معرفی می‌کند شاید به دردتان بخورد! در ادامه به عنوان تیزتر از پایانی توجه شما را به چند نمونه از مهریه‌های عجیبی که من، خودم هم یکی از قربانیان همین تصورات واهی درباره ازدواج و مهریه بودم و گمان می‌کردم چون فرد مقابل دارای شباهت‌های روحی و فردی بسیاری با من است، پس قطع به یقین این ازدواج تا پایان موفق خواهد بود و قرار است با لباس سفید به خانه بخت برویم و با کفن راهی دیار باقی شویم اما تقدیر جور دیگری رقم خورد و در میانه راه با مسالمت و البته همراه با کوله‌باری از غم، یکدیگر را بدرد گرفتیم و اینجا بود که بخش بزرگی از داشته‌های مادی خود و پدرم صرف پرداخت حق مسلم شما

برای تهیه این حجم از بال مگس باید به کدام جنگل یا محیط کشت مگس برود و بال‌ها را یکی‌یکی جمع کند و روی هم بگذارد؟! من، خودم هم یکی از قربانیان همین تصورات واهی درباره ازدواج و مهریه بودم و گمان می‌کردم چون فرد مقابل دارای شباهت‌های روحی و فردی بسیاری با من است، پس قطع به یقین این ازدواج تا پایان موفق خواهد بود و قرار است با لباس سفید به خانه بخت برویم و با کفن راهی دیار باقی شویم اما تقدیر جور دیگری رقم خورد و در میانه راه با مسالمت و البته همراه با کوله‌باری از غم، یکدیگر را بدرد گرفتیم و اینجا بود که بخش بزرگی از داشته‌های مادی خود و پدرم صرف پرداخت حق مسلم شما

توافق‌هایی تن می‌دهند؛ غافل از این‌که شاید از اتفاقی در زندگی غفلت کرده باشند و آن‌جور که باید فرد مورد نظرشان را نشناخته باشند و اصلا آسمان و زمین دست به دست هم بدهند و دست بر قضا این دو نتوانند با هم زندگی خود را ادامه دهند، آن روز باید حق مسلم فرد مقابل را تمام و کمال بپردازند. تصورش را بکنید ازدواج‌هایی با همین مهریه‌های عجیبی که هر از گاهی در صفحات حوادث روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها می‌خوانیم، یکی‌شان خدای ناخواسته به هر دلیلی منجر به جدایی شود، آن‌وقت آقای داماد سابق چگونه قرار است در اوج انزجار و نفرت، با هزار و سیصد و شصت و اندی پوسه از عروس خانم سابق خداحافظی کند. یا فرد بخت‌برگشته دیگری که مهریه‌اش را نیم‌کیلو بال مگس قرار داده،

آدم باید در جلسه خواستگاری، آدم باشد و بگذارد همسرش هم آدم بماند

یک گفت‌وگوی بدون تاکتیک



احمد رضا رضایی
.....
شاعر و نویسنده‌ای که اولین حقوقش شدت و شلوار دامادیش

بعضی از دوستانم پی دختران نوجوان بی‌دست‌وپا بودند. چشم‌شان دختران دبیرستانی را می‌گرفت. به قولی می‌خواستند نوپا باشد تا بتوانند خودشان بزرگش کنند. می‌خواستند آقایش شوند، بزرگش شوند، راه و چاه را نشاننش دهند. بعد هم به سال نکشیده، یک چپه پس بیندازند. بعد یکی را بکنند دو تا و دو تا را بکنند سه تا و...

من از زنان چشم‌گو متنفر بودم؛ از زنان بی‌زبان بی‌حرمت. وقتی زنی می‌گفت: هر چه آقایمان بگویند، عقم می‌گرفت. از زبانی که هیچ نظری نداشتند، هیچ شخصیتی نداشتند و وقف آشپزخانه بودند، بدم می‌آمد. چه بسیار زنان با استعدادی که پای بچه‌داری و رفت و روب ذبح شدند. چه مردانی که با نشان طوری رفتار کردند تا جلوی دیگران پز بدهند که آنها هم بلدند!

مرد ضعیف، دنبال زن ضعیف است. می‌خواهد لااقل در خانه‌اش پادشاه بی‌رقیب باشد. هر جا توی سرش ززند، سر زنش خالی کند. مرد ضعیف خودش را رشد نمی‌دهد، زنش را هم می‌نشانند. خودش نمی‌دود، پای زنش را هم می‌برد. سر و ته همه ظلم‌ها را نیز با آیه و حدیث هم می‌آورد. من زدم زیر همه معیارها. ازدواج من در هیچ چهارچوبی نمی‌گنجید. روز خواستگاری به همسرم گفتم من رفیق‌بازم، دوست دارم تو هم رفیق‌باز باشی. دلم نمی‌خواهد دائم بند رخت و تخت باشی. از زبانی که سوژه جنسی‌اند بدم می‌آید. از آنها که ظرف‌های اضافی را بارها دستمال می‌کشند، بدم می‌آید. گفتمش که باید مستقل باشد و نباید دنبال من بیفتند. باید نظر داشته باشد، باید کار کند، باید بجنگد، باید گلیتمش را از آب بکشد. این حرف‌های گنده‌گنده و قشنگ‌قشنگ را در حالی بر زبان می‌آوردم که یک شلوار آهاردار موسی، یک پیراهن قهوه‌ای و یک کت چترخانه پشمی پوشیده بودم. لباس‌هایی که جمعا برایم ۷۰۰ تومان آب خورد و اولین حقوقم را بالایشان دادم. من شاید بی‌حال به نظر برسم اما پیش‌فعالیم. یعنی کوره‌ای درونم می‌سوزد و نمی‌گذارم روی پا، بند شوم. همین‌طور راه می‌روم و دور خودم می‌چرخم. در جلسه خواستگاری هم مانند فلاسفه مشاء راه می‌رفتم و سخن می‌گفتم. گاهی روی میز می‌نشستم و گاهی به پشتی تکیه می‌دادم. گاهی کنج دیوار بودم و گاهی وسط اتاق. گاهی شق و رق، گاهی شل و واداده. نظیر بسیاری از نودامادهای خام‌دست، من هم چیزهایی روی کاغذ نوشته بودم. حواسم بود که از کجا شروع کنم و با چه تاکتیکی پیش بروم. کجا سفت بایستم و کجا بی‌خیال بگذرم. از کتاب‌های بازاری راه و رسم معامله‌گری را آموخته بودم. نباید فریب می‌خوردم و بازی را واگذار می‌کردم. باید چشم و گوشم را باز می‌گذاشتم تا مبادا طرف مقابل بزند توی خاکی. اما باید اعتراف کنم این هیبت کاسیکارانه عمر بسیار کوتاهی داشت و به نیم‌ساعت نکشیده آب رفت. اگر نظرم را درباره جلسه خواستگاری بخواهید، می‌گویم: مثل یک انسان گفت‌وگو کن؛ صمیمانه و صادقانه. قصه زندگی‌ات را بگو و بگذار او هم قصه بگوید، درددل کند، سبک شود و احساس آزادی داشته باشد. مبادا سوال‌پیشش کنی و مچش را بگیرد. مبادا معادله طرح کنی و از برج عاجت پایین نیایی. جوری حرف بزن که حتی اگر توافق نکردید، خاطره خوشی از یک کپ دوستانه در ذهن جفتتان بماند. هیچ سوالی، ولو پیچیده‌ترنشان نمی‌تواند دختر و پسری را به دام بیندازد. قلب را قلب می‌کشد. هزار راه برای قلب و فرار وجود دارد. پس بیخود وقت‌تان را پای روان‌شناسی‌های زرد هنر ندهید. آدم باشید و اجازه دهید طرفتان هم آدم باشد. آزاده باشید و میدان را برای آزادی باز کنید. الکی سوال‌های شرعی نپرسید و مخاطبتان را معذب نکنید. بگذارید جلسه خواستگاری چیزی فراتر از جلسه گزینش باشد. زن، آئینه مرد است. بد کنی بد می‌بینی. اگر جمع و تفریق کنی، منطق بازار را در تمام حرکات همسرت خواهی دید. ازدواج حاصل رشد است و نتیجه کشف، نمی‌شود توصیه‌اش کرد. باید برسی و بجوشی. ازدواج ساخت‌وساز است، نشستن و برخاستن‌های مداوم، قبض و بسط‌های بی‌شمار، لبخندهای نرم، غصه‌های عمیق و تلاش‌های راست و پیوسته. من فقط یک بار خواستگاری رفتم اما رفیقی داشتم که در خانه تمام دختران اصفهان رازده و هیچ‌کس به چشمش نیامده بود. یک جور

برایش حکم تفریح را داشت. پنجشنبه‌ها گل و شیرینی می‌گرفت و دختر جدیدی را برای چانه‌زنی انتخاب می‌کرد. بنده خدا تا الان هنوز عزب است و پیرپسر، شب عید غدیر جواب را نصفه‌نیمه گرفتیم. چون مسافر بودیم و فامیل، شب ماندیم، شام را خورده‌نخورده راند دوم گفت‌وگو را شروع کردیم. خیلی حرف زدیم، خیلی چیزها را هم نگفتیم. شاید هنوز علق‌مان نمی‌رسید یا برایمان مهم نبود. یک‌جایی رند شدیم، یک‌جایی فکر کردیم و جوابی نداشتیم، یک‌جایی هم نکات کلی و کلیشه‌ای گفتیم. اگر به آن شب برگردم، کوتاه‌تر و رساتر و مهربانانه‌تر کپ می‌زنم و کشش نمی‌دهم. سعی می‌کنم معیارهای عجیب و سخت نداشته باشم. خودم را می‌سازم تا ساختن را در همسرم هم ببینم.



چند می‌گیری بیای خواستگاری؟!

به‌تازگی صفحاتی در فضای مجازی در حال فعالیت هستند که خدمتی غریب و بدیع ارائه می‌دهند؛ ارسال خواستگار صوری به تمام شهرهای ایران! بهانه اجاره خواستگار که با هزینه‌ای بالای ۱۰۰هزار تومان انجام می‌شود نیز کسب آبرو و اعتبار بین اقوام و آشنایان بیان شده است. در واقع فردی به‌عنوان خواستگار یا پیش می‌گذارد تا خانواده دختر بتوانند به دیگران اعلام کنند که دختر آنها نیز خواستگار دارد و البته درنهایت جواب منفی می‌دهند؛ هر چند کم‌وبیش این موضوع شبیه شوخی به‌نظر می‌رسد اما چه موضوعی باعث‌شده برخی حاضر شوند برای چنین نمایشی پول پرداخت کنند؟ نمایشی که می‌تواند عوارض جدی بر سلامت روان دختران جوان داشته باشد؟!/روزنامه‌خراسان

هر چه آدم‌های دنیا عجیبند، رسم و رفتارهای خواستگاری‌شان عجیب‌تر است

«امر خیر» ما، «ویل یومری می» آنها



زینب چایی

.....
نویسنده‌ای که
خواستگارش را با
یک فنجان چای شور
نمک‌گیر کرد

«زینب جان! به چایی دیگه بریز» من که برای قرار با رفقای دبیرستان دیرم شده‌بود و به حساب خودم تا همان‌جا هم با حضورم برایشان خیلی مرام گذاشته‌بودم، جوروی که انگار مشترک مورد نظر در دسترس نمی‌باشد، از نشان دادن هرگونه علائم حیاتی خودداری کردم. مادرش خندید، با یک دست چادرش را مرتب کرد و جواب داد: «من که دیگه میل ندارم». در دلم برای امواتش صلوات فرستادم و به مادرم که می‌فهمیدم دندان‌هایش را از حرص من روی هم فشار می‌دهد، لیخند پیروزمندانهای زدم که ناگهان ندا آمد: «من به چای دیگه می‌خوام اگه زحمتی نباشه.» صدای جلیلیز ویلیز-سیم‌های اعصابم اجازه نداد حرفی بزنم یا چیزی بشنوم. رفتم آشپزخانه و هرچه بلد بودم را حواله خودش و چای سومش کردم ولی دلم خنک نشد که نشد.

یک قاشق از ظرف نمک برداشتم، ریختم توی فنجان‌ش و حل کردم، خواستم این‌جور بابت این‌که قرارم با رفقایم را به هم زده‌بود انتقام گرفته‌باشم؛ فکر کردم در بدبینانه‌ترین حالت سرفه‌کنان

چین و افسانه «ریسمان قرمز نامرئی»

خواستگاری یکی از مفصل‌ترین سنت‌ها در چین است که البته در هر منطقه‌ای از این کشور پرجمعیت یک جور برگزار می‌شود. باور چینی‌ها این است که نتیجه خواستگاری، فقط به سرنوشت بستگی ندارد، آنها تا حد زیادی به ستاره‌شناسی و استفاده از تاریخ‌های خوش‌یمن برای گرفتن نتایج دلخواه‌شان اعتقاد دارند. چین که آداب و رسوم رنگارنگش در دنیا شناخته شده‌است، بخش زیادی از سنت‌هایش ریشه در افسانه‌ها دارد. یکی از همین افسانه‌های چینی می‌گوید هرکسی که به دنیا می‌آید با یک ریسمان قرمز و نامرئی به فرد دیگری متصل شده‌است و این ریسمان به مرور، کوتاه می‌شود تا زمانی که روح این دو، یکدیگر را ببینند. براساس این افسانه وقتی این ملاقات اتفاق بیفتد، فرد نسبت به هرکس غیر از نیمه‌گمشده‌اش احساس سنگدلی دارد. جالب است بدانید برخی خانواده‌های چینی وقتی فرزندشان به سن ازدواج می‌رسد یک «وصلت‌جوکن» استخدام می‌کنند تا برای دخترشان خواستگار یا برای پسرشان، دختری مناسب پیدا کند. در روستاهای چین، رسم است این وصلت‌جوکن‌ها همه جوانان شایسته و دختران آماده ازدواج را در مراسمی جمع می‌کنند و در این مراسم، مرد جوانی که



چه سر به کلاه، چه کلاه به سر

اگرچه خواستگاری دختر از پسر، در فرهنگ ما تا حدی عجیب و خارج از عرف است و حتی در خیلی از کشورهای اروپایی طبیعی و معمول نیست، ولی در برخی فرهنگ‌ها خانم‌ها هم می‌توانند خواستگاری کنند. مردم در این فرهنگ‌ها معتقدند فرقی ندارد کدامیک از طرفین ازدواج برای پیشنهاد پیشگام شده‌باشد. مثلاً در اسکانلند، ایرلند و فنلاند این باور وجود دارد که دختر هم می‌تواند از پسر خواستگاری کند، فقط نکته اینجاست که یک روز از سال برای این موضوع مشخص شده‌است که زنان فقط در آن روز می‌توانند از مردان خواستگاری کنند.

این فرهنگ جوری که انگار بخواهد برای دختران شجاعی که تن به خواستگاری از مردان می‌دهند، پاداشی در نظر گرفته‌باشد، پسری را که به خواستگاری دختر جواب منفی بدهد، به پرداخت خسارت مجبور کرده‌است. یعنی اگر پسری پیشنهاد ازدواج را رد کند، علاوه بر این‌که با این سوال که مگر یک حیوان حمال مغزت را گاز گرفته مواجه می‌شود، باید برای دختر شجاع هدایایی مثل لباس ابریشمی بخرد.

در بعضی کشورهای آفریقایی هم خانم‌ها از آقایان خواستگاری می‌کنند. آنها برای خواستگاری باید یک ظرف ماهی مزه‌دار شده با روغن خرما آماده کنند و آن را با هماهنگی قبلی برای آقا ببرند. اگر پسر ظرف غذا را قبول کند، یعنی پیشنهاد ازدواج دختر را پذیرفته‌است. نکته اینجاست این غذا علاوه بر دست‌ورپخت دشواری که دارد، یک غذای گران قیمت و لاکچری است که در اکثر مواقع آقایان قدرتی در مقابل ظرف ماهی وسوسه‌انگیز ندارند! بنابراین نتیجه این بازی از قبل مشخص شده‌است.

ظن داریم! حتما دائمی است.

این‌که یک نفر تیم کارگردانی استخدام می‌کند تا یک تصادف را جلوی خانه دختر محبوبیش صحنه‌سازی کنند، بعد هم وقتی پسر سر غرق خونش را روی زانو گرفته از جا بلند می‌شود و پیشنهاد ازدواج می‌دهد، یک کمی بیش از اندازه هیجان‌انگیز نیست؟ البته خارجی‌ها گویا جنبه بیشتری هم دارند؛ مثلاً به‌نظرم اگر هم‌وطنی از ما در این موقعیت بود، ماشینش را از گازرژ درمی‌آورد و ۳۳ بار از روی طرف رد می‌شد تا با حلقه‌اش به عنوان درس عبرتی برای آیندگان روی زمین نقش ببندد. در میان همه این خواستگاری‌های عجیب و غریب غربی‌ها، سناریوهای ساده، جذاب‌ترند! مثل آن مورد که در ترن هوایی شهربازی، وقتی محبوبش روی صندلی جلویی نشسته‌بوده، وقت رسیدن جلوی دوربینی که از مسافران ترن هوایی عکس می‌گیرد، دو تکه کاغذی که روی آن نوشته‌بوده «بامن ازدواج می‌کنی؟» را بالا گرفته‌است! دختر هم رفته و عکس را چاپ کرده و درحالی‌که هنوز از هیجان ترن هوایی تپش قلب داشته، از خوشحالی به ارتفاع بلندترین نقطه ترن هوایی بالا می‌پرد و پشت سر هم می‌گوید: «پس، ای دو»



چند شرکت تبلیغاتی یک آگهی بازگانی ساخته و اجازه پخش گرفته تا وقتی خودش کنار دختر رویاهایش نشسته، آگهی بازگانی پخش شود و خواستگاری کند! اصلاً اینها همه به کنار، این مدلی که طرف رفته و در فضای بی‌وزنی خواستگاری کرده دیگر چه صیغه‌ای است؟ ما حسن



«امر خیر» ایرانی‌ها

جمله معروف «برای امر خیر مزاحم‌تون شدیم» را می‌توان شعار روی پرچم سنت‌های خواستگاری ایرانی نوشت. گذشته از این‌که قومیت‌های مختلف در ایران، آیین و قاعده خاص خود را دارند، رسم و رسومات شهرهای مختلف برای این مراسم تنوع زیادی در سناریوی مراسم خواستگاری ایجاد کرده‌است. مثلاً کردها که به خواستگاری «خوازمی» می‌گویند، رسم دارند یک نفر از خانواده داماد دست همه اعضای خانواده عروس را ببوسد و به آن مراسم «دست‌ماچ‌کده» می‌گویند. لر‌ها که در گویش خود این مراسم را «کیخایی» صدا می‌کنند، رسم این است که بعد از تعیین شیربها، پدر عروس اگر دلش بخواهد بخشی از شیربها را به داماد می‌بخشد، اسم این حرکت پدر عروس، «ته‌دستمالی» دادن است. خواستگاری میان اعراب خوزستان «المشایه» نام دارد؛ مادر خانواده داماد به منزل دختر می‌رود و اگر او را پسندید، می‌گوید: «مکانکم مفروشه» یعنی «جای شما فرش شده‌است!» شیرازی‌ها جواب مثبت و منفی به خانواده پسر را مستقیم نمی‌دهند، آنها با نوع نوشیدنی پذیرایی مشخص می‌کنند که او «آقا داماد» است یا «به خواستگار داشتیم که...» شیرازی‌ها اگر نظر مثبتی داشته‌باشند با شربتی شیرین از مهمانان پذیرایی می‌کنند ولی اگر نظر آنها منفی باشد و وصلت را کان لم یکن بدانند، یک سینی چای ساده در مراسم می‌چرخانند.

در حاشیه دریای خزر هم رسم‌های رنگارنگی برای خواستگاری داریم، خانواده دختر در بعضی از خانواده‌های شمالی کشور، نخ و سوزن می‌آورند تا به اصطلاح دهان مادرشوهر و خواهرشوهر را بدوزند! مازندرانی‌ها هم قدیم‌ترها خانه دختری را که از او خواستگاری کرده‌بودند، با پارچه‌های رنگی و محلی می‌پوشاندند و بعد از آن‌که دختر خانواده عروس می‌شد از آن پارچه‌ها برای خودش لباس‌های شمالی می‌دوخته‌است.

قهوه شور برای داماد ترک‌ها



یکی از اصلی‌ترین سنت‌های ترکیه در مراسم خواستگاری این است که حتما یک بزرگ‌تر از طرف خانواده دختر و یک بزرگ‌تر از خانواده پسر حضور داشته‌باشند، حتی اگر دختر و پسر کسی را برای بزرگ‌تری نداشته‌باشند، از فامیل دور یا حتی از همسایه‌ها یک ریش‌سفید را به مراسم دعوت می‌کنند.

اما جالب‌ترین رسم در ترکیه، پر کردن فنجان قهوه داماد از نمک است. آنها قهوه داماد را آنقدر شور می‌کنند که نوشیدنش غیرقابل تحمل باشد. داماد آینده هم باید قهوه را تا ته سر بکشد و این‌طور عشق و اشتیاقش را به همسر آینده‌اش نشان دهد.

آقای داماد آخر مراسم خواستگاری یک هدیه ساده به عروس آینده خود می‌دهد، یک هدیه خیلی ساده! مثل چند شاخه گل رز. این سادگی فقط برای هدیه نیست، داماد باید برای خودش و عروس حلقه‌های ساده‌ای هم انتخاب کند. ترک‌ها از یک روبان قرمز برای وصل کردن دو حلقه به هم استفاده می‌کنند، این‌طور که هر طرف از روبان را به یکی از حلقه‌ها گره می‌زنند. اگر همه‌چیز تا آخر مراسم خوب پیش برود، عروس و داماد دست بزرگ‌ترها را می‌بوسند و روی پیشانی می‌گذارند؛ بعد هم یکی از بزرگان حلقه‌هایی را که با روبان قرمز به هم وصل شده‌اند، به دست زوج جوان می‌اندازد و همین‌طور که از خدا برایشان خوشبختی آرزو می‌کند، با یک قیچی روبان را قیچی می‌کند و می‌گوید: «خدا شما را از هم جدا نکند.»

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: تا ساعت ۱۹
شنبه ۱۴۰۰/۰۸/۱۰ فقط از طریق سامانه ستاد قابل تهیه می باشد.
مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۹ روز پنجشنبه
۱۴۰۰/۰۸/۱۰
زمان بازگشایی پاکت ها: ساعت ۱۴ روز شنبه
۱۴۰۰/۰۸/۲۲
سایر شرایط:
بازگشایی و تفهیم شرکت در مناقصه: ۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می باشد.
مدت انجام کار: مدت اجرای قرارداد ۲ ماه از تاریخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۱
پارک فناوری پردیس واقع در شهر جدید پردیس می باشد.
مشترک در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت:
سرا، کیلومتر ۲۰ جاده دماوند، پارک فناوری پردیس
تجمع سراج کدپستی ۲۸۳۷ ۱۶۴۱۲۰۳۷ تلفن: ۲۱-۷۶۲۵۰۵
حلی اداره امور مالی ۲۵۲۷ داخلی اداره فناوری اطلاعات ۲۵۴۵
پر: ۲۱-۷۶۲۵۰۱۰۰
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل
سویچ در سامانه
کد تماس: ۲۱-۹۳۴۴
کد ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۷۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

افزایش ۲۰ تا ۳۰ درصدی هزینه سرویس مدارس

نورعلی عباسپور، مدیرکل انجمن اولیا و مربیان وزارت آموزش و پرورش با اشاره به افزایش ۲۰ تا ۳۰ درصدی قیمت سرویس‌های ایاب و ذهاب دانش‌آموزان گفت: «برای ثبت‌نام سرویس‌های مدارس با شرکت‌های حمل و نقل هماهنگی شده و خانواده‌ها می‌توانند در مناطقی که بازگشایی مدارس آغاز شده است، برای ثبت‌نام اقدام کنند.» وی همچنین درباره واکسیناسیون رانندگان افزود: «هر راننده باید کارت واکسن داشته باشد و مدیر مدرسه باید کارت واکسن آنها را حتما رویت کند.»/ایرنا

هر سال يك سد اميركبير خاك می‌شود

مسعود منصور، رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور ضمن اشاره به این‌که کشور در بحران جدی فرسایش بادی و آبی است، گفت: «سالانه بیش از ۱۵/۴ تن در هکتار فرسایش آبی در کشور اتفاق می‌افتد که با حجم سد امیرکبیر برابری می‌کند. بدین معناکه سالانه به اندازه يك سد امیرکبیر رسوب وارد سدها می‌شود.» منصور ادامه داد: «عملیات آبخیزداری می‌تواند كمك شایانی به جلوگیری از فرسایش آبی و خاکی کند. لذا ایجاد مركز پایش مخاطرات منابع طبیعی می‌تواند با مدیریت سه‌عامل آب، خاك و پوشش گیاهی تاثیر شگرفی بر مدیریت منابع طبیعی کشور داشته باشد.»/سازمان جنگل‌ها

ثبت‌نام وام‌های دانشجویی آغاز شد

دانشجویان تمامی مقاطع تحصیلی اعم از کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری می‌توانند برای دریافت انواع وام‌های دانشجویی در نیم‌سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ به پورتال صندوق رفاه دانشجویی وزارت علوم مراجعه کنند. پیش از این پایان‌زمان ثبت‌نام وام‌های دانشجویی ۲۵ مهرماه اعلام شده بود که به دلیل اعمال افزایش وام‌ها و برخی موانع و ملاحظات فنی؛ با بازگشایی پورتال امکان ثبت‌نام مجدداً فعال شد و تا یکم دی سال جاری فرآیند ثبت‌نام ادامه خواهد داشت. دانشجویان شاغل به تحصیل در مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، دولتی، پیام نور، علمی کاربردی، غیرانتفاعی و غیردولتی و آزاد اسلامی می‌توانند پس از مطالعه شرایط و ضوابط دریافت وام‌ها در آیین‌نامه پرداخت و بازپرداخت وام‌های دانشجویی، جهت ثبت درخواست خود از طریق پورتال دانشجویی صندوق رفاه اقدام کنند./وزارت‌علوم

دستور رئیس جمهور برای بررسی مصوبه اصلاح کنکور



علی امرایی، عضو کمیسیون آموزش دیده‌بان شفافیت و عدالت کشور گفت: «در پی نامه اخیر دیده‌بان شفافیت و عدالت، رئیس‌جمهور به دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی برای بررسی مجدد مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی دستور داد.» امرایی با اشاره به نبود قدرت تفکیک داوطلبان با امتحانات نهایی سال دوازدهم در پی این مصوبه، افزود: «در نظر گرفتن تأثیر «مستقیم» به هر اندازه برای این سبوابق، ایرادات آماری و ریاضی لاینحل دارد.»/فارس

انتشار مقاله علمی واكسن برکت در نشریه معتبر جهانی

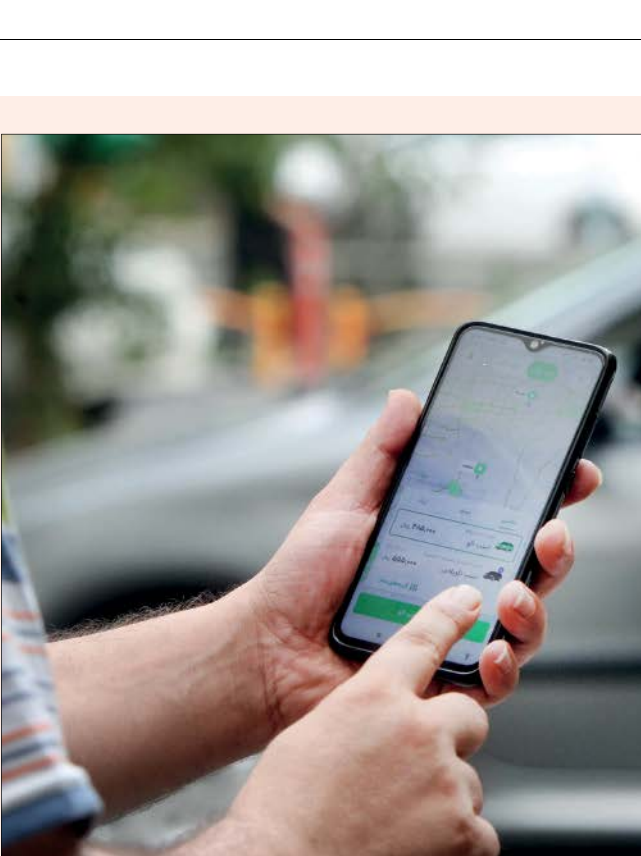
اصغر عبدلی، فناور پروژه واكسن برکت گفت: «مقاله پیش‌بالینی واكسن کووایران برکت در مجله مديكال وایرولوژی با ضریب تأثیر ۹/۸۸۶ و در رده نشریات Q1 منتشر شد.» وی افزود: «دغدغه ستاد اجرایی فرمان امام و مدیران پروژه واكسن برکت از ابتدا این بود كه مقالات مربوط به تلاش دانشمندان نخبه کشور برای تولید نخستین واكسن ایرانی کرونا در معتبرترین مجلات بین‌المللی منتشر شود كه البته مقالات متعددی از واكسن کووایران برای مجلات معتبر ارسال شده و در مرحله داوری است.»/فارس



خزر ۱/۵ متر آب رفت

بهزاد لایقی، مدیرکل مرکز علوم جوی و اقیانوسی سازمان هواشناسی کشور از کاهش ۱/۵ متری تراز آب این دریاچه طی ۲۶ سال اخیر خبر داد و گفت: «داده‌های ایستگاه‌های پایش دریای خزر از سال ۱۳۷۴ تاکنون روندی کاهشی در تراز آب دریای خزر را نشان می‌دهد.» به گفته وی از سال ۷۴ تاکنون به‌طور متوسط سالانه

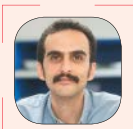
حدود شش سانتی‌متر تراز آب دریای خزر کاهش پیدا کرده است. لایقی مهم‌ترین عامل کاهش تراز آب این دریاچه را کاهش بارندگی در حوضه آبریز دریای خزر و کم شدن دبی رودخانه‌های این حوضه به‌ویژه رودخانه ولگا- که بیش از ۸۵ درصد آب دریای خزر را تامین می‌کند- عنوان کرد و افزود: «شدت تابش خورشید بر دریای خزر



دربست سودجویی

پس از ایجاد اخلاล در سیستم سوخت‌رسانی برخی تاکسی‌های اینترنتی بهای خدمات‌شان را افزایش دادند

پس از حمله سایبری به سیستم سوخت‌رسانی کشور بهای خدمات تاکسی‌های اینترنتی افزایش یافت؛ اتفاقی که موجب خشم بسیاری از مسافران و کاربران شد؛ آنقدر که حتی بسیاری از آنها با انتشار هشتگ‌هایی در فضای مجازی خواهان ورود قوه قضاییه به این موضوع شدند و حتی از وزارت صمت خواستند برای جریمه این دو شرکت خاطی اقدام کند. انتشار برخی از این قیمت‌ها در فضای مجازی هم نشان از حقانیت عصبانیت کاربران دارد. برخی از این گریه‌ها تا بیش از دو برابر افزایش قیمت داشته است. برخی از کاربران معتقدند این رفتارها ناشی از انحصاری حد و حصر این شرکت‌ها در بازار است و وقتی مردم چاره‌ای جز انتخاب یکی از این دو شرکت نداشته باشند به‌ناچار باید با هر تصمیمی از‌سوی آنها کنار بیایند. در مقابل این شرکت‌ها همان توجیه همیشگی را در برابر گرانی گاه به گاه قیمت‌ها دارند. آنها می‌گویند الگوریتم قیمت‌گذاری‌شان هوشمند است؛ و مؤلفه‌هایی در افزایش قیمت‌ها موثر است که همیشه بوده، ترافیک و حجم تقاضا برای سفر از جمله مهم‌ترین این مؤلفه‌ها هستند. به این مفهوم که هر زمان میزان تقاضا بالا برود و ترافیک بیشتر شود به همان نسبت قیمت‌ها هم افزایش خواهد داشت؛ کاربران اما معتقدند این مصداق ماهی گرفتن از آب گل آلود است. آنها می‌گویند نتیجه هر اتفاقی نباید به زیان مردم بینجامد و با هر اتفاقی نباید اولین واکنش جبران این زیان‌ها از جیب مردم باشد. آنها این رفتار را بی‌رحمانه و سوداگرانه تلقی می‌کنند. مهم‌ترین استدلال آنها در این رابطه این است که مسوولیت اجتماعی این شرکت‌ها اگر در چنین برهه‌هایی به کار نیاید پس کجا باید کارایی داشته باشد؟ جالب این‌که تعریف این شرکت‌ها از مسوولیت اجتماعی ظاهراً رانندگی یک‌روزه مدیران این شرکت به جای یکی از سفیران به‌صورت نمادین است؛ یا نهایتاً کمک به یک سازمان مردم‌نهاد محیط‌زیستی یا پشتیبانی مالی از یک مسابقه فوتبالی است. آنچه اتفاق دو روز پیشی آشکار کرد این است که حداقل دو شرکت اسنپ و تپسی در برابر این حمله سایبری در کنار مردم نماندند و اتفاقاً خشنود از این اتفاق به درآمد بیشتر یک‌روزه خود مشغول شدند.



میثم اسماعیلی

جامعه

تاکسی‌های اینترنتی چه می‌گویند؟

واکنش ثابت شرکت‌های ارائه‌کننده تاکسی اینترنتی همان دست‌فرمان همیشگی و ثابت است، این‌که قیمت‌گذاری‌ها هوشمند است و ترافیک و تقاضا میزان آن را افزایش می‌دهد و افزایش کرایه‌ها ارتباطی به حمله سایبری نداشته است؛ اولین واکنش رسمی به این اتفاق از سوی اسنپ ظهر دیروز در اطلاعیه‌ای کوتاه صورت گرفت. در این اطلاعیه اعلام شد که ناوگان اسنپ هم به‌واسطه این اتفاق با مشکل سوختگیری مواجه شده و از پاسخ به سوالات کاربران به‌منظور ارائه خدمت به کاربران و انجام سفر کاهش پیدا کرده است و از طرفی استفاده از خودروهای شخصی نیز کاهش یافت و همین موضوع منجر به افزایش تقاضای سفر از سوی کاربران مسافر شده است. این شرکت در اطلاعیه‌اش نوشت: «از آنجایی که قیمت‌گذاری در اسنپ پویاست و به‌عنوان اهمی برای متعادل کردن میزان عرضه و تقاضا عمل می‌کند، برای مقطعی با افزایش غیرمتعارف قیمت مواجه بودیم تا درخواست‌ها به سفر تبدیل شوند.» درست در ساعت‌هایی که وزارت نفت و دیگر مسوولان کشور آرام آرام خبر از به راه افتادن سیستم سوخت‌رسانی می‌دادند، شرکت اسنپ با برگزاری جلسه‌ای تصمیم گرفته است «با تخصیص بخشی از منابع مالی اسنپ در قالب طرح‌های تشویقی، کاربران راننده را تشویق به فعالیت» کند!

این ماجرا دیروز چهارشنبه به نوعی دیگر حل شده بود که این شرکت اعلام کرد: «از ساعت ۱۲ ظهر روز چهارشنبه (مورخ ۵ آبان‌ماه ۱۴۰۰) لغایت ۱۲ شب کمیسیون دریافتی اسنپ در شهر تهران را به میزان بیش از ۵۰ درصد کاهش داده و به ۲ درصد رسانده است» تا از این طریق بتواند «کمک‌موثری در ساماندهی حمل‌ونقل شهروندان» داشته باشد. شرکت تپسی هم در پاسخ به سوالات جام‌جم اعلام کرد با اتخاذ تصمیماتی توانسته است سرویس دهی را در این شرایط حفظ و به شرایط عادی برگرداند. روابط‌عمومی این شرکت برای جام‌جم نوشته است، «پرداخت ما به متفاوت هزینه بنزین دولتی و آزاد به رانندگان فعال تپسی، کنترل دستی قیمت سفرها برای جلوگیری از افزایش غیرمتعارف، فعال کردن طرح‌های تشویقی برای رانندگان پاره‌وقت و غیرفعال رای افزایش تعداد رانندگان فعال و اطلاع‌رسانی درباره جایگاه‌های فعال سوخت» از جمله این اقدامات بوده است. البته که آنها گفته‌اند این تصمیمات تا روز چهارشنبه هم کارایی داشته است.

احقاق حق مردم؛ برخورد با شرکت‌ها؟

در این میان بسیاری از کاربران معتقدند نه تنها اقدام این شرکت‌ها سوءاستفاده از شرایط موجود بوده بلکه از مسوولان می‌خواهند با این رفتارها برخورد‌های قانونی شود. پرتکرارترین خواسته میان گفته‌های آنها،

اتکا به موضوع «احقاق حقوق عامه» بوده است.

موردی که اتفاق در دوره کوتاه حضور ابراهیم رئیسی در قوه‌قضاییه روی آن تأکید بسیاری شده بود. برای نمونه او تأکید کرده بود: «قوه‌قضاییه در رابطه با حقوق عامه ساکت نمی‌نشیند.»

از بهروز مهاجری، قاضی دادگستری تهران می‌پرسیم قانون احقاق حقوق عامه که حالا یکی از رسالت‌های اصلی دستگاه قضا هم عنوان شده است، چیست؟

او به جام‌جم می‌گوید: «قانون احیای حقوق عامه، قانون ارزشمندی است که

و تخییر آب در نتیجه کاهش ابرناکی و بارندگی، افزایش می‌یابد و موجب کاهش هرساله تراز این دریاچه می‌شود.» وی ادامه داد: «علل کاهش بارندگی در منطقه دریای خزر از جهات مختلفی قابل بررسی است اما نباید فراموش کنیم که از طرفی به تغییر اقلیم ناشی از فعالیت‌های بشری نیز ارتباط دارد.»/ایسنا

مسوولیت گمشده اجتماعی

مردم می‌گویند رفتار برخی مدیران تپسی و اسنپ مصداق سوءاستفاده از وضعیت پیش‌آمده بوده است. آنها اما می‌گویند تغییر قیمت‌ها از عهده تصمیمات‌شان خارج بوده و به صورت هوشمند اجرا شده است.

در این میان اما بحثی شکل گرفته که کمتر به آن پرداخته شده است، مفهوم «مسوولیت اجتماعی شرکت‌ها» که بسیاری معتقدند در ارتباط با اغلب شرکت‌های ایرانی کارکردی تزئینی دارد، درست‌مثل بسیاری از باشگاه‌های ورزشی که نامشان همواره با پیوست باشگاه فرهنگی ورزشی عنوان می‌شود اما دروغ از انجام یک فعالیت در حوزه ارتقای فرهنگ در این باشگاه‌ها.

خلأ مسوولیت اجتماعی شرکت‌ها درست در چنین بزنگاه‌هایی آشکار می‌شود. مسوولیت اجتماعی شرکتی، مجموعه وظایف و تعهداتی است که شرکت‌ها باید در جهت حفظ، مراقبت و کمک به جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند، انجام دهند. بر اساس این تعریف، یعنی دقیق‌هان چیزی که تپسی و اسنپ انجام نداده‌اند. مصداق‌های بسیاری هم وجود دارد بر انجام گرفتن چنین مسوولیت‌هایی از سوی شرکت‌ها و نهاده‌ا، به عنوان مثال بسیاری از بانک‌های ایرانی پس از زلزله کرمانشاه تصمیم گرفتند به جای انتشار سررسیدهای معمول خود در نوروز، هزینه آن را به زلزله‌زدگان غرب کشور اختصاص دهند، فراگیری کرونا هم این حوزه را پررنگ‌تر کرد و شاهد مصداق‌های بیشتری در این حوزه از سوی شرکت‌های مختلف بودیم.

در خلال بحران فراگیری کرونا، یکی از بزرگ‌ترین واحدهای صنفی تولید پوشاک در کهریزک تهران اقدام به تغییر کاربری خطوط تولیدی خود کرد و با تولید دستکش، ماسک و لباس مراقبت پزشکی مسوولیت‌پذیری خود در قبال بحران به وجود آمده را نشان داد.

جای خالی اخلاق

از زاویه دیگری هم می‌توان به این اتفاق نگاه کرد. برخی باور دارند چنین رویکردهایی می‌تواند نشانه‌های دیگری از افول اخلاق اجتماعی باشد. کارشناسان هم معتقدند هنوز مسوولیت اجتماعی شرکت‌ها، اولویتی در بدنه مدیریتی آنها ندارد. آنها معتقدند مسوولیت اجتماعی شرکت‌ها در پیوند با مسوولیت شرکت در برابر جامعه، انسان‌ها و محیطی است که شرکت در آن فعالیت می‌کند و این مسوولیت معمولاً از فعالیت‌های اقتصادی و مالی فراتر می‌رود.

احد فرامرز قراملکی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران معتقد است مسوولیت اجتماعی شرکت‌ها فعالیت‌هایی است که پیش‌برنده سود و منفعت اجتماعی بوده و فراتر از منافع سازمان و آن چیزی است که قانون پایسته می‌دارد. این استاد فلسفه اخلاق معتقد است نظام مدیریتی در ایران همواره بر این مبنا بوده که نگاهی عمودی به شهروندان داشته و همین نگاه در شرکت‌های خصوصی هم بسط داده شده است. او به جام‌جم می‌گوید: «اخلاق حرفه‌ای پایبندی به حقوق است و به نوعی نحوه مواجهه و تعامل با دیگران و بر اساس رعایت حقوق دیگران است. اخلاق چیزی نیست جز مسوولیت‌پذیری و مسوولیت در قبال دیگران بنابرین آنچه در اخلاق حرفه‌ای مهم است اخلاق سازمانی است.» قراملکی معتقد است برای این‌که یک سازمان یا شرکت موفق باشد باید یک‌سری عوامل از جمله، رضایت مشتری، انگیزش کارکنان، جذب نیروی انسانی حرفه‌ای، افزایش توان فناوری، رشد منابع مالی، ارتقای بهره‌وری و مشارکت را افزایش داده و برخی عوامل مانند تنه‌های سازمانی، تهدیدهای محیط و انرژی منفی را کاهش دهد تا بتواند در عرصه رقابت حضور فعال داشته باشد. او ادامه می‌دهد: «در اخلاق حرفه‌ای آمده است عملکرد امروز را به گونه‌ای بهینه کنیم که بازار فردا تضمین شود. منظور از اخلاق حرفه‌ای مسوولیت‌های اخلاقی سازمان در قبال حقوق محیط است. لذا سازمانی اخلاقی عمل می‌کند که حقوق محیط را بشناسد و آن را رعایت کند. سازمان باید بداند در قبال چه کسانی و چه نهادهایی مسوولیت دارد و این افراد و نهاده‌ا چه اولویت‌هایی دارند.» به این ترتیب با توجه به گلايه‌های شهروندان و نظرات کارشناسان باید گفت، بهتر است دستگاه‌های مسوؤل نظارت بهتری روی عملکرد شرکت‌های تاکسی اینترنتی داشته باشند، زیرا این شرکت‌ها به دلیل نبود بازار رقابتی، سود سرشاری به دست می‌آورند اما در مواقعی که شهروندان نیاز به همراهی آنها دارند، بیش از همه چیز به سود خود می‌اندیشند و حاضر نیستند برای حل مشکلات شهروندان قدم‌هایی هر چند کوچک بردارند. فراموش نکنیم بسیاری از شهروندان از این شرکت‌ها توقع کاهش قیمت خدماتشان را ندارند آنها از افزایش بهای این خدمات و کاهش آن گلايه دارند.

حوادث ۱۹ جامجم

تلنگر

سرقت کامیون توسط مامور قلابی با آبیموه مسموم

پلیس پایتخت به دنبال سارقی است که با آبیموه، کامیون رانندهای را سرقت کرد. متهم پس از این دزدی با ترفندی عجیب، حساب خالی طعمهاش را هم خالی کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، چندی قبل راننده کامیونی با مراجعه به پلیس تهران از سرقت کامیونش و موجودی حساب بانکیاش خبر داد.

این راننده به ماموران گفت: در غرب تهران در حال خالی کردن بار بودم که مردی به من مراجعه کرد و خواست برای آوردن باری به شمال کشور برویم که قبول کردم. بار کامیون که خالی شد همراه او راهی شهر ری شد. کامیون شدم، نرسیده به کرج او خواست توقف کنم تا کمی خرید کند. از مغازهای آبیموه خرید و بازگشت. بعد از خوردن آبیموه، سرم گیج رفت و کنار جاده توقف کردم که دیگر متوجه چیزی نشدم. یک روز بعد در بیمارستان به هوش آمدم و متوجه شدم او، کامیونم را سرقت کرده است. رانندهای مرا کنار جاده پیدا کرده و به بیمارستان رسانده بود. وقتی به خانه رفتم، خانوادهام گفتند مردی با آنها تماس گرفته و خودش را معرفی کرده و رمز کارتهای بانکی مرا از آنها گرفته است. سریع راهی بانک شدم و کارمند آنجا به من گفت همه موجودی حسابم برداشت شده است.

پس از این شکایت تحقیقات ماموران آغاز شد و کامیون را در حالی که حوالی تهران رها شده و لوازم با ارزش آن سرقت شده بود، کشف کردند.

تحقیقات برای دستگیری سارق ادامه دارد.

قطار یزد- تهران آتش گرفت



قطار یزد به تهران دیروز در حوالی نایین دچار حریق شد و گرچه تلفات جانی و مصدومیت جدی نداشت، اما مسافران از سرگردانی چند ساعته، گلایه داشتند. این حریق که دیروز صبح اتفاق افتاد، توسط نیروهای آتش نشانی به سرعت مهار شد. این حادثه خوشبختانه تلفات جانی نداشته و یکی از مسافران نیز آسیب جزئی دیده است.

معمای مرگ دختر تنها با گاز

تحقیقات پلیسی درباره مرگ مشکوک دختر جوان در خانهاش با گاز، پلیس را به پسر مورد علاقه او رساند. این پسر منکر اطلاع از مرگ دختر ۳۸ساله شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، بهار امسال زنی در تماس با پلیس ۱۱۰تهران گفت: خواهرم در خانهای در محله نواب زندگی می کرد. امروز هر چه با او تماس گرفتم پاسخگو نبود. به موضوع مشکوک شدم و مقابل خانهاش آمدم اما در را باز نمی کرد. از داخل خانهاش بوی گاز به مشام می رسید. قایقی بعد، ماموران پلیس همراه امدادگران آتش نشانی و اورژانس در این خانه حاضر شده و بعد از شکستن در و ورود به آنجا، با جسد دختر ۳۸ساله نیز در آشپزخانه روبه رو شدند. گاز نیز فضای خانه را پر کرده بود.

با توجه به مشکوک بودن مرگ این دختر، جسد برای تعیین علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد که پزشکان مرگ او را خفگی ناشی از نارسایی حاد تنفسی اعلام کردند.

از سوی دیگر در تحقیقات مشخص شد این دختر مدتی است با پسر جوان آشنا شده و چند بار با او به رستوران رفته است. چند روز قبل این پسر شناسایی و برای تحقیقات به دادسرای جنایی تهران احضار شد. او در بازجوییها گفت: سه سال قبل با دختر جوان در یک کافه آشنا شده و مدتی با هم در ارتباط بودیم تا این که این دوستی تمام شد و از هم بی خبر بودیم. یک سال قبل دوباره هم را دیده و دوستی مان شروع شد. من طراح دکوراسیون داخلی هستم و یک روز او با من تماس گرفت و گفت خانهای را به تازگی گرفته و خواست در طراحی داخلی آن کمکش کنم. بعد قرار شد آدرس آنجا را برابم بفرستم اما نفرستاد و دیگر به تماس هایم جواب نداد که متوجه کار رفتگی او شدم.

تحقیقات درباره این پرونده و ادعای پسر جوان در پلیس آگاهی ادامه دارد.



ردیابی فعالیتها و شناسایی افرادی که در دارک وب حضور دارند، برای نیروهای پلیس تقریباً غیرممکن و دشوار است. در این شبکه اطلاعات جامعی نهفته شده، مثل اطلاعات دستگاههای دولتی و پلیس یا اطلاعات دزدیده شده از دیگر کاربران اینترنتی که افراد ناشناس آنها را کنترل و مدیریت می کنند.

شده است. نیروهای پلیس موفق شده اند بزرگ ترین عملیات در نوع خود را علیه تبهکاران اینترنتی با موفقیت به پایان برسانند. در این عملیات آژانس پلیس اروپا با نیروهای پلیس در کشورهای مختلف جهان، ازجمله استرالیا، بلغارستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا، هلند، سوئیس، انگلیس و ایالات متحده همکاری کرده است.

یورویل ۱۵۰ خلافکار فعال در فضای مجازی را بازداشت کرد

یورویل روز سه شنبه اعلام کرد که حدود ۱۵۰ نفر را که به فروش مواد مخدر یا اسلحه در دارک وب (وب تاریک) مشغول بودند، بازداشت کرده است. به گزارش ایسنا، آژانس پلیس اروپا اعلام کرد: «در این عملیات موسوم به دارک هانتور، چندین میلیون یورو پول نقد، بیت کوین و همچنین مواد مخدر و سلاح کشف و ضبط

گفت وگو با مردسالخورده که پسرش را کشت

می خواستم پسرم را داماد کنم اما کشتمش!

فرشید، مرد سالخورده ای است که به اتهام قتل پسرش بازداشت شده و مدتی است که در زندان به سر می برد. ۴۱مرداد سال گذشته با پسرش درگیر شد. از اینکه مدام مجبور بود خرج او را بدهد، خسته شده بود. این درگیری و عصبانیت باعث شد پسرش را با ضربه های چاقو به قتل برساند و برای افشانشدن راز قتل، جسد را تکه تکه کرد و درمیان زباله ها انداخت. او بعد از این جنایت با داستان سرایی می گفت پسرش به دبی رفته است. ۹ماه توانست راز قتل را پنهان کند اما سرانجام با شکایت یکی از پسرانش دستگیر شد و در بازجویی ها راز قتل را فاش کرد. مرد فرزندکش صحنه قتل را بازسازی کرد و روانه زندان شد. قرار است وی به زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شود. در پشت صحنه یک جنایت این هفته با این متهم سالخورده گفت وگو کردیم که در ادامه می خوانید.

معصومه ملکی
حوادث

ماجرای اختلافتان چه بود؟

چند سال قبل با فوت همسرم دیگر ازدواج نکردم و با بچه هایم زندگی می کردم اما یکی از پسرانم به نام اشکان بنای ناسازگاری گذاشت. هر بار پول بیشتری می خواست و کم کم باعث اختلاف و درگیری مان شد. سال ها برایش زحمت کشیده بودم اما بدرفتاری و بی احترامی می کرد. دیگر نمی خواستم کنارم باشد.

چطور او را کشتی؟

رفتارش خسته ام کرده بود و می خواستم تنبیهش کنم نه او را بکشم. آن شب من و پسرم در خانه تنها بودیم. حرف های نامناسب و توهین آمیز به من زد و ناراحتم کرد. عصبانی شدم، چاقو را برداشته و با ضربه های چاقو او را کشتم. چند ساعت بالای سرش بودم و گریه می کردم. ترسیده بودم و عذاب وجدان داشتم که چرا پسرم را کشتم. فرزندان دیگرم فردای آن روز به خانه باز می گشتند و باید جسد را از بین می بردم. ممکن بود اگر بفهمند، اتفاقات بدتری بیفتد.

جسد را کجا بردی؟

جسد سنگین بود. آن را تکه تکه کرده

و با انداختن در چند نایلون نیمه شب در خودرویم گذاشته و بیرون بردم. اطراف را نگاه می کردم که خودروی پلیس در خیابان به من شک نکند. به چند محله تهران رفتم و بخشی از آن را در وسط های زباله و سر پسرم را داخل رودخانه ای در اطراف تهران انداختم.

بعد چه شد؟

به خانه بازگشتم، آنجا را تمیز کردم و لباس های خونی ام را از بین بردم. تا صبح نخوابیدم و به هر جای خانه نگاه می کردم بدن تکه تکه شده پسرم را می دیدم. خون های روی دستم را شستم اما انگار در ذهنم خون ها پاک نمی شد. روز بعد بچه هایم آمدند و سراغ برادرشان را گرفتند و به دروغ گفتم به خانه دوستش رفته است. آخرین دروغم این بود که زنگ زده و گفته برای کاروندگی به دبی رفته و معلوم نیست کی برمی گردد.

داستان دبی رفتن را باور کردی؟

اوایل قبول کردند اما بعد از چند ماه یکی از پسرانم شک کرد و مدام سوال پیچم می کرد و دنبال برادرش بود.

مرگ تلخ ۳ کارگر در مخزن ازت



سه نفر از هفت کارگر حادثه دیده در شرکت فولاد ناب آرش ابهر به علت سقوط به درون مخزن گاز نیتروژن دچار مسمومیت شدید و فگی شده و جان خود را از دست دادند.

به گزارش خبرنگار جام جم، مسؤول روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی استان زنجان در این باره گفت: ساعت ۱۵ و ۵۷ دقیقه سه شنبه وقوع حادثه مسمومیت و خفگی با گاز نیتروژن به مرکز فوریت های پزشکی ۱۱۵ زنجان اعلام و درخواست کمک شد که

بلافاصله سه دستگاه آمبولانس از پایگاه های قروه و پایگاه ریلی شهرستان خرمدره عازم محل می شوند.

بلاتفاصله سه دستگاه آمبولانس از پایگاه های قروه و پایگاه ریلی شهرستان خرمدره عازم محل می شوند. و آنان را تحت عملیات احیای قلبی- ریوی قرار داده و آنها را به بیمارستان الغدیر ابهر انتقال دادند. چند کارگر مصدوم نیز قبل از رسیدن آمبولانس ها به محل با دیگر خودروهای حاضر در محل برای درمان به بیمارستان منتقل شده بودند.

محمدرضا انصاری، سرپرست اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان زنجان نیز درباره علت این حادثه گفت: یک نفر از کارگران برای پاکسازی یکی از دهانه های مخزن آهن اسفنجی، اقدام می کند که به دلایل نامشخص به درون مخزن مخروطی شکل حاوی گاز ازت سقوط می کند که به دنبال آن دو کارگر دیگر برای نجات جان همکار حادثه دیده وارد مخزن شده که خود نیز دچار مسمومیت شدید شده و در پی آن چهار کارگر دیگر نیز گرفتار این حادثه می شوند. وی با بیان این که همکاران ذی ربط اداره کار شهرستان ابهر به مضمض اطلاع از حادثه در محل حاضر می شوند تا در جریان چگونگی این رخداد قرار گیرند، اظهار کرد: در صورت کسب نتیجه و دریافت اطلاعات دقیق و کامل، علت وقوع این حادثه از طریق روابط عمومی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان زنجان اطلاع رسانی خواهد شد.

گروگانگیری پسر عاشق برای گرفتن جواب بله!

جوان را با دست و پای بسته در یکی از اتاق ها پیدا کردند. پسر گروگانگیر هم در خانه حضور داشت که بازداشت شد.

روز گذشته قاضی صاحب جمعی، بازپرس جنایی تهران به تحقیق از متهم و شاکی پرداخت. دختر جوان در شکایت خود گفت: مدتی است با سینا آشنا شده و قرار بود با هم ازدواج کنیم. در این مدت هم چند بار به گردش رفتیم. چند روز قبل پسری به خواستگاریم آمد که به او جوابی ندادم. سینا خیلی شکاک بود و فکر می کرد من می خواهم با آن خواستگار ازدواج کنم. به همین علت به بهانه این که مادرش با من کار دارد، مرا به خانه شان کشاند و گروگان گرفت. فراموش کرد گوشی تلفنم را بگیرد و من هم با آن برای مادرم پیام ارسال کردم.

در ادامه متهم هم در دفاع از خود گفت: من عاشق شاکی هستم و در مدتی که با هم هستیم، تلاش کردم شرایط آرامی برای او فراهم کنم. همه چیز خوب بود تا این که پسر پولداری به خواستگاریش آمد و مرا فراموش کرد. او قصد داشت با این خواستگارش ازدواج کند. به همین دلیل او را به خانه مان کشاندم تا تهدیدش کنم آن خواستگار را فراموش کند. من قصد گروگانگیری نداشتم و فقط می خواستم کاری کنم تا با من ازدواج کند.

بازپرس جنایی پس از تحقیقات از شاکی و متهم، به ماموران پلیس آگاهی ماموریت داد در این باره بیشتر تحقیق کنند.



مجازات فرزندکشی

علی حسینی

کارشناس حقوق

فرزندکشی از گذشته بوده و در تمام جهان شاهد وقوع آن هستیم. این جنایت باتوجه به ابعاد روحی و روانی آن در جامعه، آذهان افراد را درگیر کرده و باعث توجه رسانه ها به آن می شود. خانواده، کانونی گرم در جامعه است که انتظار می رود پدر و مادر، مظهر عطوفت و مهربانی باشند اما گاهی شاهدیم

که چنین قتل هایی به دست پدر یا مادر اتفاق می افتد و ذهن ها را معطوف به تناقضاتی می کند که هضم آن مشکل است. شاید بتوان دو دلیل مهم فرزندکشی را مساله

مالکیت پدر خانواده و دیگری نبود مجازات منطقی پدری که قاتل است، دانست. در ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ هم موانع قصاص مقرر شده و براین اساس پدر یا جد پدری بودن از موانع قصاص قاتل است. در پرونده های فرزندکشی که قاتل پدر است او با توجه به این ماده قصاص نمی شود البته براساس ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی برای این متهم مجازات در نظر گرفته می شود. در این ماده آمده است، هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد یا به هر علت قصاص نشوده (ازجمله قتل فرزند توسط پدر) در صورتی که اقدام وی یعنی قتل ارتكابی موجب اخلال در نظم، صیانت و امنیت جامعه شود، مستوجب مجازات ۳ تا ۱۰سال حبس است.

قاتل او بود. بعد از دستگیری و حتی اکنون که زندان هستم سراغم نیامده اند؛ البته حق دارند و امیدوارم حلالم کنند. آنها جسد را جمع آوری کرده و قبری برای پسرم درست کرده اند. زنده بود و دامادش می کردم.

اگر زمان به عقب بازمی گشت؟

برکینه و خشمم غلبه می کردم و الان پسرم

زنده بود و دامادش می کردم.

مرگ مشکوک دختر ۱۷ساله در زیرزمین

پزشکی قانونی معمای مرگ مشکوک دختر نوجوان را که پیکر حلق آویزش در خانه پیدا شده بود، بازگشایی می کند.

به گزارش خبرنگار جام جم، بامداد دیروز مرگ مشکوک دختر ۱۷ساله ای از طریق ماموران پلیس به بازپرس جنایی تهران گزارش شد. بررسی ها نشان داد این دختر در حالی که نیمه جان بود از سوی خانواده اش به بیمارستان الغدیر تهران انتقال یافت. خانواده اش ادعا کردند او خودکشی کرده است. پزشکان برای نجات جان او تلاش زیادی کردند اما دختر نوجوان دچار مرگ مغزی شد و جان باخت.

با دستور بازپرس جنایی، تحقیقات از پدر این دختر آغاز شد که او اظهار کرد: من شش بچه دارم و در خانه ای قدیمی در محل فرجام زندگی می کنم. امروز همراه همسرم به لواسان رفتیم تا کوسفند بخیریم. وقتی به خانه آمدم از دختر ۱۷ ساله ام خبری نبود. به موضوع مشکوک شده و به بازرسی خانه پرداختیم که در زیرزمین با او در حالی که خود را از لوله آب حلق آویز کرده بود روبه رو شدم.

سریع طباب را باز کرده و او را به بیمارستان انتقال دادم. اما پزشکان هرچه تلاش کردند نتوانستند او را به زندگی بازگردانند.

این در حالی است که تحقیقات از نزدیکان این دختر نشان داد او سابقه خودکشی یا افسردگی نداشته است.

با دستور بازپرس جنایی، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات در این باره ادامه دارد.

۲۴کشته و زخمی

در تصادف زنجیره ای ۳۰خودرو



تصادف زنجیره ای ۳۰ خودرو در آزادراه کرج - قزوین ۲۳مصدوم و یک فوتی بر جای گذاشت. به گزارش جام جم، ساعت ۹و۵دقیقه صبح چهارشنبه ۵ آبان، ۳۰دستگاه خودرو در آزادراه کرج-قزوین با یکدیگر برخورد کردند. به گفته مهرداد بابایی، رئیس مرکز اورژانس البرز این حادثه یک فوتی و ۲۳مصدوم شامل ۱۱خانم و ۱۲آقا داشته است. ۴نفر از مصدومان در محل از اقدامات درمانی اولیه تکنیسین های اورژانس بهره مند و درمان سرپایی شدند. ۱۱مصدوم به بیمارستان شهیدمدنی کرج، ۷مصدوم به بیمارستان امامجعفرصادق(ع) و یک نفر نیز توسط بالگرد به بیمارستان البرز منتقل شدند. بابایی گفت: یک نفر آقا حدود ۱۹ساله نیز با وجود تلاش های انجام شده به دلیل شدت جراحات در بیمارستان جان باخت. یکی از مصدومان این تصادف به باشگاه خبرنگاران جوان گفت: گازوئیل در آزادراه ریخته بودند و ترمزمان نگرفت. یکی از دیگر مصدومان افزود: جاده تاریک و لغزنده بود و فکر می کنم گازوئیل ریخته بودند. اما سرهنگ گودرزی، رئیس پلیس راه البرز در تشریح علت وقوع تصادف زنجیره ای در آزادراه کرج-قزوین گفت: علت حادثه سرعت غیرمجاز رانندگان و کنترل نشدن خودرو در جاده لغزده بوده است. ابتدای صبح یارش کمی هم در سطح این محور داشتیم.

[illegible]

**مقطع
حساس کنونی**

**نیروی اراده
ولینگ ثبت نام**

چهل سال پیش
در یکی از شهرستان های
مرزی، زن و مرد جوانی
زندگی می کردند. مرد به
شغل رانندگی و وانت
مشغول بود و زن هر
در مزرعه کوچکی که
داشتند، چیزهای
مختلفی کاشته بود و به آن رسیدگی می کرد.
آنرا یک بیس هشت ساله بفرو می برد.

کافه
میرداماد

فصلنامه پیشه بر این باور است که مرز پرورشی بین شوخی و لودگی وجود دارد

شوخی با خصلت‌های منفی

قناعت‌پیشه درباره تفاوت شوخی و لودگی می‌گوید: در شوخی و طنز حرفی برای گفتن وجود دارد. در شرایطی که نمی‌توان حرفی را جدی گفت از زبان طنز و شوخی استفاده می‌شود. در این شرایط شنونده، هم می‌خندد و هم درباره آنچه شنیده یا دیده فکر می‌کند. در شوخی مرزهای اخلاقی حفظ می‌شود اما لودگی، گرفتن خنده است به هر شکلی که شده. در لودگی حد و مرز و خط قرمزی وجود ندارد چون مهم خندان است و گاهی بسیار خندانند. خندانان در شبکه‌های اجتماعی یکی از راه‌های جذب مخاطب و دنبال‌کننده است. برخی که تعدادشان زیاد هم نیست اصول طنز را می‌شناسند و می‌دانند چگونه باید وارد حوزه خندانان شوند. اما بیشتر کسانی که در شبکه‌های اجتماعی شوخی می‌کنند یا محتوای طنز تولید می‌کنند وارد لودگی می‌شوند. آنها همه مرزها را رد می‌کنند تا فقط بخنداند. دنبال‌کننده زیادی هم دارند چون ما درباره طنز درست و به اصطلاح فاخر کم‌کاریم، مردم دوست دارند بخندند و چون به طنز خوب دسترسی ندارند به سمت لودگی می‌روند. ما معمولاً در جمع که قرار می‌گیریم یک نفر را سوژه می‌کنیم و به او می‌خندیم. این می‌گویند با هم بخندیم، به هم نخندیم به نظر اشتباه است. ما باید به هم بخندیم اما نه به اصل و ماهیت یکدیگر بلکه به صفات بدمان. وقتی یک نفر خصلتی دارد که آزاددهنده است اگر به صورت جدی به او بگوییم به احتمال زیاد ناراحت می‌شود و یا ما قطع ارتباط می‌کنیم اما اگر با زبان شوخی با او وارد صحبت شویم احتمال این‌که ناراحت شود بسیار کم است. خندانان اصلاً کار ساده‌ای نیست و آنهاهی می‌توانند طناز باشند و بخنداند که این خصلت در آنها به صورت ذاتی وجود داشته باشد. این‌گونه آدم‌ها در هر شرایطی هرچند سخت و دشوار به هرحال بخش طنز ما چرا را هم می‌بینند. هم خودشان به آن می‌خندند و هم طوری آن را بیان می‌کنند که دیگران را به خنده بیندازند. حالا اگر قهقهه نشد یک لبخند روی لب‌ها می‌سازند.

مجید رستم بیگی، ۴۰ ساله بعد به یکی از موفق ترین سخنرانان انگیزشی کشور تبدیل شد که چند کتاب درباره نیروی اراده نوشته و با شیوه درمانی ابداعی خود صدها نفر از بیماری نجات بخشیده بود. همچنین وینار بزرگ «توانایی های گسترده انسان: به نهایت به توان به نهایت» با سخنرانی مجید رستم بیگی، پنجشنبه و جمعه هفته آینده برگزار خواهد شد. این شرکت در اهر و وینار کافی است. عدد یک را به سرشماره... پیامک کنید تا نامید تا اینکه ثبت نام به قیمت سه میلیون تومان برای نفر برای شما ارسال گردد! ❏

بازی برای مصاحبه کاری می‌رود بستگی به لیختندش دارد. به خصوص اگر در لیختند، ندانان هایش هم کمی دیده شود. ۱۰ درصد پوشش، ۱۰ درصد آرایش و مرتبی مو، ۱۰ درصد بوی خوش و عطری که فرد استفاده کرده در موفقیت اولیه خیل است. باور کنیم آدم‌های عیوس و بد اخلاق و بد اخم کمتر شانس موفقیت دارند. مردم ذاتا دوست دارند با آدم خوش خلق و خنده‌رو مواجه و مشیت باشند. برخی معروفند به خوش خنده. به نظر منغش بسیار خوبی است. این گونه آدم‌ها در میان انبوه اخبار و شرایط بد، می‌گردند و آن بخشی که روشن است و مثبت را پیدا می‌کنند. باورشان این است که ما به دنیا آمده‌ایم، به خواست خودمان می‌نویسیم. درست مثل حضور در یک مهمانی شاید نخواستیم. حال می‌توان از حضور در این مهمانی لذت برد یا می‌توان مدام غرزد، از غذا ایراد گرفت و گفت چرا این شربت اینقدر شیرین است! چرا زمین کج است و چرا من آن طرف میز ننشسته‌ام. آدم خوش خنده که همه ما دوستش داریم همان آدم مثبتی است که تلاش می‌کند شرایط را بهبود بخشد، با آدم‌های دیگر همدردی می‌کند و آنها را دل‌داری هم می‌دهد اما نمی‌گذارد در مرداب اندوه گیر بیفتند.

از یاد من می‌رود. اتفاقاً باید کسانی را به خاطر بسپاریم که ما را شاد کرده‌اند چون زندگی در اندوه و غمگین بودن متأسفانه دارد به عادت ما تبدیل می‌شود و تقویت آن بیشتر از این دیگر ظلم به خود و نسل آینده و اطرافیان ما است. با مهبد قناعت‌پسایز یکی از مرجان رادیو صبا که اصل نام‌های سران در آن طنز است هم صحبت شدم تا درباره اما و اگرهای خندیدن و چگونه خندیدن برپایان بگوید. اگر به کارنامه این گوینده به مجری‌نگاهی بیندازم متوجه می‌شوم کتاب‌های مهم ما صدای او تبدیل به کتاب صوتی شده و او با صدای او آگاهی است که حرف‌هایش سطحی و شعاری نیست.

هرچه ناراحت‌تر، بلاکستر، 

قناعت‌پیشه درباره خنده و این‌که چرا برخی در مقابل آن مقاومت کرده و به اصطلاح سخت می‌خندند، می‌گوید: خنده مثل گریه فرآیندی فیزیولوژی است. واکنشی است به احساسی که آن را تجربه می‌کنیم. تحقیقات زیادی در زمینه خنده انجام شده و حالا دیگر دانشمندان می‌دانند و آنها را به اطلاع مردم هم رسانده‌اند که در زمان خنده عمیق چند عضله صورت و کل بدن وارد عمل شده و چه هورمون‌هایی در بدن ترشح می‌شود و چه فوایدی دارد. همین فواید کافی است که ما خنده را در برنامه‌های روزن‌ خود قرار دهیم. راستش را بگویم خندیدن نباید دنبال شرایط و موقعیت‌های خاص بگردد. فقط کافی است با خودمان صادق باشیم و اجازه بدهیم بدمان به برخی احساسات

دنبال هر چیزی باشی همان را پیدا می‌کنی. برخی مدام دنبال غصه و اندوه‌اند پس همان را پیدا می‌کنند. به باور من غم مثل مرداب است که اگر وارد آن شوی، گیر می‌افتی و نابود می‌شوی، شرایط سخت است و روزگار دشوار اما در میان همه اینها می‌توان درستی را پیدا کرد و کمی هم شاد بود و خندید. اتفاقاً رفتار مهربانانه تاوام با شادی یکی از راه‌های رسیدن به موفقیت و پیشرفت است.

بخند تا دنیا بهت بخندد! 

الان دیگر همه آنهایی که درباره موفقیت بی‌زوش کرده و درباره آن نظریه داده و آنها را ترویج می‌کنند به این باورند که دنیا بدن و ظاهر آدم‌ها تاثیر زیادی در موفقیت آنها دارد. می‌گویند ۴۰ تا ۶۰ درصد موفقیت یک فرد زمانی‌که به جمعی وارد می‌شود



تلنگر

خنده‌هایی که جان می‌گیرند!

🔪 شلیک ۹ گلوله در
ازای یک خنده
تمسخرآمیز! مرد
آمریکایی این‌طور با
پسرپریچه ۱۳ساله تسویه
حساب کرده بود. این
را اتفاقی در یک مطلب
روانمانگار



علیرضا زافاتی

خبری خواندم. مردی آمریکایی از خیابان
می‌گذشته که می‌بند پسرپریچه‌ای دارد به او
می‌خندد و همین خنده آغاز یک درگیری
می‌شود و شلیک ۹ گلوله و قتل پسرپریچه به
جرم خندیدن.

از آن چیزهایی است که آدم هم تعجب می‌کند، هم غمگین می‌شود و هم با خودش می‌گوید یک اتفاق افتاده که در گوشه‌ای از دنیا افتاده و قطعاً به طور معمول اتفاق نمی‌افتد اما با کمی جست‌وجوی بیشتر متوجه می‌شویم این نوع قتل‌ها در دنیا کم نیستند و نمونه دیگرش مردی به نام «کنت منزرائس» که همسرش را به دلیل این که خنده تمسخرآمیزش به او قطع نکرده به شکل وحشیانه‌ای به قتل رسانده است.

اما آدم از جایی به بعد با خودش می‌گوید این اتفاق‌ها برای فرهنگ غرب وحشی است که مثل آب خوردن آدم می‌کشند و حالا در این موارد دلیل‌شان خنده بوده، در هسایگی ماکه اصلاً حرفش را نن! امکان ندارد چنین اتفاق‌هایی بیفتد. مسافانه اما با یک جست‌وجوی سبقت، یادآوری اخبار داخلی و به خصوص اخبار حوادث روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها به نتیجه‌ای متفاوت و تکان‌دهنده می‌رسیم:

«سال ۸۲ مردی همراه پسرش ساله‌اش به یک میوه‌فروشی می‌روند تا برای خانه خرید کنند. پسر بچه در میوه‌فروشی می‌گوید: ماما! گفته زیاد پول خرج نکن! و مردم در میوه‌فروشی به این حرف پسر بچه می‌خندند. مرد با عصبانیت به خانه می‌رود و همسرش را به ضرب چاقو به قتل می‌رساند.»

«بزرگوار! امس، بزرگوار! دستگیر شده است. اگر رابه بلند صدای بلند خنده‌ای به قتل رسانده است. مرد در اعتراضاتش گفته صدای خنده چند کارگر خانه نیمه‌کاره کناری‌شان مزاح‌آرامش خانواده‌اش می‌شده و او پس از این که چندبار تذکرش بی‌نتیجه بوده، اقدام به درگیری با چاقو و قتل یکی از کارگرها کرده است.»

این‌ها تنها دو مورد از قتل‌هایی بودند که در کشور خودمان به‌خاطر خنده اتفاق افتاده‌اند. این یادداشت صرفاً بازنشر چند خبر عجیب و غریب است. امید است که با خبرهای دیگری که در آینده به‌تازگی در دسترس شما قرار می‌گیرد، مراقب خنده‌هایتان باشید!

۲ آبان ۱۳۸۰

تصویب قانون جرمه پرمصرف‌های آب

مجلس به شرکت آب و فاضلاب اجازه داد در ازای مصارف مازاد بر الگوی مصرف مشترکان از شبکه‌های آب شهری حداکثر تا معادل دو برابر قیمت‌های مصوب و به ترتیبی که هیأت‌وزیران تعیین کند، جریمه دریافت کند. این تصمیم به دنبال بررسی و تصویب طرح فوریتی الحاق یک بند و دو تبصره به ماده ۱۳۳ قانون برنامه سوم توسعه برای تعیین نرخ آب‌شرب برای مصارف بیش از الگوی مصرف و صرف درآمد ناشی از آن در بازسازی شبکه‌های فرسوده اتخاذ شد. (صفحه ۲)

۶ آبان ۱۳۸۰

دایای برگشت

علی دایای دیروز به کشورمان برگشت. او که پس از مصدومیت در بازی با بحرین و به دلیل محرومیت از بازی رفت با امارات، ایران را ترک کرده بود صبح دیروز به کشور برگشت و در تمرین بعد از ظهر تیم ملی حاضر شد و نشان داد که کاملاً بهبود پیدا کرده است. (صفحه ۱۵)

آمار بالای مبتلایان به هیپاتیت در ایران

طلاق و آسیبی به نام دختران فراری

مدیرکل آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی گفت: ۹۵ درصد دختران فراری و زنان آسیب دیده محصول پدیده طلاق هستند. دکتر سیدهایلی معتمدی گفت: در سال گذشته حدود ۵۰ هزار طلاق به ثبت رسیده است. بیکاری، اعتیاد و اختلافات خانوادگی دلایل اصلی طلاق هستند. (صفحه ۱۳)

جام جم

شماره ۱۳۳۳ - ۱۳۹۳/۰۳/۰۳

روزنامه ورزشی و تفریحی

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸

پخش: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸

آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳۳

وبسایت: www.jamj.com

تورهای ورزشی

بلیت های تورهای ورزشی را از اینجا بخرید

تورهای ورزشی را از اینجا بخرید

تورهای ورزشی را از اینجا بخرید

تورهای ورزشی

بلیت های تورهای ورزشی را از اینجا بخرید

تورهای ورزشی را از اینجا بخرید

تورهای ورزشی را از اینجا بخرید

تورهای ورزشی

بلیت های تورهای ورزشی را از اینجا بخرید

تورهای ورزشی را از اینجا بخرید

تورهای ورزشی را از اینجا بخرید

مهرت ۹ روز به مشرف

بلیت های تورهای ورزشی را از اینجا بخرید

تورهای ورزشی را از اینجا بخرید

تورهای ورزشی را از اینجا بخرید

مهرت ۹ روز به مشرف

بلیت های تورهای ورزشی را از اینجا بخرید

تورهای ورزشی را از اینجا بخرید

تورهای ورزشی را از اینجا بخرید

مهرت ۹ روز به مشرف

بلیت های تورهای ورزشی را از اینجا بخرید

تورهای ورزشی را از اینجا بخرید

تورهای ورزشی را از اینجا بخرید

مهرت ۹ روز به مشرف

بلیت های تورهای ورزشی را از اینجا بخرید

تورهای ورزشی را از اینجا بخرید

تورهای ورزشی را از اینجا بخرید

[illegible]

آمریکا سیاه‌زخم گرفت

روزنامه واشنگتن پست در شماره دیروز خود به نقل از مقام‌های آمریکا نوشت: ماموران تحقیق آمریکایی معتقدند موج اخیر حمله با کتری سیاه‌زخم احتمالاً کار افراطی‌های این کشور است و ربطی به اسامه بن لادن ندارد. به نظر می‌رسد که کار، کار منابع محلی است. پلیس فدرال آمریکایی نیز می‌گوید که پای راستگرایان داخلی و گروه‌های اسلامی افراطی در میان است. (۲هـ)

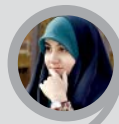


در آستانه روز نوجوان سراغ یک نقطه عطف مهم در زندگی همه پسر ها رفته ایم؛ «سبیل»!

۷

شمارش معکوس برای مرد شدن

یک ابراز نگرانی عمیق



زهرا قربانی
دبیر تحریریه
«نوجوان»

از همان دوران کودکی که گوش هایم تازه تازه به اخبار عادت کرده بود و مثل طوطی کلمات قلمبه سلمبه اخبارگو عصاقورت داده را حفظ می کردم تا خود الان، همیشه دلم می خواست در جایگاه «وی» باشم و یک چیزی را «خاطر نشان» کنم. اما دست و پای تقدیر رساندم به امروز و نوشتن این یادداشت در نوجوانه و برخلاف میل باطنی باید برای یک چیز «ابراز نگرانی» کنم.

ارگان های اسم و رسم دار حوزه نوجوانی که یا جمع شده اند، یا در آستانه خاموشی اند و یا هیچ خبری از علائم حیاتی شان در دست نیست! بنیاد ملی بازی های رایانه ای که از سال ۸۵ در بدو تاسیس تا به الان احتمالا می توانست خیلی کارها در حوزه گیم کرده باشد و خیلی از گره های کور ساخت و ساز و اسکلت بندی بازی های ایرانی را برای نسل نوجوان امروز سرو سامان بدهد در یک قدمی مرگ است. از حوزه هنری کودک و نوجوان که می توانست مامن خیلی از نویسندگان و شاعران بزرگ آینده کشور باشد جوری بی خبریم که انگار هیچ وقت وجود نداشته است یا اوج کودک و نوجوان همین

دو سه سال اخیر بعد از ساخت فصل دوم و سوم برنامه اقیانوس آرام چمدان هایش را از این سازمان به نام حوزه فرهنگ و هنر رسانه بست و رفت. حالا نشسته ام با نگرانی و دلشوره به کم فروغ شدن همین یکی دو سازمان و ارگان و نهادی که انگار آخرین زور هایشان را برای سرپا نگه داشتن اسم نوجوان عملی می کنند، نگاه می کنم که نکند آخر عاقبت شبکه امید، بسیج و انجمن دانش آموزی، کانون پرورش فکری، یا همین دفترهای کوچک برنامه سازی و با آدم های دلسوز برای این قشر سنی، به هر دلیلی تعطیل شود. کسانی که می دانند ۸ آبان چه روزی است

و دور این روز در تقویم دیواری دفتر کوچک مدیریتشان یک خط پررنگ با مازیک قرمز کشیده اند و کل سال را منتظر همین دو روز دیگرند. همین چند نفر دغدغه مندی که از خیل عظیم تئوریسین های اینستاگرامی عقب مانده اند و دیده نمی شوند ولی در میدان عمل خواب و خوراک ندارند بلکه این حوزه یک وقت خدایی نکرده صرفا به ابراز تاسف و دلواپسی دست نوشته های همکاران رسانه ای خلاصه نشود. ابراز نگرانی ام را پررنگ تر بخوانید. من می ترسم از روز هایی که از کاربری نوجوان ها فقط یک اسم دهن پرکن باقی بماند و زمین بخورد و خاطره شود.



پیرمرد و پاییز



چرا پاییز بهاری است که عاشق شده است؟ راستش پاییز که از همان اول عاشق نبود و زمین تا آسمان با پاییز فرق داشت. قبل ترها پاییز زیادی مغرور بود و به غیر از خودش هیچ فصلی را قبول نداشت و می گفتند که پاییز از همه فصل ها ستر است. او حتی حاضر نبود در جلسات گفت و گو بین فصل ها شرکت کند، چون این کار را وقت تلف کردن می دید. پاییز آنقدر عاشق برگ هایش بود که تا شروع زمستان از آنها دل نمی کند و اجازه نمی داد هیچ کدام از آنها زرد و خشک شوند. چون معتقد بود او هم به زیبایی بهار است.

پاییز به خاطر این اخلاقش زیاد بین مردم و فصل های دیگر محبوب بود. به هر حال اعتماد به نفس داشتن هر چیز غیر مهمی را هم مهم می کند. بچه ها دلشان می خواست لباس های گرم جدیدشان را بپوشند و بزرگ ترها می خواستند در خیابان های سرد قدم بزنند و آتش گرم و لبو بخورند. اما به خاطر پاییز تا وقتی که زمستان فرا نمی رسید نه از ریختن برگ ها خبری بود و نه از سرد شدن هوا. تنها کسی که عاشق پاییز بود پیرمرد کوری بود که در خانه کوچکش تک و تنها زندگی می کرد. پیرمرد به خاطر این که همدمی نداشت با درخت ها حرف می زد و از زندگی اش برایشان می گفت. روزهایش را این چنین سپری می کرد. یک روز که پاییز مثل همیشه داشت درخت هایش را دانه به دانه چک می کرد که یک وقت هیچ کدامشان زرد نشده باشند، متوجه صدای آرام و دلنشینی شد که داشت با یک نفر صحبت می کرد. خوب که دقت کرد متوجه پیرمرد شد که داشت با درخت حرف می زد. پاییز گفت: تا وقتی که من به درخت ها اجازه ندهم نمی توانند حرف بزنند. پس چرا الکی با آنها صحبت می کنی؟

پیرمرد جواب داد: همین که می شنوند هم برای من کافی است.

پاییز که کنجکاو شده بود، همان جا ایستاد و به صحبت های پیرمرد گوش داد. آنقدر از آن لذت برد که تصمیم گرفت هر روز برود و حرف های پیرمرد را بشنود. روزها می گذشت و پاییز غافل از این که برگ هایش دارند زرد می شوند به خانه پیرمرد می رفت. جوری که دیگر عاشق پیرمرد شده بود و دوست داشت هر روز ببیندش. هوا سردتر و سردتر می شد و پاییز اصلا حواسش نبود. عشق آنقدر پاییز را کور کرده بود که گذر زمان از دستش در رفت و نفهمید که زمستان فرا رسیده. دل کندن از پیرمرد برای پاییز سخت بود ولی با این حال پاییز به امید دیدن دوباره پیرمرد رفت و تا سال بعد صبر کرد. ولی سال بعد دیگر پیرمرد زنده نبود. پاییز خیلی ناراحت شد و برای اولین بار گریه کرد که باعث شد همه برگ هایش زرد شوند و دیگر هیچ وقت پاییز سابق نشد.



قلمرو

ضمیمه نوجوان

شماره ۷۵ - آبان ۱۴۰۰

نوجوانان

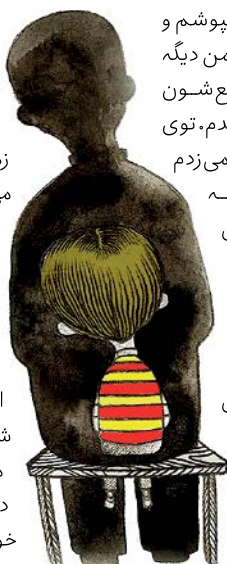


اگه تا حالا

نمی دونستی
چطوری می تونی
برای نوجوانه
مطلب بفرستی
یه راه ساده بهت
پیشنهاد می کنم
کافیه یه پست
با متن زیبا تو
پیج شخصی
خودت بذاری و
#نوجوانه
رو هم پایشش
قرار بدی؛ ما تورو
پیدا می کنیم

حبس از آغاز تولد

بچه تر که بودم همیشه یه کاری می کردم که بزرگ تر به نظر برسم؛ مثلاً هر وقت کفش می خریدم بابا بهم می گفت میتونم کفش های جدیدم رو از همون مغازه بپوشم و باهاشون برم خونه؛ می خواستم به بابا بگم من دیگه بزرگ شدم و میتونم تا موقع پوشیدن به موقع شون صبر کنم و هیچ وقت کفش ها رو نمی پوشیدم. توی ماشین زیر زیرکی از لای جعبه اون ها رو دیدم می زدم و مطمئن می شدم به همون قشنگی ای که توی مغازه دیدم شون هستند. همه قوانین کودکی من در این جمله خلاصه می شد: یه کاری کن بزرگ تر به نظر بیای، اونوخته که جدی می گیرنت و طبق همین قانون همیشه به من سخت می گذشت. وقت هایی که من رو می بردند به پارک به جای بازی کردن می نشستم و به حرف های بزرگسالان شون گوش می دادم. یادمه یه بار شنیدم که یک نفر به مامان و بابام می گفت: دخترتون خیلی منزهویه! نمی دونست که من فقط می خواستم



فاطمه زهرا سبحانی

تهران

جدی گرفته بشم. به نوجوانی که رسیدم دست از تظاهر کشیدم. شاید واسه همین میگن بیشتر نوجوونا عجیبن؛ یا خیلی پراانرژی یا انرژی ندارن. برای من نوجوانی شروع زمانی بود که فهمیدم فقط با خودم بودن می تونم جدی گرفته بشم. کودک حبس شده درونم پس از سال ها آزاد شده و با فراز و نشیب های احساسی مخصوص نوجوانی درآمیخته شده بود و ترکیب عجیبی رو رقم می زد. حالا که به اواسط نوجوانی رسیدم اون کودک تازه آزاد شده خیلی آرام تر شده اما الان اون شاد و آزاده که در محدوده چارچوب هایی که نوجوان درونم برایش گذاشته هر کاری که خواست بکنه.

سید امیرحسین امامی

تهران

داشتند بازی های هیجان انگیز را انجام می دادند. خاطرم هست که با وسط پریدن در صحبت ها سعی می کردم وجودم را در جمع اثبات کنم، ولی خب کسی گوش نمی داد و این بی توجهی صحنه خوب مواجهه با بی محلی ها بود، خیلی مواقع هشدار هم داده می شد که تو در این جمع نباید اظهار نظر کنی! خلاصه من بودم و دوران بلوغی که روان شناسان از آن بلوغ اجتماعی یاد می کنند. من به دنبال پیدا کردن جایگاه اجتماعی خودم در فامیل بودم و به دست آوردنش خون دل می خواست و صبر تا این که واقعا بزرگ ترها به این پی ببرند که تو هم می توانی نظری را ارائه کنی و در مناظره ها و مباحثه هایشان شرکت کنی.



باور کنید من بزرگ شده ام

بچه تر که بودم همیشه کاری می کردم که بزرگ تر به نظر برسم. تصورم این بود که اگر آدم بزرگ ها تماشا کنند که از من چنین کارهایی سر می زند، دیگر مانند بچه ها با من رفتار نخواهند کرد و من هم مخاطب حرف های بزرگانه آنها می شوم. یادم هست که نه از روی میل بلکه از روی افسوس دعوت هم سنی هایم را رد می کردم و به جمع بزرگ ترها می پیوستم و بدون آن که چیزی عایدم بشود فقط به نوع حرف زدن آنها می نگریستم و لبخند می زدم. آنقدر برای آن جمع غریبه بودم که نه تنها هیچ کس حتی نظرم را در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی نمی پرسید، بلکه کسی نفهمیده بود من در آن جمع حضور دارم و من به جمع هم سنی ها یم نگاه می کردم که با چه ذوقی

در جست و جوی رادیو آرامش

چیزی که بیشتر از همه چیز ما نوجوونا رو خوشحال می کنه حذف رد پای بچه مردم از زندگی ماست. همیشه حرف یک شخصیت به نام بچه مردم توی خانواده ها هست که هر قدر هم بی نظیر باشی، باز هم اسمش به گوشت می خوره و چاره ای جز سکوت کردن و نشون دادن لبخند ملیحی بر لب نیست. چون مطمئنا ما اگر به عنوان یکی از نخبگان جهان هم شناخته بشیم، باز مادر و پدرها میگن: مادر و پدر نیکولا تسلا بچه داشتن ما هم بچه داریم! همیشه بعد از شنیدن این حرف ها علامت سوال بزرگی تو ذهنم پدیدار می شه پر از سوالات چرا و چه جوری های مختلف.

چه جوری تو دو سالگی با مامان گفتن، زمین و زمان از شدت تشویق برای ما می لرزه ولی در ۲۰ سالگی بچه مردم نباید مدال جهانی بیاره و ما مدال کشوری؟ چرا نباید نمره ریاضی بچه مردم ۲۰ باشه نمره ما ۱۹؟ چرا اول درس و بعد علاقه؟ چرا...؟ ای وای قاصدک سوال های من تموم شد. از همه شون استفاده کردم؛ دیگه اجازه سوال پرسیدن ندارم. قاصدک ها برید و زود برسونید شون به دست جواب رسون و بهش بگین به جواب شون نیاز دارم... ای بابا این رادیو هم درست نمی شه هرچی تنظیماتش رو دستکاری می کنم رو موج های دیگه نمی ره.

تارا جانباز

ساری

موج اول: بدو بدو دوستت داره ازت جلو می زنه.
موج دوم: حواست کجاست جواب اشتباست دوباره بنویس.
موج سوم: اول درس بعد علاقه.
دینگ؛
+ خدا کنه این دفعه دیگه درست شده باشه.
- سلام. به رادیو آرامش موج رویا خوش اومدید. پنج دقیقه اول خود را با آهنگ بی کلامی سراسر آرامش می گذرانیم....



مساله داشتن؛ این خود مساله است!



ساجده صداقت

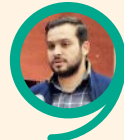
دانشمندان می‌گویند بچه‌ها از سه سالگی «چرا گفتن» را شروع می‌کنند. وقتی هم این کلمه را یاد می‌گیرند، احتمالاً سوزنشان رویش گیر می‌کند و آنقدر آن را به زبان می‌آورند تا همه را عاصی کنند. آدم هرچه بزرگتر می‌شود، چهره‌های ذهنش بیشتر می‌شود اما جالب این که کمتر آنها را به زبان می‌آورد. اواصولا در این نقطه بیشتر می‌رود سراغ کتاب و حضرت گوگل!

تا این که می‌رسیم به نوجوانی، جایی که آدم بین کودکی و بزرگسالی معلق است. دنبال سوالات بزرگ می‌گردد با راه‌حل‌های بزرگتر. ما نوجوان‌ها ذاتاً دلشان می‌خواهد برای مشکلات اطرافیان دنبال دلیل و راه‌حل بگردیم. حالا اگر این مساله، مساله خودمان هم باشد انگیزه‌مان برای حل‌کردنش خیلی بیشتر هم می‌شود. بگذرید رک و راست بگویم. اگر سؤالی که پیش آمده، مساله ذهنی خود ما نباشد؛ خود به خود از ذهنمان می‌افتد. مثل همان کارهایی که هر روز در دفتر برنامه‌ریزی‌مان می‌نویسیم ولی هیچ وقت جلوی‌شان تیک نمی‌خورند.



اما از بین این همه مساله‌ای که جهانمان به آن مبتلاست، کدام یک مساله ماست؟ کدام کلمه است که با شنیدنش، گوش‌هایمان تیز می‌شود و قلب‌مان تندتر می‌زند؟ خانواده، کنکور، رسانه، نوجوان، کدام کلمه؟ کدام کلاف سردرگم؟ مساله شما کدام است؟ اگر از شما بپرسم در این چند ده سال تحصیل، کدام مطلبش یادتان مانده، لابد می‌گویید هیچ کدام. بعد کمی بیشتر فکرمی‌کنید و چیزی را می‌گویید که بیشتر از همه به آن علاقه دارید. شاید یک شعر از حافظ یادتان مانده باشد یا نکته‌ای که در پاورقی کتاب جامعه‌شناسی خوانده‌اید. به قول شاعر «هرچیز که در جستن آنی، آنی». المپیاد سواد رسانه‌ای، فقط برای آنهایی نیست که مساله‌شان رسانه‌هاست، اینجا دقیقاً همان جایی است که شما مساله خودتان را پیدا می‌کنید. اگر خواننده ضمیمه نوجوانه بوده‌اید، حتماً اسمش به گوش‌تان خورده، اگر هم نخورده که هزینه‌اش یک جست‌وجوی ساده است؛ به این نشانی imlc.ir

دغدغه نوجوانانه هویت



دکتر مهدی کاشفی فرد کارشناس رسانه

سویی دیگر نیروها و سپرهای تدافعی سنت، او را دائماً در معرض قضاوت‌های ارزشی قرار داده است؛ قضاوت‌هایی که اساساً برای او آزاردهنده محسوب می‌شود. این وضعیت، پدیده نوجوانی را با چنان ابهام و آشفتگی‌ای روبه‌رو کرده که در سال‌های اخیر این پدیده از مرزهای مطالعات نسلی صرف، به دیدگاه‌های امنیتی سپر کرده است. امروز دیگر سخن از وجود شکاف نسلی، سخن از بدیهیات است. مساله اصلی در دوره فعلی «مواجهه مساله‌مند» با این نسل است. (صمیم، ۱۳۹۹)

مواجهه اشاره به موقعیتی دارد که در آن سوژه در برابر دیگری قرار می‌گیرد. این رویارویی (و نه هم‌آوردی)، موقعیتی اجتناب‌ناپذیر است از لحظه‌ای که به دنیا می‌آییم تا چالش‌هایی که در طول زندگی با آن روبه‌رو می‌شویم، چه در تعامل با پدیده‌های انسانی و غیرانسانی، موقعیت‌های مواجهه را شکل می‌دهند. آنچه این مواجهه را به سوی تفاهم می‌کشاند، پابندی به اصول مواجهه صحیح است و پافشاری مصرانه بر دیدگاه‌ها و ارزش‌های فردی و نفی ساخته‌شدن ارزش‌های مشترک در دل مواجهه با موقعیت‌های جدید، وضعیتی را شکل می‌دهد که در آن مواجهه به هم‌آوردی و کشمکش‌های عینی منجر می‌شود. آنچه در سال‌های اخیر درباره پدیده نوجوانی با آن روبه‌رو هستیم، توافق نداشتن بر ارزش‌های سومی است که جامع ارزش‌های گروه‌های ذی‌نفع و متضاد در مواجهه با پدیده نوجوانی است و کشمکش‌هایی عینی را در کف جامعه دامن زده است. نمونه ملموس چنین نبود توافقی، تعارض‌هایی است که در این سنین میان والدین و نوجوانان رخ می‌دهد.

آنچه توافق را میسر می‌سازد، روی آوردن به گفت‌وگو و پابندی به آداب آن است. اساساً هدف از برقراری ارتباط با دیگری، ایجاد اشتراک و تفاهم است و ملموس‌ترین راه برای رسیدن به چنین تفاهمی برقراری گفت‌وگوهای هم‌عرض در مواجهه نسل‌ها با یکدیگر است. گفت‌وگو دنبال هدف خاصی نیست. نباید فرض را بر این گذاشت که حقیقتی وجود دارد و باید گفت‌وگو، در نهایت طرف خطا کار را که معمولاً نوجوانانند) متقاعد سازد که حرف طرف مقابل را بپذیرد. گفت‌وگو خود هدف است. آنچه در گفت‌وگوهای بین نسلی در دوره کنونی اهمیت دارد، ایجاد فرهنگ سومی است که در آن طرفین دارای اختلاف ارزشی، بر سر اصول جدیدی به توافق برسند.

*صمیم، رضا. (۱۳۹۹). مواجهات نسلی و ثبات سیاسی در ایران معاصر؛ تفسیر پدیدارشناسانه موقعیت‌های مواجهه نسلی از ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۸ تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ تهران.



این روزها درباره پدیده نوجوانی زیاد سخن گفته می‌شود. اهمیت این دوره در رشد شخصیتی انسان در طول زندگی بر همه روشن است، به همین دلیل بحث‌ها و دغدغه‌ها درباره این دوره از زندگی در میان دغدغه‌مندان حوزه تربیت یافت می‌شود. مساله نوجوانی، مساله‌ای چندوجهی است و برای درک درست از این پدیده بایستی همه این ابعاد را در تعاملی روشن مورد توجه قرار داد. فارغ از این که کدام تعریف را از نوجوانی بپذیریم، نوجوانی بیش از هر متغیر دیگری بر ویژگی‌های روان‌شناختی این نسل تمرکز دارد. این پدیده در جامعه ایرانی که در طول دهه‌های گذشته تحولات گسترده در زمینه سیاسی، چالش‌های اقتصادی، جنبش‌های اجتماعی و تحولات فرهنگی خاصی را پشت سر گذاشته است، اهمیتی مضاعف دارد. این شرایط به خودی خود، ماهیتاً، با آنچه تحت عنوان هویت از آن یاد می‌شود، در تعارض است.

هویت‌یابی را اصلی‌ترین دغدغه و نیاز این نسل برشمردند. با این حال هویت لحظه‌درنگی است که فرد خود را فارغ از هیاهوهای جهان اجتماعی پیرامونش و منفک از تحولات بنیادین، تعریف می‌کند. به همین منظور، درست است که ویژگی هویت انعطاف و سیالیت است، نیازمند مکث، درنگ و سکون است. جامعه ما و آنچه در اطراف ما رخ می‌دهد، سال‌های سال است که با این لحظه درنگ فاصله دارد. آشفتگی، وضعیتی است که ذهنیت افراد جامعه را شکل می‌دهد و نوجوانان نیز از این وضعیت جدا نیستند. نوجوان، فارغ از جهان اطرافش، همواره در وضعیت ابهامی قرار دارد؛ زیرا مساله محوری نوجوانی مساله هویت است که با پرسش «من کیستم؟» همراه است.

این پرسش، آن قدر پیچیدگی و ظرافت‌های موشکافانه‌ای دارد که بر سختی‌اش بیفزاید. این وضعیت را در کنار تحولات روزافزونی که در بستر جهان اجتماعی رخ می‌دهد قرار دهید، فناوری‌های جدید، دائماً در حال صورت‌بندی فرم خاصی از تعاملات هستند؛ ویژگی تعاملی بودن شبکه‌های اجتماعی، دائم ارزش‌های جدیدی را به افراد و خاصه نوجوانان معرفی و ارائه می‌کند، بحران‌های اقتصادی تکلیف آینده نوجوانان را نامشخص ساخته و ارزش‌های سنتی قدرتمند جامعه ایرانی، ذهن نوجوان را دوپاره کرده است؛ از سویی، او با ارزش‌های جدید و رضایت‌بخشی از سایر فرهنگ‌ها آشنا شده و از



سواد رسانه‌ای

ضمیمه نوجوان

شماره ۷۵ - آبان ۱۴۰۰

نوجوانه

پیشخوان
Pishkhan.com

حضور مدیر و صاحب امتیاز
گالری حقدوست ارت از ایران
با دواتر معرق برجسته در نمایشگاه بین‌المللی
اکسپو دبی ۲۰۲۰
سایت: HaghdoustArt.ir
پیج اینستاگرام: Haghdoust.artgallery
EXPO 2020

برگ سبز خودرو پژو پارس مدل ۱۴۰۰
به رنگ سفید شماره انتظامی ایران ۸۵
۲۹۹۳۸ شماره موتور 139B0225726
و شماره شاسی Mk134022 به نام رحمت
براهویی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

دفترچه کار ثبت ساعت پایه یکم به
شماره ۱۰۵۸۶۱۸ به تاریخ صدور ۱۳۹۹/۵/۱۵ و
تاریخ انقضاء ۱۴۰۱/۴/۲۶ متعلق به جواد فلامرز
فولادی به شماره ملی ۱۲۸۹۵۱۶۳۳۲ مفقود و از
درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند و برگ کمپانی خودرو ۱۹۰ لوگان
مدل ۸۷ مشکی متالیک به نام اینجناب سعید آزاد
به شماره موتور 8200871592W012032 و شماره
شاسی NAALSRALD9A040241 و شماره پلاک
۲۳ س ۲۹۳ - ایران ۲۸ مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ سبز موتور سیکلت آپاچی زرد
شماره موتور 0E6AA2016143 شماره بدنه
180B8800105 NE8*** پلاک ۱۱۲-۶۱۶۸۲
محمد علی جهانپدیده مفقود گردیده و
فاقد اعتبار است.



گزارش

ضمیمه نوجوان

شماره ۷۵ ■ ۶ آبان ۱۴۰۰

نوجوان
جامه



فائز نادری



عطیه ضربایی

استودیو برنامه مثل یک دالان مارپیچ خالی از عوامل بود. هم تاریک هم گنگ. راهرویی پیچ در پیچ که بعد از چند ساعت متوجه شدیم پشت هر راهرویک موقعیت و یک بازی اتفاق می افتد. آنقدر رفتیم تا بالاخره محل ضبط را پیدا کردیم. یک استودیو با دیوارهای مشکی و دستگاه های بزرگ بازی های رایانه ای.

ما در کهکشانی به وسعت تاریخ ارتباطات گام برمی داشتیم. چهار کهکشان و چهار دوره تاریخ ارتباطات. قهرمانان آینده که شرکت کنندگان مسابقه هستند دور هم جمع شده اند تا همراه فردی به نام مهندس عالمی و به وسیله ماشین زمانی که پدر او طراحی کرده از سال ۱۵۰۰ به گذشته سفر کنند تا کلمه رمز را بیابند، کلمه رمزی که روز به روز کمرنگ تر می شود. انگیزه عالمی ابتدا یافتن پدر گمشده اش است اما به مرور مانند تمام قهرمان های دیگر جهان انگیزه او از سیروسفرو کشف تاریخ رشد می کند و متعالی تر می شود. چون و چرای داستان سفر به گذشته را از طراح این مسابقه پرقصه پرسیدیم؛ دکتر محمدصادق باطنی این طور برایمان گفت:

اینجا کارخانه خیالستان است. سال ۱۵۰۰. زمانی که خیلی از چیزهایی که باید به آینده می رسیدند، رسیده اند اما فرهنگ و اخلاق و مفاهیم مهم دیگر حلقه مفقوده این دوران هستند.

در خیالستان ابزار و فناوری هایی وجود دارد که مهندس و خانواده اش طراحی کرده اند و حالا باید برای یک مأموریت بزرگ با ماشین



زمان به گذشته بروند تا در هر مرحله یک کلمه رمز را پیدا کنند و به سال ۱۵۰۰ برسانند. این مسابقه داستانی ترین مسابقه به نسبت مسابقات دنیاست. قهرمانان وقتی وارد ماشین زمان می شوند به چهار کهکشان و چهار دوره مختلف ارتباطی سفر می کنند و هر کهکشان یک دوره ارتباطی است. نام اولین کهکشان کارستان است که مهم ترین ابزار مردم آن دوران چاپاره ساز، دود، شعر و... بوده است.

شرکت کنندگان به کارستان می روند و بعد از انجام برخی بازی ها برمی گردند و بلافاصله به کهکشان بعدی یعنی ادبستان می روند. ادبستان دوره ارتباط بعدی است، جایی که دستگاه چاپ اختراع شده و کتاب، روزنامه و... وجود دارد. آنها چالش ها را انجام می دهند و با چند گوی بیرون می آیند تا به کهکشان بعدی بروند. کهکشان سوم دیدستان است، جایی که چالش ها پیش ارتباط صوتی، تصویری و دیجیتالی است که شامل رادیو و تلویزیون و تلفن می شود. کهکشان چهارم هم سروستان یک سفینه فضایی ایرانی است.

شرکت کنندگان یا همان قهرمانان آینده بعد از سفر در زمان وارد این سفینه می شوند و به سال ۱۴۲۵ می رسند؛ جایی که جنس ارتباطاتش اینترنت و شبکه اجتماعی است. آنها در دیدستان هم چالش هایی را انجام می دهند و برمی گردند. در کل آنها در هر کهکشان یک یا دو چالش را تجربه می کنند و در مجموع شش چالش که دستاوردشان از آن چالش ها گوی هایی است که بیرون می آورند. این گوی ها روی هم چند کار می کنند؛ اول این که هر دو گوی به آنها یک حرف از یک کلمه رمز می دهد و دوم این که هر کدام ۵ ثانیه زمان برای آنها می خرد که با آن می توانند در ماشین زمان به عنوان دستمزد ورقه طلا جمع کنند. می پرسیم در نهایت مأموریت مهندس عالمی چیست؟ آقای باطنی لبخند می زند و می گوید: آن را دیگر لو نمی دهیم!

دکتر باطنی توضیح می دهد ما اپلیکیشنی طراحی کرده ایم که مخاطب می تواند اتفاقات داخل مسابقه را از طریق ar در خانه های خود تجربه کند. آنها می توانند به صورت آنلاین با چند صد هزار نفر دیگر رقابت کنند.

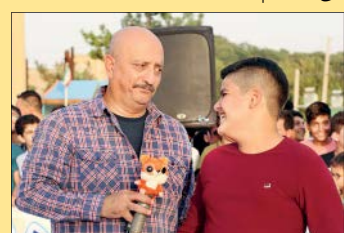
مروری بر چند مسابقه نوجوانانه

از شروع تا پایان

همه ما دلمان می خواهد یک روزی خودمان و توانایی هایمان را محک بزنیم و ببینیم چندمرده حلاجیم؟! به همین دلیل می رویم سراغ مسابقه دادن! از حق نگذریم، ما نوجوان ها تا حدی هم عاشق کل کل کردن هستیم و به قولی می خواهیم کل همدیگر را بخوابانیم. حالا این که کل مان کجاست را باید از خواجه حافظ شیرازی بپرسیم وگرنه ما که زیست شناس نیستیم!

اما این را می دانیم که برنامه ها و مسابقات تلویزیونی با هدف خاصی ساخته می شوند و آنها که برای نوجوانان است پیش ما عزیزترند!

برای همین سراغ آنها رفته ایم و گفته ایم در آنها چه می گذرد.



مسابقه محله

حتما تو هم یادت مانده که جمعه ها، آن

چرا مسابقه متفاوت کهکشان، برا

کهکشان را

کهکشان مسابقه ای شبیه قصه های ماجراجویی، فیلم های می توانند حواس مان را از تلخی زندگی پرت کنند و سرحال مان هم هست. یک گیم شواز جنس معنا و اسرار که بخاطر فضا پروپاقرصش همین خود ما نوجوان ها خواهیم بود. کمی صبر که



مسابقه بزرگ کهکشان

از دغدغه سازندگان این بازی پرکشش و دراماتیک پرسیدیم. دکتر باطنی با حوصله برایمان شرح داد: وقتی ما آدم ها در زمان حال زندگی می کنیم خیلی اوقات احساس می کنیم در بدترین زمان و بدترین دوران تاریخ قرار گرفته ایم و مگر می شود بدتر از این؟ و آینده پیش روی مان را سیاه می بینیم. ما در این مسابقه یک آینده روشن و یک آینده سیاه را توانا پیش روی خودمان گذاشته ایم. یک کهکشان بزرگ که روشن و یک کهکشان تاریک دور. آینده روشن نزدیک نقطه ای است که اگر درست حواسمان باشد، می تواند جلوی تاریک شدن آن آینده دور را هم بگیرد. ما دغدغه مان این است که ازل این بهانه های ارتباطاتی

این نوستالژیک ترین خاطره من از مسابقات نوجوانانه است! این بازی به ما یاد می داد که می توانیم با چیزهای دم دستی و کوچک هم بازی کنیم و شاد باشیم و بایک و یک و یک، دو و دو و دو گفتن بزرگ شویم... راستی! من خیلی منتظر بودم آقای روشن پژوه به محله ما بیاید؛ به محله شما آمده بود؟

مسابقه فاز



«اگر شما ۱۰ میلیون پول نقد و حمایت رسانه ای داشتید چه تغییری در محیط اطرافتان ایجاد می کردید؟» شاید این سؤال برای تو غیرمنتظره باشد و دست و پایت را گم

مسابقه کاروپله

اگر تو هم مثل من ته هرماه مگس هم در جیبیت پر نمی زند و چشمت به واریزی

ی نوجوان هاگزینه جذابی است؟

اهارتباطی

نیمنمایی یا حتی سریال های هیجانی و پرکشش که نه تنها ن بیاورند، بلکه با سیر داستانی غنی و جذابی که دارد آموزنده ای مبتنی بر واقعیت افزوده (VR و AR) احتمالا مخاطب خاص و ننید! کهکشان ایزلودینگ.



و میراث فرهنگی که در مسابقه یادآوری شان می کنیم، به آدم های دور و اطراف خود پیشنهاد بدهیم که در لایه لای ارتباطات، توسعه، گسترش فناوری و پیچیده شدن ها، حواس شان باشد که چیزهای مهم تری گم نشوند، چیزهایی که به آنها می گوئیم اخلاق و هویت! خانم فاطمه دلاوری، سردبیر مسابقه کهکشان با خوشرویی برایمان از حال و هوای مسابقه و شرکت کننده ها گفت: اینجا یک موزه تاریخ ارتباطات است! جایی که هم مسابقه داریم، هم داستان، هم فناوری هایی مثل VR و AR و کینکت و فیبرهای نوری و مسی که برای اولین بار است این چنین به صورت علمی در تلویزیون ملی مورد استفاده قرار می گیرد.

نوجوان ها در خیالستان می توانند نوستالژی های والدین شان را تجربه کنند. آثاری را ببینند و بازی کنند. اینجا همه چیز بیگ اسکیل شده به قول خودمان یعنی زیادی بزرگ شده است. تلویزیون و رادیو و دستگاه های بازی، بزرگ و هیجان انگیز شده اند. از نحوه انتخاب شرکت کننده ها پرسیدیم، خانم دلاوری گفت: ما برای انتخاب آنها مصاحبه داریم! شرکت کننده ها همان قهرمان های ما هستند و اول باید مصاحبه مفصلی با آنها داشته باشیم تا حسابی بشناسیم شان، این که رویایشان چیست، از چه چیزی می ترسند، اوقات بیکاری چه می کنند و چه کتاب هایی را برای مطالعه انتخاب می کنند. بعد در اتاق فکر براساس جواب افراد و توانمندی ها و ترس هایشان، انتخاب می کنیم چه کسی چالش های چه اتفاقی را طی کند.

شرکت کننده های ما بارها گفته اند: ما تابه حال این قدر به خودمان فکر نکرده بودیم. خانم دلاوری می گوید: شرکت کننده های ما تیم های دوست یا خانواده اند و تا امروز هم نوجوان های زیادی برای شرکت در مسابقه ثبت نام کرده اند که برای ما این بازه سنی مهم است و اتفاقا امتیاز مثبت محسوب می شود. از جایگاه مسابقه پرسیدیم، گفتند جای بهتر شدن داریم اما بررسی احوالات برنامه های مسابقه ای خصوصا در چند سال احتمالا از بهترین ها و پیشروترین ها هستیم.

از خانم دلاوری در مورد روند ساخت و همچنین عوامل این برنامه پرسیدیم: ما از آبان ۹۹ شروع پروژه و طراحی بازی را داشتیم و از بهمن ۹۹ طراحی دکور، مصاحبه، فراخوان و نویسنده گی. فصل اول مسابقه کهکشان ۵۲ قسمت است که قرار است از ۶ آبان هر پنجشنبه و جمعه از ساعت ۹ تا ۱۰ شب روی آنتن شبکه پنج سیما برود.

طراح مسابقه آقای دکتر باطنی است، تهیه کننده آقای کمیل سوهانی، سردبیر خانم فاطمه دلاوری، مدیر تولید آقای بهراد رضازاده، مسؤول تکنولوژی و فناوری آقای مهندس آتش جام و طراحان بازی ها آقایان نیک نفس، امینیان و رضاداد. آقای محمد درخشان هم کارگردان تلویزیونی مسابقه است.

سعی کردیم وسط استراحت بین بازی ها با یکی از

شرکت کننده های مسابقه گفت و گو کنیم. امیرحسین پسر ۲۵ ساله قدبلندی بود که هیجانش ما را هم به وجد آورده بود. پرسیدیم شما کجا و کهکشان کجا؟ چطور راهتان به اینجا رسید؟ یکی از دوستانم به نام آرمین، این بازی را معرفی کرد و من هم که همیشه پایه بازی و هیجان هستم به این مسابقه جذب شدم.

پرسیدیم تا اینجا روند مسابقه چطور بود؟

بار اول وارد دکور بازی ها شدیم بعضی چیزها عجیب بود، مخصوصا من نفراولی بودم که در حال بازی بودم. روزهای اول از دکور و وسایل این برنامه دیدن کردیم و اما بعد از آن همه چیز عادی شد.

چه چیزی براتون در این مسابقه جذابیت داشت؟

این که گوی طلایی رو به دست بیاریم، خیلی جذابه.

روند بازی چطور بود؟

بازی به نظرم خیلی باحاله از این که به کهکشان دیگه ای سفر و بازی می کنیم بسیار جذابه و حتی به نظرم از دید مخاطب بسیار جذاب تر هم میشه.

اگر بازی تموم بشه چه دستاوردی به شما اضافه میشه؟

قطعا که روی آدم تأثیر گذار است ولی باید تموم بشه تا متوجه این تغییر بشم.

اینجا خاطرات شما زنده شد یا براتون خاطره ساز شد؟

بیشتر خاطرات مربوط به بازی کردن در کنار یکدیگر و مخصوصا خاطراتم با آرمین زنده شد. البته خاطرات مربوط به نوجوانیم مثل بازی با سگا هم زنده شد و همین برای من جذاب بود.

به نوجوان ها توصیه می کنید به این مسابقه بیان؟

بله بسیار جذابه و من به همه نوجوان ها توصیه می کنم در این مسابقه شرکت کنند؛ شاید درس های بالاتر حوصله بازی و چالش نداشته باشند اما نوجوان ها قطعاً علاقه به این مسائل دارند.

بعد از دو ساعت بالاخره گزارش این شماره از نوجوانه تمام شد. فضای کهکشان ادبستان با طراحی خاص شبیه به خانه های قدیم ایرانی بود. یک حوض آبی و گلدان های شمعدانی وسط دکور برنامه و دور تا دور کتابخانه های پر از کتاب. ما هم فرصت را غنیمت شمردیم و یکی دوتا عکس در تاریکی انداختیم و باز در راهروهای دکور گم شدیم تا راه خروج را پیدا کنیم. هواتاریک شده بود و نم باران زمین را خیس کرده بود.

هم گروهی هایشان در مسابقه «اقلیما»! آها ته هر چیزی به یک قصه می رسند.



دختران نوجوان در مسابقه اقلیما به پنج گروه چهار نفره تقسیم می شوند؛ این مستند- مسابقه یک کار تیمی و گروهی است که در آن دختران نوجوان بعد از همفکری، تحقیق و گردآوری اطلاعات درباره سوژه مورد نظر (آشپزی، هنری، ورزشی و...)، با هم رقابت می کنند و در پایان مسابقه یک قصه و داستان مطلوب را به مخاطبان ارائه می دهند. یادمان نرود که همه چیز یک قصه است؛ یک داستان! امیدوارم گرهِ های داستان زندگی مان کم باشد و پایانش خوش!

چه آنهایی که در مرزی ترین نقاط ایران بدون داشتن حتی یک جفت کتانی معمولی عاشق فوتبال بودند؛ می توانند برای ثبت نام در این مسابقه اقدام کنند و به قول قدیمی ها بخت خودشان را محک بزنند و ببینند چندمرده حلاج اند! فوتبالیست های پیشکسوت ایرانی همچون فیروز کریمی، خداداد عزیزی، مهدی مهدوی کیا و... هم در این برنامه حضور دارند و در آخر؛ بهترین های فوتبالی این مسابقات، به تیم های برتر کشور معرفی می شوند و تبدیل به یکی از ستاره هایمان خواهند شد! فقط امیدوارم در آن های و هوی شهرت و محبوبیت؛ من را هم از یاد نبرند و حداقل یک امضایی بدهند!

مسابقه اقلیما

نوبتی هم که باشد؛ نوبت تصاحب ما دخترخانم هاست! دخترها هر کجا که باشند؛ پر از قصه اند. فرقی نمی کند کنج اتاق شان، سرشان گرم درس خواندن باشد یا با

خوردی؛ کام دنیا را به خودت زهر نکن و ادامه بده! مثل این که دوز انگیزشی شدن این پارت بالا رفته! برویم ببینیم بعدی چه خبر است.

مسابقه ستاره ساز



اگر اهل فوتبال باشی، حتما اسم این مسابقه به گوشت رسیده و اگر دنبال کشف استعداد فوتبالی ات باشی، قطعا تلاش کرده ای که وارد این برنامه و مسابقه بشوی! مسابقه «ستاره ساز» یکی از برنامه های جالب برای کشف استعداد های فوتبالی کشور از سراسر ایران است؛ یعنی چه آنهایی که هر روز به زمین چمن می رفتند و تمرین می کردند و

حسابت مانده و هر دم از آن باغ هیچ بری نمی رسد؛ به «کار و پله» نیاز داری! این بازی تلفنی از آنهایی است که وقتی داری بازی می کنی و می گویی و می خندی؛ آموزش را هم به خوردت می دهند و بعد از تمام شدن بازی می فهمی که چقدر مطلب درباره استارتاپ ها و کسب و کارها و درآمد قبل از دانشجو شدن یاد گرفته ای!



تهیه کننده این برنامه می گوید: نظریه ای وجود دارد که شکست پله اول پیروزی است و این تفکر را باید از نوجوانی به کسانی که می خواهند وارد کسب و کارها شوند، آموخت، یعنی عزیز دل بدار! اگر در اولین ایده ات شکست

گزارش

ضمیمه نوجوان

شماره ۷۵ ■ آبان ۱۴۰۰

نوجوانه



گپ و گفت

ضمیمه نوجوان

شماره ۷۵ ■ ۶ آبان ۱۴۰۰

نوجوان
جام



امیرحسین
علی نیافرید

پای حرف های نیما دلاوری، مجری شبکه امید

پیگیر آرزوهایت باش

یک ویک ویک! دو و دو و دو! سه و سه و سه، مسابقه محله! احتمالا هیچ نوجوانی پیدا نشود که در فهرست آرزوهای کودکی اش شرکت در برنامه مسابقه محله را نداشته باشد یا حداقل طرفدار این برنامه نباشد. هیجان انگیز است وقتی با خانواده پای مسابقات تلویزیونی می نشینیم؛ برنامه هایی که جایگاه ویژه تری نسبت به بقیه محتواهای دیگر در تلویزیون دارند. از دهه ۶ تاکنون مسابقات زیاد و خاطره انگیز و بیشمار ساخت و پخش شده که قطعاً نوجوان های دهه ۸ با آنها خاطره دارند. نیما دلاوری یکی از مجریان جوان است که کار خود را در شبکه امید شروع کرد و نام خود را با مسابقه جذاب تلفنی راز جزیره مطرح کرد. او از چالش های زندگی و کیفیت مسابقات تلویزیونی برایمان می گوید.

🗣️ نوجوانی نیما دلاوری چطوری گذشت؟ (شیطنت هایش، علایقش، آینده نگریش و...)

نوجوانی من هم مانند دوران دیگر بچه ها پر از شیطنت ها و علایق مختلف بود، مخصوصاً به صورت حرفه ای چند ورزش را در آن زمان دنبال می کردم و به کلاس های مختلف می رفتم. رشته فوتبال و بدمینتون علایق اصلی من بودند که توانستم در نهایت مقام هایی هم به دست آورم. اما علاقه من به اجرا از همان دوران ابتدایی سرصف مدرسه و همچنین با اجرای تئاتر شروع شد و در نهایت در دوران جوانی توانستم وارد کار اجرا شوم.

با این که در نوجوانی از کار اجرا در صداوسیما دور بودم اما این توانایی را در خودم می دیدم و سخت تلاش کردم.

🗣️ خودتان پای ثابت کدام مسابقه تلویزیونی بودید که به نظرتان خاطره انگیز هم بود؟

آن زمان که بچه بودم، برنامه ای با اسم گوی و میدان از شبکه سه پخش می شد. من یکی از طرفداران ویژه آن مسابقه تلفنی بودم و همیشه آن را حرفه ای دنبال می کردم اما متأسفانه هیچ وقت برای من فرصتی برای شرکت پیش نیامد و حتی می توانم این را بگویم که یکی از آرزوهای من شرکت در مسابقات تلفنی بود!

🗣️ دوست داشتید در کدام مسابقه تلویزیونی شرکت کنید و چرا؟

راستش اگر بخواهم الان را بگویم علاقه به شرکت در مسابقه «ایران» را دارم. به نظرم مسابقه خیلی خوب و جذابی است که در حال حاضر از شبکه یک پخش می شود. خودم این برنامه را به صورت ویژه دنبال می کنم به این دلیل که می توانم اطلاعاتم را درباره کشور خوب و زیبای خودم بالا ببرم.

🗣️ در یک دهه اخیر مسابقات تلویزیونی جذاب و متنوعی در حوزه نوجوان داشتیم. به نظرتان چطور این مشکل حل می شود؟

علی رغم علاقه ای که در نوجوان ها به مسابقات تلویزیونی وجود دارد اما متأسفانه از این جنس برنامه برای سن نوجوان بسیار کم است. گرچه در شبکه امید که متعلق به نوجوان هاست ابتدا مسابقه تلفنی شبستان ساخته شد و بعد از آن راز جزیره به آنتن زنده آمد. اما ما به تنوع بیشتری در نوع مسابقات نیاز داریم.

بچه ها در این سن تشنه رقابت هستند و البته باید جاذبه زیادی هم در برنامه برایشان ایجاد کنیم.

🗣️ احتمالاً مسابقه راز جزیره به خاطر تعامل با مخاطب اتفاقات

جالب زیاد داشته است. چند خاطره از آن را برای ما تعریف می کنید؟

دقیقاً. یکی از موارد خاص مسابقات تلویزیونی مخصوصاً حوزه نوجوان اتفاقات ناگهانی آن است. ما بیش از پانصد قسمت

این برنامه را ساختیم و هر روز دو شرکت کننده از سراسر کشورمان داشتیم، برای مثال در یک زمانی کشور ما با قطعی برق مواجه بود و در ساعت های مختلف در سراسر کشور قطعی برق داشتیم، بارها برای ما در حین مسابقه این مورد پیش آمد که برق خانه شرکت کننده قطع می شد و ما مجبور بودیم مسابقه را به نحوی ادامه بدهیم.

یکی دیگر از اتفاقات جالب و فوق العاده برنامه راز جزیره این بود که در یک روز میزبان خواهران چهارقلو از قم بودیم که آنها به صورت دوی دو با یکدیگر مسابقه دادند و یکی از بهترین روزهای برنامه را رقم زدند.

در آخر می توانم به این اشاره کنم که با توجه به سامانه پیامکی و فضای مجازی ای که در برنامه وجود دارد، ما حتی مخاطب بزرگسال زیادی هم در برنامه راز جزیره داشتیم.

🗣️ اگر به شما یک کار پردرآمد جدا از رسانه پیشنهاد شود قبول می کنید؟

حقیقت ماجرا این است که متأسفانه درآمد رسانه آنقدر زیاد نیست و هر شخصی که در هر جای آن کار کند با این مساله روبه رو است. اما در آخر همه اعضای این خانواده کاملاً به صورت دلی و عاشقانه این کار را انجام می دهند. البته با تمام این موارد قطعاً به دلیل درآمد، حاضر به ترک این کار نیستیم. به دلیل این که از نوجوانی به این کار علاقه داشتیم و علاقه ام را به درآمد ترجیح می دهم.

🗣️ برای ورود به تلویزیون پارتی داشتید یا شانس؟

من یک عقیده ای دارم. این که اگر شخصی علاقه ای به کاری دارد و به شدت پیگیر آن باشد، می تواند شانس و همه زمینه های موفقیت را برای خودش ایجاد کند. یکی از مواردی که توانستم به رسانه وارد شوم همین پیگیری های مکرر و دائم بود. شاید این موضوع برای کسانی خسته کننده باشد. البته جدا از پیگیری های مداوم، در فضای مجازی تولید محتوا انجام می دادم و در جاهای مختلف دیگر مجری مراسم بودم که در نهایت از طریق شبکه امید وارد این کار در رسانه ملی شدم. البته قبل از این که وارد کار اجرا شوم، داوطلبانه در رادیو مشغول به کار آیتم سازی بودم و برای ساخت آیتم کارآفرینی به نقاط مختلف شهر می رفتم و این یکی از همان پیگیری های مداوم من بود.

🗣️ مشخصات یک مجری خوب چیست؟

همه آدم ها خصوصیات ویژه و خوبی دارند و حتی افراد زیادی داریم که به کار اجرا علاقه مند هستند. اما باید به این فکر کنیم که از این افراد کجا باید استفاده کرد. در اجرا بخش و ژانرهای مختلفی مانند ورزشی، اجتماعی و... وجود دارد.

یکی از مهم ترین موارد در این رشته، عادی و خودمانی بودن



مجری است که مخاطبان به سادگی متوجه آن می شوند. به نظر من تفاوت مجری خوب با دیگر مجری ها این است که آنها خودشان هستند و از شیوه اجرای دیگران تقلید نمی کنند. من هم تا آنجا که می توانم سعی می کنم در این کار شخص خودم باشم.

🗣️ خیلی ها از گرافیک برنامه راز جزیره، ناراضی بودند، نظر شما چیست؟

اگر بخواهم تخصصی بگویم، مسابقه راز جزیره در سه فصل تولید شد و حتی نظر منفی بچه ها هم به دستمان رسید. آنها بیشتر از گرافیک برنامه خسته شده بودند و به نظرم برنامه هایی که برای نوجوان در تلویزیون ساخته می شود، باید در طول فصل های مختلف آن تغییرات بنیادی داشته باشد که متأسفانه به دلایلی نتوانستیم این تغییرات را لحاظ کنیم. هر شش ماه با این که تغییرات مقطعی داشتیم اما متأسفانه نتوانستیم در قالب های جدیدی برنامه را ارائه دهیم.

ان شاء... شرایطی مهیا شود تا در آینده ای نزدیک با محیطی کاملاً جدید و پیشرفته برنامه را ادامه بدهیم.

🗣️ خودتان هم به ساخت مسابقه تلویزیونی برای نوجوان ها فکر کردید؟

راستش با کمک همکارانم اکنون به شکر خدا تجربه چهارساله ای در این زمینه دارم اما فعلاً به اجرا بیشتر از برنامه سازی علاقه مند. قطعاً برنامه سازی یکی از علاقه های بنده است که ان شاء... در آینده ای نزدیک سراغ این کار هم می روم و حتی اجرای مسابقه نوجوان را هم بسیار دوست دارم.

🗣️ اگر یک روز ممنوع تصویر بشوید چه کار می کنید؟

یکی از سخت و دلبره آورترین کلماتی که یک مجری می تواند بشنود، همین کلمه است و امیدوارم هیچ کدام از همکارانمان درگیر این کلمه نشوند. قطعاً ناراحتی بسیار زیادی دارد برای هر کاری که عاشق آن باشی و به ناگهان نتوانی در آن فعالیت کنی.

امیدوارم این اتفاق برای من رخ ندهد، گرچه گاهی این اتفاق برای بازیابی کاری و ذهنی بعضی افراد مفید است.

🗣️ تا حالا شده از کار اجرا خسته بشوید؟

خیر. در این چندسال که در حال اجرای تلویزیونی هستم، پیش نیامده است. شاید روزهای شلوغی را پشت سر گذاشته ام و با حال های مختلفی روی صحنه رفتم اما باز هم می گویم که اگر به کاری علاقه مند باشی، هیچ وقت دچار خستگی نمی شوی و امیدوارم کسی از شغل مورد علاقه اش خسته نشود.

🗣️ شده تا حالا شما را با محمد دلاوری اشتباه بگیرند؟

بله پیش آمده، محمد دلاوری یکی از همکاران خوب و باتجربه رسانه ای است. در جشنواره جام ایشان را دیدم و اتفاقاً باهم گپ زدیم.

یک بار در یکی از برنامه های شبکه امید زمانی که اجرا می کردم، برای هماهنگی با مهمان برنامه تماس گرفتم و ایشان در روز ضبط برنامه متوجه منظور اشتباهشان شدند و بسیار در کنار هم خندیدیم و حتی بچه هایی که به شرکت در برنامه راز جزیره علاقه داشتند هم به اشتباه به آقای محمد دلاوری پیام داده بودند.

